

# مسائل بین المللی

مجله تئوریک و اطلاعاتی

شماره ۶ (۷۸)

آذر - دی سال ۱۳۵۴

## فهرست مقالات این شماره :

صفحه	مؤلف	عنوان
۱۰ - ۲	<u>کنودیسیرسن</u> صدر حزب کمونیست دانمارک	شرایط نوین در اروپا و مبارزه ایدئولوژیک
۲۳-۱۱	تبا دل نظر در کمیسیون مجله	برخی از ویژگیهای رشد سرمایه داری در کشورهای آسیا و آفریقا
۳۲-۲۴	<u>ایندرا دیپ سین خا</u> عضو هیئت اجراییه مرکزی و دبیر شورای حزب کمونیست هندوستان	موقعیت و مکانات انقلابی دهقانان
۳۸-۳۳	<u>آلبرت واسکالا</u> جامعه شناس آرژانتینی	پیرامون مواضع اجتماعی - سیاسی روشنفکران
۳۹	<u>حمید صفری</u> دکتر در علوم اقتصادی (ایران)	در دفاع از دقت مفاهیم علمی
۴۹-۴۰	نگوئن ایگوکده تخوانک	پیروزی مشترک نیروهای انقلابی
۴۳-۴۱	نوفان سیدناسای	حاکمیت برای نخستین بار در لست مردم
۵۱-۴۴	<u>اولاندومیلیاس</u> عضو کمیسیون سیاسی کمیته مرکزی حزب کمونیست شیلی	از خرابکاری اقتصادی تا شورش فاشیستی
۵۷-۵۲	<u>برونیسلاو گولمبوسکی</u> جامعه شناس لهستانی	روشنفکران در جامعه سوسیالیستی
۶۳-۵۸		برخی اطلاعات درباره احزاب کمونیستی و کارگری

# شرایط نوین در اروپا و مبارزه ایدئولوژیک

کنود یسپر سن

مدیر حزب کمونیست دانمارک

گفتمان امنیت و همکاری اروپا در هلستینکی بحر همانند رویداد بزرگ قرن در تاریخ قاره ما بشمار میآید. سران کشورهای اودولتیم ۳۳ کشور اروپایی، ایالات متحده آمریکا و کانادا سندی را امضاء کردند که هدف آن میباید بران رویارویی یرتشیج و "جنگ سرد" پایان بخشیده و مرحله نوی را در پیبرد. همزیستی میان ملت آمیز و همکاری سفید برای ۵۰ و تاروف میان تمام کشورهای اروپا، بدون توجه به نظام اجتماعی آنم ایشارت دهد.

ولی تثبیت اصول همزیستی مسالمت آمیز یعنی "آشتی ایدئولوژیک" نیست. این پدیدار با خاموشی مبارزه ایدئولوژیک بضره یکی از اشکال مبارزه طبقاتی همراه نیست. پدیده تازه در این وضع عبارت از این است که رویارویی ایدئولوژیک دو سیستم اجتماعی از این بیه در داخل مسئله عمده و سیاست جهانی یعنی با تعمیم گاهش تشنج پیوند می یابد. هر قدر هم نظریه (کنسپسیون) پرزور و سوسیالیستی اجتماع بشدت در برابر هم قرار گرفته باشند، این رویارویی با خگر برای صلح همراه نیست. در نگاهش تشنج و همزیستی مسالمت آمیز حفظ مناسبات میان دولت ها صرفاً ثرا از اختلاف های ایدئولوژیک است.

البته این ته بیروت حولی یکباره رونخواه داد. امروز هم تلاشهای بسیار شدید بمنتهای شور عقیم گذاردن گاهش تشنج و طبرغم همزیستی مسالمت آمیز، افکندن مبارزه ایدئولوژیک در مسیبر "جنگ روانی" (پسیکولوژیک) بر علیه کشورهای سوسیالیستی ادامه دارد. ولی واقعیت اوضاع کنونی این است که تجاوزکارترین و مرتجعترین محافل امپریالیسم با دشواری هر چه بیشتر برای اثبات این موضع خود رو برو میشوند که گویا مناسبات با این سوسیالیسم را فقط در راه های "توسل صنبروهان نظامی" میتوان عادی ساخت. برخی از محافل حاکمه کشورهای امپریالیستی هم که نادار شده اند اصول همزیستی مسالمت آمیز را بیازیندیرند و در واجب ولا زمیدانند که از ارفقداران سرشناس "جنگ سرد" تا اندازه ای فاصله بگیرند.

امپریالیسم در فالت ایدئولوژیک خود با توجه بشرایه تازه تغییراتی میدهد. سخن بر سر یافتن راه های تازه برای رسیدن به هدفهای سابقین است که مانع از انباشتارند پشه های کمونیستی در کشورهای سرمایه دارن، تضعیف و تخریب نظام اجتماعی - اقتصادی و سیاسی کشورهای سوسیالیستی و ایجاد پراکندگی و جدائی در جامعه کشورهای سوسیالیستی و دبیر جهانی کمونیستی از جمله آنم است. با ورمثال گاهش تشنج بهم یحوجه موجب گاستن از تلاش در راه اشاعه آنتی-کمونیسم و آنتی سوسیالیسم در اروپای غربی نگردید. قضیه (با قضاوت از روی کشورهای و کشورهای دیگر) تا ملا برعکس است. ایدئولوگ ها و سیاستمداران امپریالیسم از این بهم دارند که گاهش تشنج

" افکار خطارناکی " در توده ها ان مردم بود آورد .

مادر در انمارک در این اواخر بار دیگر یغین حاصل کرد بیکه ایدئولوگ ها ان امپریالیسم در تبلیغ آنتی سوسیالیسم از هیچ - برزور گردان نیستند . از ۱۷ تا ۱۱ اکتبر سال ۱۹۲۵ در بنان فولک تینگ با بنکار " کمیته مهاجرین شرقی در انمارک " نمایندگان حادث ترین مخالف ارتجاعی ضد سوسیالیستی و ضد شوروی اجتماعی که " شتود ها ان ساخاروف " نامیده شده سر دم بند کردند . خود این فاکت که چنین " ماجرا ان بین الطلی " بر پا کردند جالب توجه نیست . متصادفان با شکست کامبرو بر بوده . این " ماجرا " با طرح و مرج و جناب پایان یافت ، ولی استقبالی که وسائل ارتباط ضمنی از آن کرد عبرت انگیز است . ثلیه ات و سر و صدائی که در ارا رافد این " ماجرا " براننداخته شد بهین پیچوده با آنکه که بران سر - و ته سیروید ان محکوم کنند و جنگ علیه مردم ویتنام و پورشر نظامیان و فاشیسم در شبلی بعضی آمد قابل مقایسه نیست . ارتجاع به نتایج مطلوب خود دست نیافت . این " ماجرا " بزبان بر پا کنند کانتر تمام شد . با بیان آن آب ارام برور کرد در مقابل افکار عمومی از خود ملت مسئولیت کنند و بران تیرنه آنتی سوسیالیسم خشونت بار خود که خریدارن پیدا کرده بود دلیل و برهان برترانند . آتم افط بد نتیجه بدست آوردند : فولک تینگ را بهمنگ آلودند و به ارزش و اعتبار بین الطلی آن زبان زدند . شکست ننکین " ماجرا " نشان میدهد که نظریه عمده شدیدی گرایتر ها ان ضد شوروی ، گاهش تشنج به آوردن به گسترش امکانات بران افشای آنتی سوسیالیسم کمک میکنند .

لد ان روز که میگذرد با ارا نشان میکند که در میستی مسالمت آمیز این معنی نیست که گویا از آنتی سوسیالیسم ایدئولوژی امپریالیسم گامته شده است . ایدئولوژی سوسیالیستی هم ضمیمه امپریالیسم خود را گاهتر نداده است . این امر از خود سرشت مبارزه ایقاتی جمعی ناشی میشود . مارکسیست ها - لنینیست ها هیچ گاه این موضوع را نفی نکردند ، اند که سازمانیکه باید ها ان ایقاتی تمام ان ایدئولوژیک پایه است ، این تعداد سوسیالیستی خواهد بود . ولی مارکسیست ها - لنینیست ها تاکید کرده اند و اینک با قاطعیت بیشتری تاکید میکنند که مبارزه ایدئولوژیک میان ایقات و سوسیالیسم ان اجتماعی را میتوان و باید در شرایط صلح و بدون دادن امکان به سر خوردن ان نظامی میان شوروی و خلق ان انجام رساند .

مبارزه ایدئولوژیک بمنزله شک حادث مبارزه نه فقط در معرض بین الطلی و صورت مبارزه میان سیستم ها ان اجتماعی متضاد ، بلکه در مقابل ملی دم باقی خواهد ماند . این در ورورینک بدیده واحد است و نمیتوان آنرا از یکدیگر جدا ساخت ، از اینم بالا تر نمیتوان آنها را در مقابل هم قرار داد و اعلام کرد که مبارزه با آنتی سوسیالیسم لزومی ندارد ، زیرا ، چنین مبارزه ان گویا به وجه مشترکی بین آنها نبرد ها ان ایقاتی درون شوروی و ندارد و بزی است " خارجی " و مربوط به " آنسون دیگر " .

چنین موضهمگیری مبتنی بر حکمی است که بنابر آن گویا در وران ما " ایدئولوژی ها ان گوناگون سوسیالیستی " وجود دارد : گویا سوسیالیسم هست که بدرد طبقه کارگر کشورهای سرمایه دارن میخورد و نوع دیگری هم هست که شایسته کشورهای مختلف سوسیالیستی است .

چنین نظریاتی در عین حال مغایر باخته ها ان لنین است و پایه اساسی ندارند ، این عینس است که گفته شود گویا ایدئولوژی سوسیالیستی خصلت استراتژی سوسیالیستی خود را از دست داده است البته در سیاست ایدئولوژیک سوسیالیست ها ان کشورهای مختلف تفاوتی موجود است . این امری طبیعی است : در برخی از کشورهای ایدئولوژی بورژوازی ، یعنی ایدئولوژی طبقه ای که در آنست حکومت میکند ، ایدئولوژی سرمایه اندصارن حاکم است و در برخی دیگر از کشورهای ایدئولوژی سوسیالیستی . در فم ان شخص فعالیت ایدئولوژیک در شرایط گوناگون مبارزه یکسان نیست و نمیتواند یکسان باشد . اما تفاوتی از این قبیل در این واقعیت تفسیری نمیدهند که ایدئولوژی ان سوسیالیست

سوسیالیستی در دست است. از شرایط حفره‌های آب و هوای کشور و استقلال از مرزهای آن کشورها -  
یاد آید بولون واحد و یکسان است .

بدین علت این آید بولون واحد و یکسان است که ما رکیسیم - لنینسیم به نوبت زیربنای علمی  
تئوریک آن یکی است و پایه افکاتی آنهم که اشتراک منافع بنیادین بقوه کارکرد رسوا سرچشمه آن است  
یکی است ، این منافع از سوسیالیسم موجود جدائی نایز براند . نیروی آید بولون سوسیالیستی هم  
درست در همین است . دشمنان ما میگویند این نیرو را از جمله مبارویاری هم قرار دادند بخترهای  
جداتگانه آن دست و متزلزل سازند .

این است نکتت آنتی سوتیسم . این است وسیله آن که از آن برای نجات کردن سوسیالیسم  
برای هم زدن همزستی مسالمت آمیز ، برای تصدیق روندیکانه انقلاب هماتی استفاده میکنند .  
همین سبب هم مونیست همارزه با آنتی سوتیسم می بردازند . طلب بقوه اکثریت مردم  
به اندیشه های سوسیالیسم بدون چنین مبارزه ای ناممکن است .

کمونیست های دناکاره لازم دیدند که در بیستین شماره خود ( در سال ۱۹۱۱ ) با گروه  
راستگرایان در این زمینه دست و پنجه نرم کنند . اگرچه ما میدانستیم که انشعاب زبان موثقی بسا  
خواهد زد ، تصمیم گرفتیم استوار و با برجا از مواضع خود دفاع کنیم . گذشت به آنتی سوتیسم به بی  
پرنسیپی در عرصه های گوناگون می انجامد . فو الیت گروه راستگرایان که از ما جدا شده بدرحسرت  
سوسیالیست خلقی متشک شده اند این گفته ما را تایید میکنند .

تجلیفات امریالیستی سالهای بسیار از آنتی سوتیسم برای تشدید ترور و وحشت استفاده  
کرد و کوشید تا بدین ترتیب از مبارزه زحمتکشان در راه منافعشان جلوگیری کند . ایند ویر مردم تلقین  
میکردند که "کشور شوراهای مخفیانه برای حمله به اروپای غربی آماده میشود و در مسد است تا یکسال  
نیروی انسانی ، تمام اجتماعی خود را بشنوره آن دیگر " صادر کند " گفته اند که ما مونیست های  
شورای سرمایه داران " عمل بیگانه ایم " و ما برای تحقیق نقشه های کشور و روی " استفاده  
میشود . ما با سراسر این موسیقی آشنائی کامل داریم ! البته اکنون قدیمی تبلیغات آنتی سوتیسم  
و آنتی کمونیسم هنوز میت و در اواز دستنداده اند . آنها هنوز همانند ایدام و خرافات در ذهن های  
تأثیر می بخشد و مبارزات زحمتکشان را بیخورد و متعویق می اندازند . علاوه بر این میگویند این خرافات  
را در اشکال تازه و همچنین بگم : اخبار و ابلاعات خنجا لودر باره " نقشه های مخفی " که درده های  
سوسیالیستی و انحرافات ازنده و تازه نگه دارند .

ما اینهمه ایست ما بچشم خود می بینیم که چگونه بی و بنیاد تمام این تبلیغات احام کسخته  
در هم فرو میریزد . تمایل به توسعه مناسبات حسنه با کشورهای سوسیالیستی در محافظه رجسسه  
بیشتری افزایش می یابد . شرابها بسیار ما بدتری توان جلوگیری از تاثیر زبان خنجر تبلیغات ضد  
کمونیستی و ضد شوروی در مردم فراهم آمده است .

این امر با وضع اروپائی ارتباط دارد که بار دیگر از وراهی که سوسیالیسم و امریالیسم نشندان  
داده اند یکی را بر میزنند . چنانکه میدانیم نتیجه جنگ جهانی اول برای نخستین بار اروپا را در مقابل  
این سؤال قرار داد : " سوسیالیسم یا امریالیسم ؟ " . انقلاب اکثریت روسیه باین سؤال پیود  
سوسیالیسم پاسخ داد و همین امروزه سیاسی بین الطلی را ( از جمله در اروپا ) تغییر داد .  
سؤال مربوط به انتخاب اجتماعی از طرف خلق در سالهای ۳۰ شک دیگر نیاید و گرفت : فاشیسم  
یا اتحاد فاشیستی سروهان سوسیالیستی و شوروات دموکراتیک . این مسئله در جریان جنگ  
جهانی دوم و پیراز آن از پیود سوسیالیسم که در برخی از کشورهای هم پیروز گردیده بود حل شد .

در عین حال در این سلسله دیگر از کشورهای انتخاب بسود رژیم ۱۵ بورژوازی دموکراتیک بود. " جنگ سرد " اروپا را با این ضرورت روبرو کرد که از جنگی تازه یا مزیمستی صلح آمیزی را برگزیند. این مسئله هم در مسالمان اخیر تاحدود زیاد بسود راهی که نیروهای سوسیالیسم پیش نهاد کرده اند حل میشود.

بدین ترتیب معضلات اجتماعی داخلی کشورهای دموکراتیک را در مرکز زندگی سیاسی آنها قرار گرفتند. روی میان طبقه کارگر و متحدین آن از یکسو و انحصارهای بورژوازی از سوی دیگر شدید تر میشود. راه های تازه ای برای ترقی اجتماعی گشوده میشود. اما دلائل کافی برای یادآوری این موضوع در دست است که امکانات تازه به وفور و به مشروط به موفقیت در تامین مزیمستی صلح آمیزی است که پیش از هر چیز روبرو کشورها بسوسیالیستی و همچنین در برتوسازیه تمام نیروهای مترقی بدست آمده است.

این پدیده بدان سبب دارای اهمیت بسیار است که در اثر تعمیق بحران عمومی سرمایه داری تضادهای درونی سیستم سرمایه دارن باشدت هر چه بیشتر آشکار میگردد و تعداد هر چه بیشتری از مردم ضرورت دگرگونیهای بنیادین اجتماعی را درک میکنند.

طی دوران اخیر، رشد نیروهای تولیدی که نتیجه انقلاب علمی و فنی بود مانع از آن میشد که بسیاری از مردم اهمیت موفقیت های کشورهای سوسیالیستی را درک نکنند. گفته میشد که گویا ثبات و آهنگ سریع پیشرفت آنرا بسبب " عقماندگی " و " سطح پائین نقطه شروع " بوده و " ارقام کوچک " میتوانند با سرعت بیشتر از " ارقام بزرگ " افزایش یابند. این اندیشه را که سوسیالیسم میتواند نمونه ای باشد بدین علت رد میکردند که " گویا ما شروتمند تریم " ( ۱ ). در آن دوران بی آمده های بحران اقتصاد سرمایه دارن را میشد نسبتا سهل تر مرتفع ساخت. تمام اینها را باید با مسئله دیگری هم ارتباط داد و آن اینکه استفاده از رآمد اضافی فراوانی، به ویژه در اثر پائین بودن قیمت مواد خام برای کشورهای با سرمایه ایستی تامین میگردد.

حالا وضع مورد دیگری است. اقتصاد سرمایه دارن با بحران عمومی دست بگریبان است که

۱ - واقعتی که اینک بدان اشاره میشود گواه بر این است که این دلائل حقیقت را منعکس نمکنند: اگر در سالهای ۶۰ نه کشور سرمایه دارن عضو " بازار مشترک " در تولید نیروی برق، پولاد و کودهای شیمیائی بر نه کشور سوسیالیستی اعضاء شورای تعاون و همکاری اقتصادین برترن داشتند، در سالهای ۷۰ مضاره شکل دیگری بود. تولید نیروی برق در کشورهای شورای تعاون و همکاری اقتصادین و بازار مشترک در سال ۱۹۵۰ به ترتیب ۱۳۵ و ۱۱۳ میلیارد کیلووات ساعت، در سال ۱۹۶۰، ۴۰۶ و ۴۲۶ میلیارد کیلووات ساعت و در سال پیش از بحران ۱۹۷۳، ۱۲۲۲ و ۱۰۳۳ میلیارد کیلووات ساعت بوده است. طی همان سالها پولاد به ترتیب ۳۶ و ۴۸ میلیون تن، ۸۶ و ۶۸ میلیون تن، ۱۷۸ و ۱۵۰ میلیون تن بدست آمده است. کود شیمیائی به ترتیب ۳۱ و ۱۵ میلیون تن، ۶۵ و ۱۰۳ میلیون تن و ۲۶ و ۱۶ میلیون تن تولید شده است. حجم کل فرآورده های صنعتی در کشورهای شورای تعاون و همکاری اقتصادین اینک در حدود ۲ برابر حجم فرآورده های کشورهای بازار مشترک است.

بنا بریکه دیده میشود " ارقام کوچکتر " حالا نه از آن کشورهای سوسیالیستی بلکه متعلق بسده کشورهای سرمایه دارن است. با اینهمه مثل اینکه غیرمغز نوانین آمارن " ارقام بزرگ " سریع تر از " ارقام کوچک " افزایش می یابند. آیا نه بدین سبب است که " ارقام بزرگ " حالا بکشورهای سوسیالیستی تعلق دارند؟

مکانیسم اصلی آنرا از کار می اندازد. زحمتکشان با وجود دامنه گسترده مبارزه طبقاتی موفق نشدند از تنزل سطح زندگی خودشان جلوگیری کنند. بیکاری توردها را تبیه که خندی پیش گفته میشد به گذشته پیوسته است، اینک با بیکارگرایی شدت زیر فشار قرار داده است. بحران بحرصه استثنا نواست معاری هم سرایت کرده است. هم مین علت است که عده ۵۰ رجه بیشتر روی از مردم در نمیکنند که برای تعیین شرایط عادی زندگی زحمتکشان در گرونیهای عمیق اجتماعی لازم است.

عدم اعتماد شدید و جستجوی راه بیرون رفت از مشخصات دوره کمونی است و جز این هم نمیتواند باشد! ایدئولوژی بورژوازی جامعه رایج نیست میکشاند. موجودیت جهان سوسیالیسم در این اوضاع و احوال برای آنکه زحمتکشان ایمان پیدا کنند که قادرند از منافع اجتماعی خود دفاع کنند، اهمیت قاطع دارد.

در ایدئولوژی بورژوازی هم تغییرات شدیدی بوجود میآید. خوش بینی خود پسندان سه سالهای موفقیت آمیز ۱۹۶۰؛ که درباره پیشرفت مستمر "جامعه رفاه همگانی" گزارف امیقتند. پشت سر نهاده شده است. حالا بدبینی را خاطر نشان میکنند که آنرا البته نه با خصلت نظام اجتماعی، بلکه با اینکه دیگر "قدرت و امکان اسانهاته کشیده است" تفسیر و تشریح میکنند.

میکوید چیزی نمانده است که مصرف روز افزون به بی پایان رسیدن تمام منابع مواد خام و انرژی در کره زمین انحام. هم مین سبب گویا بران جامعه پیروی از مشی رشد "مفر" ویا "منفی" ضرورت دارد. میکوشند بدیوسله تلاش تولید و مصرف را کاهش از بحران اقتصاد سرمایه داران است تشریح کنند.

در محیط ایدئولوژیک موجود، اینکه توده های زحمتکشان می بینند کشورهای سوسیالیستی چگونه بدون بحران بدون تورم و بیکاری پیشرفت میکنند فوق العاده ناراض است. این دلیل زنده است که فلاکت و بدبختی نه زاعیده علی-ایضی، بلکه مربوط به خصلت جامعه است و برای رهائی از آن باید نظام سرمایه داران موجود را در گرونی ساخت. مردم ۵۰ رجه بیشتر این سوال را مطرح میکنند که آیا سرمایه داران میتوانند به حیات خود ادامه دهند؟

علل مهمی تشدید لحن تهاوز کارانه تبلیغات بورژوازی و تلاش برای تنب آلود بورژوازی برای یافتن دلیل و برهان تازه بود حفظ جامعه که نه نیز در همین است.

این دو پایه و اساسی است برای آنکه در پیرامون مشی جدید تبلیغات امپریالیستی سخنان گفته شود. مشی جدید عبارت از این است که حین خالقها برای در گرونی نظام اجتماعی خودشان متضاد است... همزیستی مسالمت آمیز اعلام میگردد.

همزیستی مسالمت آمیز "سازش ایدئولوژیک" میان دو سیستم اجتماعی فمدا میشود که گویا کشور جهان سوسیالیستی را موافق میکند از همزیستی با خلیفاتی که به در گرونی انقلابی جامعه خود دست زده اند بیز کنند. در عین حال این "حق" به امپریالیسم داد میشود که بدان بخشی از جم آن که در قلمرو آنست "ضد انقلاب صادر کنند. برخی حتی میکوشند چنین سازش ایدئولوژیک را به شرط حفظ مناسبات بین الطلی بر پایه اصول همزیستی مسالمت آمیز تبدیل کنند. آنها میخوانند که صلح همگانی به معنی قطع مبارزه طبقاتی تمام شود.

ولی معلوم است تا زمانیکه در جامعه طبقات آشتی نباید برود و دارد، مبارزه طبقاتی نمیتواند بی پایان برسد. در اوضاع کمونی اتخاذ روش متوقف ساختن مبارزه طبقاتی در درجه اول بر ضد زحمتکشان است که در کشورهای سرمایه دارن با خطر تصویب نظام اجتماعی مبارزه میکنند.

مبانیگان وره بران امپریالیسم امریکاد رواقع آشکارا دعوی "حق" اتخاذ تدابیر را دارند. این نرشایان دفت است که برخی از روحانی دولتی سوسیال و مؤکرات اروپای غربی راستگرا هم

چندی است برای تیره مداخله از خارج در جنبه انقلابی خلق آبه چنین دلایلی متوسل میگردند. این امر با اصول بنیادی ۵ مزیستی مسالمت آمیز و با روح و نثر صریح موافقتنامه ۵ مزیستی تضاد آشکار دارد .

مضمون تبلیغاتی اصول ۵ مزیستی مسالمت آمیز در حقیقت عبارت از این است که مسالمت حاکمیت کشوره ارتجاعی ندارد و بیمن سید یعنی حقیقتاً وضع موجود اجتماعی و سیاسی نیست . آنگاه با حذف اصل ۵ مزیستی نظام سیاسی و اجتماعی خود و انجام این انتخاب بهره کثلی که لازمه ما رند تضاد ندارند .

۵ مزیستی مسالمت آمیز مانعی در راه انقلاب نیست . به عکس ، سیاست ۵ مزیستی مسالمت آمیز بر آن اینکه خلق را بتواند خود مسئله نظام اجتماعی خویش را حل کند شرایط مساعد و توی بوجود آورد . میآورد .

احزاب کمونیست در کنفرانس جهانی سال ۱۹۶۹ مواضع خود را با همان وضوح تشریح نمودند . در رسندی که از طرف آنها به تصویب رسیده گفته شده است : سیاست ۵ مزیستی مسالمت آمیز " بمقیاس ملی و جهانی به بسط مبارزه طبقاتی بر علیه امپریالیسم کمک میکند . حق مسلم و وظایف مردم توده های زحمتکش و احزاب کمونیستی در کشورهای سرمایه است که برای برانداختن انحصارها و قدرت آنها و استقرار نظام و ابعاد دموکراتیک و برپا داشتن حاکمیت سوسیالیستی از هر راهی که باین هدف برسد مبارزه طبقاتی قادر است بزند . کمونیست های سراسر جهان نسبت باین نبرد های عادلانه ابراز همبستگی میکنند . عملیات گسترده توده ای علیه امپریالیسم یکی از شرایط تحقق سیاست ۵ مزیستی مسالمت آمیز است " ( ۱ ) .

این اصل که پیشتر از فرارسیدن گاهش تفتیح فرمول بندی شده امروز هم بقوت خود باقی است . کمونیست های ایران عقیده اند که برخلاف نظریات مائوئیست ها ، گسستن حلقه های تازه ای از زنجیر اسارت امپریالیستی ، تحقق در گونیهای عمیق دموکراتیک ، برقراران حاکمیت زحمتکشان و حصول پیروزی سوسیالیسم در شرایط ۵ مزیستی مسالمت آمیز امکان پذیر است .

تالیفات امپریالیستی ، به عکس ، میگویند مردم را برترساند و مساعی آنها را بر این بدست گرفتن سرنوشت خویش باشکست مواجه سازد . این تبلیغات در تلاش آنست که مردم تلغی کند گویا تغییر نظام اجتماعی در یک کشور جداگانه در شرایط ۵ مزیستی مسالمت آمیز منتفی است زیرا چنین کشوری گویا منفرد میشود و از پیشانی کشورهای جهان سوسیالیسم محروم میگردد و با قدرت متحد جهان سرمایه داری روبرو خواهد شد .

حمله های ایدئولوژیک های امپریالیسم حالا متوجه همبستگی انترناسیونالیستی است که کمونیست ها و دیگر نیروها در دموکراتیک تمام کشورهای جهان نسبت به روند انقلابی - دموکراتیک در بریتانیا ابراز میدارند . کمونیست های دانمارک این حملات را بشدت محکوم میکنند و این نکته را روشن میسازند که این مساعی ایالات متحده آمریکا و اتحادیه اقتصاد اروپا برای مداخله در این پرونده است که با اصول ۵ مزیستی مسالمت آمیز مغایرت دارد . ما به لیبرال سوسیالیسم دموکراسی دانمارک ، درباره مسئولیتی که آنها با کمک به امپریالیسم در امری که آشکارا با منافع و حقوق مردم بریتانیا و بقیه کارگران اروپا در تضاد است بعهده میگیرند ، هشدار بارش میدیم .

۱ - " کنفرانس جهانی احزاب کمونیست و کارگری ، مسکو ، ۱۹۶۹ " . پراگ . اداره نشریات " صلح و سوسیالیسم " ، ۱۹۶۹ ، صفحه ۳۴-۳۳ ( بزبان روسی ) .



اسریالیم در خارزه اید کولونیک از خود نرمد فراوان و در اسرائیل با محیط شش  
 صد ۵۰۰ با ایلم به موفق شد از این جریان کولونیک کند که تون ۱۹۵۱ در ۶۰۰ بیستون ازاد السی ،  
 در حینه اکثر شمع و سد بدید و این سرمایه داران کثورت در کولونیک ایلمی را کسب کرد  
 این تعالین در صورت ثبات سرمایه ایلمی می یابد ، در آن وقت ، مالی بدید راه هم در  
 تار دارم که سرمایه معانی زنی و همزمان با آن اسرائیلی معانی اید کولونیک آباد میشد .  
 تارائی اوضاع کار و تعالی بدید اید . وضع جدید تفاوت مهمی در زندگی سیاسی و امارت بدید شد .

کلیاتی با این در درجه ای اید در این - سطح و کرد که بدید - سلسله تورات یا الی رفورمیستی  
 که به شکل کانی از اید تار در امارت راسه بدیده اول کرد و بود سرمایه بزرگ داخلی و خارجی از  
 آن ایلم ارتسرا - تحکم مواج - بیم و افزایش سرمایه استفاده بیشتر اید این میروند . این تورات  
 بویژه در مرحله پیدایش وسیع عالی ایا حریتم ایلمی ، و اوایل سالهای ۶۰ پیشه عقبی بدوند بود .  
 جامعه سرمایه داران همانند " که ورزفا بویور نعمت " ظلمت بدید ، کنور شد در آن تار شد  
 " سیستم مالیاتی تعالی " و " قوانین اجتماعی شریختر " کویا " مانده ۱۹۵۱ فقرت بدستی تحریک  
 تار و کامل بدید کرد بدید و بدین نمایند است که - اید تار اید کولونیک ایلمی کولونیک با بدید  
 تارتر " سرمایه دار کرد .

میان بین بورژوازی و سوسیالیسم کراسی در کولونیک ایلمی ، سوسیالیستی را چیزی و اید و  
 سز بدید که اگر با بدید و در راه هم عقیدت در این جوامع - سیاسی - جبران در کرد و ایلمی سکند  
 بیان کامل بیم و بدید است .

ولی واقعیت بدید و بدید سلسله از است کولونیک ایلمی تار بدید ، کلاما بدید  
 دیگر بود . تقسیم درآمد ۱۵۰ و شرکت در حاکمات عدالت تروا شتعاره بدید بدید ترمیت . جریتم  
 از استقرار است که با این سوسیالیستی کثرت بدید ۱۹۵۱ بدید . احضار بویژه سوسیالیسم  
 محدود بود و اعتبار از این بدید و بدید این امکان بدید است آمد کولونیک جریتم اوضاع را بدید  
 بزرگی از ایلمی بدید تارند .

در آستانه سالهای ۶۰ امکان مایور کردن در حله محدود ترمیت بدید . این کلمه و جالب  
 است که بدید یاد سوال بدید از کولونیک ایلمی ، جریتمی در امارت جریتم سیاسی اید کولونیک  
 آغاز شد که به شکل انتخابات پارلمانی در سال ۱۹۶۳ کاملاً آغاز کردید .

هنگامیکه معلوم شد در حاکمات ایلمی تارند با مالیات ایلمی سنگین تروا اید و بدید بدید  
 مرقه و ترومیت اید بویژه سرمایه بزرگ کلاما بر تار سرمایه بدید و تار " که ورزفا و رفورمیست " .  
 به حمله بویجی بدید کردید . هنگام انتخابات و افریتم " حزب ترقی " که اید سارال - جان  
 " تمام مالیاتها " دفا بدید و تکلیف ترومی بی از هم ارتسرا اید ، که از بدید احصالیات - ثبات عالی  
 سز بدید بری آنها بدید بدید ، از تار ایلمی مردم سوز استفاده کردند . اما سوسیالیسم  
 کراسی از پارلمانی ایلمی در حاکمات افزایش مالیات - سرمایه داران بزرگ را سوسیالیست بدید  
 گروه سیاسی از ایلمی راسه بدید بدید . حزب مایور این انتخابات بدید بدید . سیاسی  
 با آمد .

حزب بویژه جریتم به ترومیت رفورمیستی سوسیالیسم " جامعه رفاه عمومی " هنگامی وارد آمد  
 کولونیک ایلمی ، سز بدید که بنگاری توده ای کثرت کاسه تروید از مشاغل آن بود ، ناراضی از  
 اوضاع بود ، تار و تعالی بدید اید تحول در جامعه و سز بدید جاد به رفورم سوسیالیسم  
 در بسیاری از حله ایلمی کولونیک آغاز کردید .

بمنفرد و اعتبار حزب کمونیست شدت افزود شد . مواضعی که حزب در پارلمان ، دواشر شهررداری و اتحادیه های کارکنان داشت از لحاظ کیفی مستحکم تر گردید و تعداد کمونیست ها از دو برابر هم بیشتر شد ، شرکت زحمتکشان در برخی از اقداماتیکه حزب با زمان داده است شکل دستجمعی وتوده ای بود گرفت . تا اهرات پیکار سویانه ، یقینکارگر ، جوانان و قشرهای دیگر زحمتکشان دامنه مسابقه ای پیدا کرد . در سال ۱۹۷۴ مطابق ساعتان فولکه تینگ تا اهرات و سایر ۱۵ ایسایس سررگی تشکیل یافت . شرکت کنندگان در آن اجتماع و ایناران بودند که از بحران بدوثر گسالی نموده شود که استماعتمالی دارند .

اینست ناراضی و نگرانی در دهه های ششم میخورد و مردم در دستجوی اشکال تازه مبارزه برعلیه تهر گسترده نیروها را دستگرا به دستاورد های اجتماعی و سوکراتیاد زحمتکشان اند . این وضع کیفی نوین سیاسی در دهه های کمونیست های دانمارک کفآماره برکزاری بیست و پنجمین کنگره خود میشود ( کنگره در سپتامبر سال ۱۹۷۶ تشکیل میگردد ) تاثیر می بخشد . در کنگره انیس ملی همگانی حزب که ۴ و ۵ اکتبر ۱۹۷۵ برگزار شد ، تا میم گرفته شد برنامه جدید حزب به بحث و مذاکره اعضای حزب مردم نموده شود . کمونیست ها و ایدئولوژیست های خودیتر را در این می بینند که به معنی نیروها را جامعه دانمارک که به پیش پیوسته اند راه های مشخص تحقیرگر کونیمهای بنیادی را که امکان میدهند دانمارک را از بحران رهائی بخشد و آنرا در راه سوسیالیسم به پیش برند نشان نهند .

مبارزه ایدئولوژیک در کشورهای نیز مانند سراسر قاره اروپا در دهه های پیشتر روی مسئله پیشرفت بسوی سوسیالیسم متمرکز میگردد . این امر بدون تردید یکی از مزده دهندگان نبرد های اجتماعی جدید ایدئولوژیک اروپا در غربی در راه صاف بنیادی خودیتر در شرایط نوین بین الطلی است که نتیجسته گاه شرفتح و موفقیت های سیاست صلح است .

## برخی از ویژگیهای رشد سرمایه‌داری در کشورهای آسیا و آفریقا

در گفتگو، اعضای کمیسیون مجله ویژه مسأله مبارزه با آزادی بیخوش ملی در کشورهای آسیا و آفریقا شرکت کردند. اعضای این کمیسیون عبارتند از: س. اشپب عضو کمیته مرکزی حزب کمونیست اردن، ا. آشور عضو کمیته مرکزی حزب کمونیست اسرائیل، ا. دانسوکو عضو هیئت سیاسی کمیته مرکزی حزب آفریقای استقلال سنغال، ی. کوکر، نماینده حزب کمونیست انگلستان در مرحله، خ. لاوا، عضو کمیته مرکزی حزب کمونیست فیلیپین، م. میترا، عضو شورای ملی حزب کمونیست هند وستان، ح. صفور، عضو هیئت اجرائیه حزب توده ایران، آ. ستاورو، نماینده حزب مترقی توده‌های زحمتکش قبرس در مرحله، م. سویمان، عضو هیئت مرکزی حزب کمونیست اندونزی، ا. طایی عضو هیئت مرکزی سوسیالیستی پیشیناز الجزیره، ا. حیا عضو مشاور کمیته مرکزی حزب کمونیست عراق.

ما شرح مختصر این گفتگو را با هم می‌رسانیم.

یکی از مشخصات مرحله کنونی انقلاب آزاد بیخوش ملی این است که در جریان مبارزه در راه انجام و تأیید عمده آن یعنی بدست آوردن استقلال اقتصادی و پایان دادن به عقب ماندگی اقتصادی و اجتماعی مسأله سمت پذیرفت اجتماعی کشورهای مستعمره و نیمه مستعمره سابق نیز حل و فصل میگردد. یک سلسله از کشورهای آفریقا و آسیا سوسیالیستی را برگزیدند. برخی برای رشد سرمایه‌داری اقدام نمیدانند. — ساختارها (استرکتور) اجتماعی — اقتصاد سرمایه‌داری در کشورهای آسیا و آفریقا چه شکلی بخود میگیرند؟

— ویژگیهای رشد سرمایه‌داری کدامند؟

— محدودیت عینی چنین رشدی در چه درجه‌های آشکار میگردد؟

این پرسش ۱۵ موضوع گفتگویی بود که شرکت کنندگان در آن، چنانکه س. میترا در کمیسیون متذکر گردید، دعوی آن را نداشتند که مناره کاملی از مسأله‌ها بایستد. باین پرسش‌ها این اجتماعی است بدست و در بحث با هم برآمده برای به استناد مدارک ویژه کشورهای خودشان شرکت می‌کنند.

ساختارها اجتماعی — اقتصاد سرمایه‌داری

در جریان گفتگو نمونه‌ها بسیار آورده شد که نشان میداد پروسه صنعتی شدن سرمایه‌داری در کشورهای آسیا و آفریقا ترمیم گردیده و مفیاس نسبتاً گسترده‌ای بوجود گرفته است. از آغاز سال ۱۹۶۱، مومبای هجده بیشترین دررشته‌های فلزسازی و فلزکاری بود و می‌آید. در پیشرفته‌ترین کشورهای این دو قاره منابع سنگین نیز رشد می‌یابد. باور مثال در هند وستان میزان سرمایه‌گذاری در صنایع سنگین سیزده ۵٪ مجموعه سرمایه‌گذاری‌ها را تشکیل میدهد.

بهره‌واری ملی سرعت رشد میکند، تمرکز سرمایه‌داری در این دارد و به داد میلیونها دلار محلی

افزوده میشود . در کشورهای تأثیر فلیپین ، پاکستان و بویژه هند وستان اندو اراضی ساحلی پدید آمده و مواضع خود را مستحکم میکنند . باید تصدیق کرد که اقتصاد دانان بورژوازی با مصلحت و علاقہ تذکر میدهند که این انحصارها با انحصارهای عمایک و دهان سرمایه داران قابل مقایسه نیستند . در واقع هم سرمایه فعال ( آکسوز ) ثبات و ثروتمندترین خانواده انحصارگر هند وستان ۱۵۸٪ سرمایه فعال " تراپ مونیوز " یا ۵۲٪ سرمایه فعال " روالا داس " است . سو . مینرا گفت ، ولی درباره قدرت و نفوذ انحصارهای هند وستان باید با توجه به مقیاس هند وستان قضاوت کرد . سرمایه فعال ۷۵۰ کسرن در اول صدهشتی در سالهای ۶۸-۱۱۶۷ به ۴۲۳۲۰ میلیون روپیه رسید که بیش از نصف کل سرمایه فعال بخش خصوصی است . بیست انحصار در اول این انحصارها مالک ۱۰۰ کمپانی اندوخته داد بسیار بیشتر از هم زمیندارت خود دارند . سو . مینرا تاکید کرد که راه و داین بورژوازی ملی بسه حال تریه کوچک انحصارهای خارجی باقی است و مساعی آن برای بدست آوردن سهم بزرگ برابردر سیستم جهانی اقتصاد سرمایه داری غیث و بیم بوده است .

آ . داسوگوگت بی شایسته کردار و رفتار بورژوازی ملی هر نتیجه همین است . بورژوازی ملی که بمیزان قابل توجهی از عید اسپریالیم و وابسته بد است سعی در ده پیوندی هر چه بیشتر با سیستم سرمایه داری جهانی دارد . او در ادامه سخنان خود گفت ، در عین حال نباید مانند افراطی های چپ به تهاجمی که میتواند میان بورژوازی ملی و امپریالیسم بوجود آید وجود سیاید کم اهمیت داد . تمایل بد استقلال بیشتر و سازش با سرمایه خارجی برای تحت کنترل داشتن اقتصاد در کشور همین بورژوازی رابح و بعضی واداره اتخاذ مواضع ملحدگرایانه میکند و روحیه ضد امپریالیستی رامیپان بخشی از آنم ا حفظ مینماید .

مناسبت سرمایه داران در کشاورزی نیز شاعه پیدا میکنند . این امر در آسیا ویند سلسله کشورهای های افریقا شمالی با انجام اصلاحات ارضی ارتباط دارد که در جریان آن اشکال استثمار فئودالی سیمه فئودالی ، رباخواری و سرمایه داری بدوی در روستاها معدوم میشود و بایگلی از بین برد میشود . یگاوریکج . لاوا ، سو . مینرا ج . صفری و ا . حنا شرح دادند در فاضلاجات ارضی در فلیپین ، هند وستان و ایران اعتلای کشاورزی بدسمای تثبیت سرمایه داری در روستاهاست .

اصلاحات ارضی در اکثر کشورهای مبتدی بخش از فئودالیتهای سابق به زمینداران بزرگ نوع سرمایه داری انجامید . در ایران برخی از آنم امالک ۲۵-۳۰ کتار زمین اند . در هند وستان ۴۶ میلیون آرازار ارضی هنوز مالکیت فئودالی است . اکثریت مالکین دهقانان کم بدست ( در هند وستان ۸۱٪ روستائیان ) از اصلاحات ارضی هیچ بهره ای ندارند ( ۱ ) . در نوع در روستاها قشر محدود و یازده قائل مالک زمین و مرفه ( کولاک ) وجود مینماید . ایجاد تعاونی های سرمایه داری که اغلب همان فئودالیتهای سابق رهبری آنم ارایه شده دارند راه دیگری بد بورژوازی روستایی ها است که در برامون آنم از جمله ج . لاوا و ا . حنا صحبت کردند . ی . گوکس یاد آور شد که در افریقا حاره بورژوازی فرم در مساعی افزایش می یابد که مرکز تولید و کشت گالاهای صادراتی است . شایسته او این بخش از بورژوازی قدر بزرگی را در روستاها جنوب نیجریه تک مینماید .

۱- اصلاحات ارضی واقعی فقط در ایالت کولالا در هند وستان انجام گردید که دولت چیمه متحده حاکمیت را در دست دارد و رئیس دولت آچوتخامنون از اعضای حزب کمونیست است . دولت ایندیرا گاندی در روستاها سال ۱۹۷۰ برای تسریع در تحقیق و تائیس مروجی به اراضی و زمینهای سابق اصلاحات ارضی در مایرایالا - هند وستان تدابیر اتخاذ کرد .

ولی ضمن این گفتگو نتواند کرد آید، شد که بورژوازی محلی سرمایه گذاران در رشته های واحد گردن سر به سرمایه مانند ساختمان مسکن، خرید و فروش مسکن و زمین، بازرگانی و حمل و نقل با توأمیل علاقه فراوانی در دارد تا به پیشرفت صنایع و کشاورزی. در این زمینه بورژوازی رشد میکند که بر حسب طبیعت دارد ولی عملاً به مردم ترین نیازمندی های پیشرفت ملی پشت پا رفته است.

همزمان با این جریان، طبقه آشنای ناپذیر با بورژوازی بی بی پرولتاریا هم تشکیل میشود. در دوره های که پیشرفت صنایع و رشد سرمایه داری در کشاورزی مقیاس گسترده کافی پیدا کرده شماره افراد طبقه کارگر و رنمایانی افزایش یافته و این طبقه دیگر نیروی چشمگیری مدال شده است. تعداد پرولتاریا صنعتی در هندوستان به بیش از ۱۰ میلیون نفر میرسد و کارگران کشاورزی نزدیک به ۳۰٪ تمام نیروی کار روستاها را تشکیل میدهند.

شرکت کنندگان در بحث در عین حال به این نتیجه رسیده اند که در راه های دگرگونی های بنیادین سرمایه داران ساختارهای اجتماعی - اقتصادی در کشورهای آسیای افریقا نباید مبالغه شود. سرمایه داری نتوانست بر چند گونهی نظام اجتماعی غلبه کند و سیستم های پهن از سرمایه داران و سرمایه داران کوچک را که مانند گذشته بحر عمده اهالی را در بر میگیرند تابع خود سازد.

سر. مینرانت: ۲۸ درصد محصول را صنایع کوچک که در اغلب موارد شیوه «اوساکنی» - اقتصاد معاصر را بدست میگیرند و این رشته در عین حال سر به ترازی صنایع بزرگ رشد میکند. صنایع دستی رواج فراوان دارد. اشکاب و شیوه های سرمایه داران اقتصاد در روستاها فقط از یک چهارم تا یک سوم زمین های زیر کشت را در بر میگیرد. از یک چهارم این زمین ها شیوه های فئودالی و نیمه فئودالی بهره برداری میشود. بقیه که بیش از نیمی از مساحت اراضی است به اقتصاد خرد کالائی که هنوز مرحله سرمایه داران نرسیده اداره میشود.

آ. دانسکوگوف: در روستاها مناطق حاره افریقا مالکیت بزرگ زمین هیچ وقت وجود نداشته قاعدتاً راه برای رشد مسامحت سرمایه داران باز نماند میسرند. ولی تولید سرمایه داران در این مناطق بصورت جزایر کوچک اقتصاد در میان است.

در ساختار اجتماعی کشورهای آسیای افریقا هم بدین منوال تشریحاتی که وابسته به آنها میباشند پیش از سرمایه داران و سرمایه داری کوچک است اکثریت دارند. دهقانان که اکثریتی اکثریت اهالی را تشکیل میدهند در این کشورها مورد بهره جویی بیش از شمار دارند. در این روند انقلابی در این مناطق تا اندازه زیادی وابسته به موضوعی که نامان و توانایی طبقه کارگر و حزب آن در برقرار است استوار با آن است.

خرده بورژوازی هم در بسیاری از نواحی است. شرکت کنندگان در بحث گفتگو اصل مشتمل بر مارکسیستی - لنینیستی درباره دگرگونی موضع خرده بورژوازی را یاد آور شدند. خرده بورژوازی یکسو میگردند سرمایه دار شده و یا بورژوازی نشانی داد تولید خرده کالائی در روز و ساعت سرمایه داران محدود میآورد. از طرف دیگر این طبقه است که مورد استثمار و استثمار سرمایه بزرگ محلی و خارجی قرار دارد. بدین سبب خرده بورژوازی در کشورهای آسیای افریقا بالقوه دارای نیروی قابل توجهی هستند سرمایه دار نیست. استفاده از این نیروی خود را طبقه سرمایه داران طبقه کارگر و حزب آن در استراتژی اتحاد آنها را طبعی خود در نظر میگیرند.

### زیر طبقه های وابستگی سواستعماری

سر. مینرانت تاکید نمود بر آنکه در بورژوازی سرمایه داران بدست آوریم کافی نیست که فقط

دگرگونیه ان مناسبات و ساختارها ان فکودالی ویا سایر مناسبات پیدای سرمایه داران را خادار نشان  
 سازیم ، باید در عین حال خصایر این سرمایه داران را هم معین کنیم . شرکت کنندگان در گفتگو  
 حسی انرا برنگردند که کلی ترین خصیصه رشد سرمایه داران در کشورهای آسیا و افریقا خلعت  
 وابسته و تابع و منقاد است . در دوران استعماری چنین بود و امروز هم ، اگرچه آنان این وابستگی  
 در برخی از موارد دست و پا زدند و اثر دگرگونیه ان بنیان شده ، چنین است . آنرا مسوکوت تراشید  
 که دره سرمایه داران برزمنه طئی بود و نیامد ، بلکه استعمار آنرا آورد و در نوزدهم سوره ان از خارج  
 در ترویج آن میگوید . در واقع سنتی افریقای گرمسیر برای ان اصلی برای پیدایش سرمایه داران نبود .  
 این مسئله در درجه اول به وجود مقدار هنگفتی سرمایه نقدی و نیروی کار آزاد مربوط میگردد . حکومت  
 ان استه ماری با تحمیل سیستم پید محصولی ( مانند بادام زمینی برای سنگال ) به و زمین و قس  
 میلیونم ان تولید کننده کوچک راه سیستم سرمایه داری جهانی پیوستند . بازرگانی که شکل عمده  
 قه البیت اقتصاد ان است در دست خارجیان است . سرمایه داران که وابسته به جهان خارج و تابع  
 نیازمند به ان بازاریان است و نیروی محرکه پیشرفت خود را از ان میگیرد بدیشان بوده و آورده شد .  
 ی . کوکس گفت البته این بدان معنی نیست که سرمایه داران در آسیا و افریقا باورگویی در زمینه  
 طی پیشرفت نمیکند . ولی ساختار ان اجتماعی - اقتصادی سرمایه داری که اینک در آن پدید  
 میآید هم روشنان وابستگی دارد و رشد سرمایه داران مشروط به مشارکت با سرمایه انحصاری خارجی  
 است . علاوه بر این خود این رشد هم باوریکه ج . لا وای . کوکس و ا . حبایاد آورده اند بمیزان  
 بسیار زیاد وابسته به تغییرات سیاست امپریالیسم است .

در ایران استه مارویلا فاصله پرازند است آوردن استقلال ( در سال ۱۹۰۵ ) امپریالیسم  
 از سیاست جلوگیری از همتی شدن بیرون میکرد و میکوشید کشورهای آسیا و افریقا را در وضع تابعین  
 کنند مواد خام نگردد . ج . لا وای و ا . حبایاد در ارائه داد که چگونه امپریالیسم ایالات متحده امریکا  
 طی دوران ملکه استه ماری در جریان نخستین ۱۵ - ۱۶ سال استقلال فیلیپین در سر راه پیشرفت  
 صنایع در آن امانع بود و میآورد و از رشد بورژوازی طی جلوگیری میکرد . امپریالیسم از لحاظ اجتماعی  
 به فشرده ان فکودالی و کمپرادور ( بورژوازی بازرگانی و دلال ) تکیه میکرد .

استراتژی امپریالیسم از آغاز ان سال ۱۹۰۵ تغییر میکند . اوتادار است دگرگونیه ان سرمایه دار  
 جهان را در نظر میگردد . برخی از این دگرگونیه های وریکه ا . حبایاد آورده بدین شرح است :  
 تشدید نفوذ سیاسی ، اقتصادی و ایدئولوژیک سوسیالیسم موجود که بیرون قاطع در عرصه جهانی  
 مبدل میگردد ، و در کسب سیستم استعماری امپریالیسم ، تحول مبارزه آزاد بیختر طی خلق وابسته  
 مبارزه در راه آزادی اجتماعی و متنوع از راه رشد سرمایه داران ، همین تر شدن بحران عمومی سیستم  
 سرمایه داران ، رشد سرمایه داران دولتی - انحصاری ، پیدایش انحصارهای دولتی ، ظهور پیوندی  
 سرمایه داران و انقلاب علمی وقتی . ا . حبایاد در ادامه سخنان خود گفت : امپریالیسم استراتژی  
 نواستعماری تازه ان را طرح میریزد . ماهیت این طرح عبارت از این است که به استثمار کشورهای  
 مستعمره و نیمه مستعمره سابق ادامه داده و شدت آن بیفزاید و بدین مناد و ان کشورهای وابسته را  
 و محکم تر به سیستم جهانی اقتصاد سرمایه داران وابسته ساخته و از ان در مبارزه بر علیه کشورهای  
 سوسیالیستی و کشورهای در حال رشدی که در راه دگرگونیه ان بنیان مترقی گام نام اده اند استفاده  
 کند .

شرکت کنندگان در بحث شواهد بسیار گواه بر افزایش سریع سرمایه داران خارجی در صنایع  
 کشورهای آسیا و افریقا که در راه رشد سرمایه داران اند ارائه دادند . در بسیاری از این کشورهای  
 ( مانند اندونزی ، فیلیپین ، سنگال و ایران ) بخش سرمایه داران خصوصی حاکم بخش سرمایه

دارای خصوصی خارجی است. سر ۰ سودیمان یا آورشدکه در اندونزی سرمایه گذاری مستقیم خارجی از سال ۱۹۶۷ تا ۱۹۷۵ نزدیک به ۳۰۵ میلیون دلار بوده که ۳۰۵ برای سرمایه ملی است که بکار گرفته شده است (البته بدون بحساب آوردن نزدیک به ۵۰ میلیون دلار که بعنوان "کمک" گرفته شده است). ۰ ۱۰ دانسوکو گفت در سنگا لاپلیق آمار رسمی ۸۵ درصد بخش اقتصاد با اصطلاح "معاصر" در اختیار خارجیان و بطور عمده فرانسویان است.

ی ۰ کوکس و سر میتر ایا طرف نشان ساختند که بخش بزرگی از سرمایه گذاری خارجی جدید به صنایع تکمیلی و کار روی فلزات (شعبه های انحصاری خارجی و کمپانیهای مختلط) اختصاص دارد. در عین حال بخش مهمی از آنها در رشته های تولید اشیاء مصرفی مورد استفاده قرار میگیرد. حتی در کنواری نظیر هندوستان که سرمایه داری ملی آن نسبتاً رشد یافته است میزان سرمایه خارجی در این قبیل رشته ها اغلب از ۶۰٪ هم بیشتر است. این در نتیجه میزان (تورم) زیاد سودی است که گاهی بیش از ۴۰٪ است (۱) و تا اندازه زیادی معلول ارزانی نیروی کار میباشد. اما سرمایه خارجی این اواخر به صنایع سنگین هم راه یافته است که صنایع ذوب فلز بترو شیمی و صنایع گاز و نفت (مانند ایران) از آن جمله است. بطوریکه ح ۰ صفری نشان داد این امر به انقلاب علمی و فنی و بحرانهای انرژی و محیط زیست و غیره وابسته است. کشورهای امیریا لیستی میکوشند دنیا و مندبها خود را از راه ساختمان کارخانه های مجریه تکنولوژی مدرن نزدیک منابع انرژی و مواد خام تا مین کنند و در عین حال خیال خود را از ضرورت حل مضامالت آلودگی محیط را ح تا سازند.

سرمایه خارجی مواضع مهمی را در رشته های حساس اقتصاد سرمایه داری که تازه قوام می گیرد تصاحب میکند. این جریان با به های عینی تضاد با بورژوازی ملی را که خواستار حفظ منافع خود از طرف دولت مربوطه است، بوجود میآورد. چنانکه میدانیم در برخی از کشورهای ح ۰ حتی در آنهایی که راه رشد سرمایه داری را در پیش گرفته اند قوانینی بتصویب رسیده که سرمایه گذاری خارجی را محدود میکنند و در تعداد دیگری از کشورهای ملی کردن (کامل یا جزئی) انجام گرفته است. انحصارهای خارجی برای حفظ خود هر چه بیشتر به تاسیس موسسات "مختلط" (یا شترک سرمایه ملی) یا "شرکت های ملی" که در واقع شعبه کورپوراسیون های چندملتی است دست میسازند. در نتیجه این امر بورژوازی ملی بیونداستوارتری با سرمایه انحصاری خارجی پیدا میکند و به میزان بیشتری بدان وابسته میگردد. ضمن گفتگو بدین نیز اشاره شد که استفاده از دستاوردهای تکنیکی معاصر از طرف شعبه های کورپوراسیون های چندملتی خود یکی دیگر از بایه های پیدایش وابستگی است. ۰ ۱۰ دانسوکویا آورشد که در کشورهای روبرو به صنایع سنگین بوجود میآید، ولی مراکز علمی- پژوهشی، منابع مالی و بازار فروش در کشورهای پیشرفته سرمایه داری باقی میماند.

شرکت کنندگان در بحث با توافق آراء ۰ با این نتیجه رسیدند که رشد سرمایه داری در کشورهای آسیا و آفریقا و استعمار نو با هم پیوندنا گسستن دارند و وجود یکی بدون دیگری غیر ممکن است. احزاب کمونیستی که در راه رشد اقتصاد مستقل مبارزه میکنند و بیشتر با آن مخالف بورژوازی ملی هستند که در مواضع دفاع از حق حاکمیت ملی قرار دارند، این نکته را در سیاست خود در نظر میگیرند. احزاب کمونیست عناصر سازشکاری را که خود را زیر شعارهای نواستعماری منجمد "وابستگی متقابل" بنها نمیکنند و به تبعیت بیشتری از انحصارهای خارجی تن در میدهند

بطور بی‌ذیرا فضا میکنند. در ساندکنفرانس احزاب کمونیست کشورهای یورپی که در بهار سال ۱۹۷۵ تشکیل گردید گفته شده است: " نشان دادن این واقعیت و سرخوردن عین از آن بمعنای خواست قطع روابط اقتصادی با کشورهای پیشرفته سرمایه داری نیست و این بمعنای برقراری این روابط بر اساس مصلحتی است که خامن‌ها کمیت ملی بوده و استقلال اقتصادی را محدود نسازد... "

در جریان بحث و گفتگوها بین نکته خاطر نشان گردید که کشورهای روبروشد علی‌سالیهای اخیر در این راه به موفقیت‌های معینی دست یافته‌اند. یه کوکس با استناد به سیاست کشورهای استخراج‌کننده نفت حتی چنین اظهار نظر کرد که آنها امکان یافتند تا شرایط خود را با میریالیسم تحمیل کنند. ولی اکثریت شرکت‌کنندگان در بحث تا کید کردند که اگر در رویا روشی می‌ماند امیرالیسم و جنبش آزادیبخش ملی مواضع دومی واقعا هم استوارتر میگردند. این در درجه اول نتیجه پشتیبانی کشورهای سوسیالیستی است.

۱. دانکو از جمله گفت‌نیای بده نقش کشورهای منطقه جنبش آزادیبخش ملی پر بها داد. اگر کشورهای استخراج‌کننده نفت، مجبور بودند فقط با اتکا به نیروی خود در برابر فشار و تعرض امیرالیسم بین‌المللی ایستادگی کنند، احتمال تعمیر و ده سیاستشان تا این اندازه شریک می‌بود. وجود با مع نیرومند کشورهای سوسیالیستی با به اساس موفقیت‌های کشورهای آسیا و آفریقا در مبارزه با خلاطراستقلال واقعی است. این نکته را دانسکوهن. اشهب و آ. استارو مورد تأیید قرار داده و متذکر شدند که این امر در تغییر مواضع محافظان حاکمه این کشورهای حتی آنهایی که تا کنون در سرسپردگی به منافع امیرالیسم و انصارهای بین‌المللی از دیگران متمایز بودند، نیز موثر است.

امکان بست آوردن موفقیت‌های معینی در مبارزه در راه استقلال اقتصادی آنها در چوب اقتصاد سرمایه داری جهانی ضمن مبارزه شدیدی تحقق می‌یابد که با خطر دگرگونی‌های بسیار مهم سیاسی همراه است. ن. اشهب و س. میترا یا ناورشندند که هیچیک از کشورهای روبروشد هنوز موفق نشده است موفقیت شریک برابر حقوق در روابط با امیرالیسم بست آورده آنها در تقسیم کار سرمایه داری بین‌المللی و بازار جهانی سرمایه داری هنوز هم دست نشانده و تابع اند.

### نقش دولت

از مشخصات ویژه رشد سرمایه داری در کشورهای آسیا و آفریقا نقش روزافزون دولت و دامنه گسترده مداخله آن در برروسه‌های اقتصادی و اجتماعی است. رشد سرمایه داری خصوصی اغلب نتیجه سیاست آناها نه دولت است. از نشانه‌های بر اهمیت مداخله دولت ایجاد بخش دولتی اقتصادی است و این امر تقریباً یک برروسه عمومی است.

س. میترا تا کید کرد که در کشورهای جوان طبقه سرمایه داران به مداخله مستقیم دولت در اقتصاد دنیا زمند است. این موضوع را با یاد با کمی رشد عدم استقلال بورژوازی‌های و عدم تکافوی سرمایه ( در شرایط انقلاب علمی و فنی حداقل سرمایه لازم برای ایجاد موسسات در رشته‌های معاصر منابع بویژه بسیار زیاد است ) و عدم تمایل به سرمایه گذاری در موسساتی که نفع فوری از آنها عاید نمیگردد تشریح کرد. بخش دولتی ساختار زیربنایی ( اینفر استروکتور ) لازم برای سرمایه داری خصوصی را تأمین میکند و او را از لحاظ انرژی، فلز و نظائر اینها به بهای ارزان بسی نیاز می‌آورد. بورژوازی‌های در مناسبات بفرنج خویش با سرمایه خارجی هم به پشتیبانی دولت



نیا ز منداست .

من . میترا با اطلاع اعضای کمیسیون رساند که بخش دولتی در سالهای اخیر در هندوستان نسبت به بخش تعاونی و سرمایه داری خصوصی از رشد سریع تری برخوردار است (۱) . بخش دولتی از نقطه نظر اجتماعی سرمایه داری دولتی است و تمام و کمال در جهت رسیدن به تثبیت حاکمیت بورژوازی عمل میکند . اما نتیجه این امر ، ( چنانکه گاهی اظهار نظر میشود ) این نیست که بخش دولتی در هندوستان تنها برش سرمایه داری کمک میکند . بهترین دلیل و برهان برای اثبات علل این مطلب این است که نه بورژوازی بزرگ هندوستان و نه انحصارهای خارجی هیچکدام بجزین چیزی با ورنده اند . من میترا در تائید اظهارات خود فاکتورهای بسیاری از واکنشهای شدید محافل ناسربده در بالانسیب به گسترش بخش دولتی ارائه داد .

او در ادامه سخنان خود گفت در شرایط وجود جامعه چندسیستمی بخش دولتی سرشتی دوگانه کسب میکند . این امر وابسته بدانست که حاکمیت دولتی در کشورهای آسیا و آفریقا از استقلال فراوانی برخوردار است و تنها منعکس کننده اراده بورژوازی بزرگ نیست . بطور مثال حزب حاکم هندوستان یعنی کنگره ملی هندوستان بنا به ارزیابی که در برنامۀ حزب کمونیست ارائه شده بیانگر منافع مجموعه بورژوازی ملی است . دولت با گسترش بخش دولتی و واگذاری خدمات آن به سرمایه بزرگ خصوصی در عین حال میکوشد تا سرمایه داری کلان را محدود سازد ، تولید کویک و متوسط صنعتی و صنایع دستی را تشویق و ترغیب میکند و یک سلسله از فعالیتها را قیامد را بخود اختصاص میدهد . به بیان دیگر دولت تا حد معینی " بازی آزاد " قوانین سرمایه داری را متوقف میکند .

از بخش دولتی در چنین اوضاع و احوالی میتوان همانند وسیله مبارزه بر علیه استثمار کشور از طرف انحصارهای خارجی و امیال خودکامگی بیژنس کلان استفاده کرد . با چنین کیفیتی ، بخش دولتی میتواند نقطه اتکا ، پیشرفت مستقل هندوستان شود و خواهد شد . اینکه بخش دولتی در هندوستان با کمک قاطع کشورهای سوسیالیستی و در درجه اول بکمک اتحاد شوروی ایجاد گردید خوشا همدگویی است .

حزب کمونیست هندوستان با توجه بدین تجزیه و تحلیل بخش خصوصی را حتی بشکل کنونی آن بمنزله زیربنای مادی گذار را مکان پذیر هندوستان برآورد و غیر سرمایه داری ارزیابی میکند . حزب کمونیست تمام این مسائل را در سیاست اتحادیه های طبقاتی خود که از جمله درجهت اتحاد با محافل چپ و مرکزی کنگره ملی هندوستان است در نظر میگیرد . زیرا تغییرات مترقی در سیاست اقتصادی که به بخش دولتی امکان میدهد زیربنای واقعی راه رشد غیر سرمایه داری ، مبدل گردد تنها در نتیجه مبارزه شدید و هدفمند طبقه ای تحت رهبری طبقه کارگر و حزب آن میتواند تحقق یابد . همه شرکت کنندگان در بحث با این نظر موافقت کردند .

بدین ترتیب نقش تازه دولت ، سرشت دوگانه سیستم سرمایه داری دولتی و عدم وجود طبقه حاکمه بورژوازی یکبارجه به احزاب کمونیست این امکان را میدهد که مسئله امکان گذار

۱ - هم اکنون صنایع استخراج ذغال سنگ ، و ذوب فلز ، تهیه انرژی ، ماشین سازی ، موسسات مالی و قرضه و اعتبار ، وسائل حمل و نقل و ارتباط و مخابرات ، ساختمانهای آبیاری ، نظارت بر اختراعات صنعتی ، استفاده از ناختراری خارجی ، بازرگانی خارجی و همکاری با دیگر کشورها در اختیار دولت است . نقش دولت در تولید مواد مصرفی همگانی از جمله صنایع پارچه بافی به تدریج افزایش مییابد . دولت در تحولات سرمایه داری در کشاورزی در مناطق با اصلاح " انقلاب سبز " نقش قاطع دارد .

به راه رشد غیر سرمایه داری راه حتی در کشورهای که راه نسبتاً درازی در مسیر رشد سرمایه داری پیموده اند، مطرح کنند. این امکان از جمله در برنامہ های حزب کمونیست هندوستان و حزب کمونیست فیلیپین در نظر گرفته شده است. کمونیست‌ها در تمام کشورهای آسیا و آفریقا از استحکام بخش دولتی استفاده از آن در راه منافع و مصالح بیشترت مستقل بشتیبانی میکنند.

اما امکان جریان معکوس رویدادها نیز وجود دارد. سر سودیمان در باره این مسئله سخن گفت و نشان داد که چگونه رژیم سوهارتودرا ندرنزی با بازگرداندن اکثر موسسات صنعتی و کشتزارها به مالکان خصوصی محلی و خارجی آنچه را ملی اعلام شده بود ملغی ساخت و سیستم استثماری نیمه فئودالی در روستا را از نو برقرار کرد. سر سودیمان گفت، این وجه مشخصه رشد سرمایه داری در اندونزی معاصر است.

نیرو و امکانات مترقی بخش دولتی در کشورهای که دارای رژیم ضد خلقی و دیکتاتوری اند و سرنویشت خود را بطور استوار با امپریالیسم و استعمار نو و شرکتها و چندملتی پیوند داده اند هنوز آشکار نشده است.

آ. آشور نمونه بخش دولتی را که در دست و تمام و کمال وابسته به انحصارهای خارجی و سرمایه خصوصی محلی است و بدانها خدمت میکند نشان داد. او گفت در اسرائیل یعنی کشوری که در آسیا و آفریقا در سطح عالی رشد سرمایه داری قرار دارد انحصارهای خارجی و سرمایه داران اسرائیلی با استفاده از بشتیبانی کامل دولت در موسسات با اصطلاح بخش اجتماعی (مقصود موسسات متعلقه به اتحادیه کارگران هیستادروت و شرکت‌های تعاونی و شهرداری است) سرمایه‌های کلانی بکار انداخته اند و در فعالیت‌های این بخش تاثیر قاطع دارند.

ح. صغری گفت، بخش دولتی در ایران در جریان دگرگونی و تحولی عمده فئودالی سرمایه داری، که از بالا وسیله رژیم فوق العاده ارتجاعی و استبدادی تحقق یافت، پدید آمده. دولت بنده تولیدی و مالی عظیمی در اختیار دارد. دولت در شرایط عدم وجود انحصار در بخش خصوصی همانند نیروی انحصاری عظیمی که روندگسترش تجدید تولید سرمایه داری را تا مین می‌کند عمل مینماید (۱). رژیم حاکم بر کشور بدعاوی بورژوازی برای آنکه به نیروی مستقل مالی -

اقتصادی و سیاسی در کشور مبدل گردد بی‌اعتنا است و آنرا رد میکند. بخش دولتی رشد یافته ایران وسیله همکاری نزدیک رژیم با سرمایه داری دولتی - انحصاری بین المللی نضج میگردد و رژیم علاقمند به هم پیوندی بخش دولتی با آن است. سرانیز شدن سرمایه انحصاری خارجی به کشورهای چ و ق به این شدت نبوده است. ح. صغری در بیان سخنان خود گفت، بدین ترتیب نیرو و امکانات مترقی سرمایه داری دولتی در ایران امری است که موکول به آینده است. سمبگیری اجتماعی -

سیاسی کنونی کشور فعلاً امکانی برای گفتگو در این مورد باقی نمیگذارد.

شرکت کنندگان در بحث به یک سلسله از بی‌منهای منفی اجتماعی افزاینی نقش دولت در زندگی

اجتماعی گروهی از کشورهای نیز توجه کردند. برخی از این بی‌منهای منفی بدین شرح است: افزاینی ابعاد دستگاه دولتی، تشدید رشوه‌خواری، پیدایش بورژوازی بوروکرات منشی که قادر است بمنزله تکیه گاه اجتماعی رشد سرمایه داری چنانچه بورژوازی ملی ناتوانی خود که وابسته بتولید است.

۱ - دولت در رشته حمل و نقل و آبیاری و تولید انرژی و صنایع سنگین و ماشین سازی ارتباط مختصات و صنایع نفت و پتروشیمی یعنی آنجا که تمرکز بسیار سرمایه ضروری است مواضع اصلی و مهم را در دست دارد.

ص. سودیمان اظهار داشت که رشوه‌خواری در اندونزی بحدی رسیده است که ۳۰ درصد از درآمد ملی کشور به جیب رشوه‌خواران می‌رود. حتی اصطلاح ویژه ای بوجود آمده است که رهبران موسسات دولتی و خدمات را با آن مشخص می‌کنند و آن کلمه کبیرها بمعنی سرمایه داران بوروکرات است. این کبیرها هر چه بیشتر به سرمایه داران بزرگ تبدیل می‌شوند.

ن. اشهب اظهار کرد بطول و عرض دستگاه دولتی بویژه در اردن بطرز بی‌قواره ای افزوده شده است. علت آنست که امپریالیسم برای اردن در درجه اول ارزش استراتژیک قائل بود و عملاً از لحاظ اقتصادی مورد استثمای قرار نگرفت. در نتیجه این امر بخش‌های خدمات و بازرگانی و ادارات دولتی و ارتش بطور نا موزونی رشد کرده است. صنایع و کشاورزی بجزمت ۳۰ درصد ملی را تأمین می‌کنند. در حالیکه تعداد کارگرانی که وابسته به صنایع معاصر اند به ۱۰ هزار نفر هم نمی‌رسد. ۷۰ هزار نفر در ارتش خدمت می‌کنند. یک سوم افراد مزد بگیر در کشور در دستگشاه دولتی مشغول کارند. قشر طبقه‌ای از بورژوازی بوروکرات طفیلی با خصلت کمپرا دور بوجود آمده که بخش اصلی آنرا رهبران قبائل و خویشان نزدیک آنها، زمینداران بزرگ و بورژوازی سنتی کمپرا دور تشکیل می‌دهند. این قشر تعیین کننده تمام جنبه‌های زندگی کشور و پایه اجتماعی رژیم استبدادی حاکمه و سلطه امپریالیستی در اردن است.

در جریان بحث تا کید گردید که کمونیست‌ها خواهان وحدت گسترده توده‌ها در مبارزه بخاطر دموکراسی و علیه سلطه بیگانه‌تگان اند. این شعارها بطور عمیقی در جهت مخالفت با رولسرمایه‌داری نیز هستند.

بدین ترتیب سرمایه داری خصوصی در کشورهای آسیا و آفریقا در جریان رشد خود در عین حال وابسته به سرمایه خارجی و بخش دولتی یا مداخله دولت در امور آنست. عدم توانائی این سرمایه داری برای رشد و روی پای خود نیز بهمین سبب است، اگرچه این بهیچ وجه بمعنی عدم رشد بطور مطلق نمی‌باشد.

### نتایج رولسرمایه داری

در سالهای اخیر در پی حثرت اقتصادی يك سلسله از کشورهای آسیا و آفریقا که در راه رشد سرمایه داری گام نهاده اند، مانند هندوستان، ایران و فیلیپین موفقیت‌های معینی بدست آمده است. کارشناسان ایرانی درباره معجزه اقتصادی در کشور بسیار می‌نویسند. در طول مدت چهارمین برنامه پنجماله (از ۱۹۶۸ تا ۱۹۷۳) یعنی پیش از بلاترقن شدیدبهای نفت کل محصول ملی ۱۰۷ درصد افزایش یافت. درباره هندوستان باید گفت که تئوریسین‌های بورژوازی اغلب به نمونه این کشور استناد می‌کنند تا با ثبات رسانند که سرمایه داری حتی در دوران ماهم میتواند نگره از کار کشورهای جوان بگشاید. آنها در عین حال به رشد فراوان محصول کلی در رشته‌های صنعتی و کشاورزی، ایجاد صنایع سنگین در کشور و موفقیت‌های آن در رشته علوم، بویژه فیزیک هسته‌ای و با سوانشدن مردم اشاره می‌کنند.

شرکت کنندگان در بحث خاطر نشان کردند که درباره سیستم اقتصادی نباید تنها با توجه به ارقام مربوط به حجم تولید و تقاضا و تولید کرد و یا فقط جنبه فنی و اقتصادی را در نظر گرفت و به دورنمای اجتماعی - سیاسی رشد اقتصادی بی‌اعتنا بود. فاکت‌های بسیاری در تأیید نتیجه گیری‌هایی که در کنفرانس بین المللی سال ۱۹۶۹ در مسکو از طرف کمونیست‌ها بعمل آمده ارائه شده. در این نتیجه گیریها گفته شده است: "کشورهائی که برای رولسرمایه داری گام نهاده اند نتوانستند حتی یکی از مسائل اساسی را که در مقابلشان قرار دادند حل کنند" (۱)

۱ - "کنفرانس بین المللی احزاب کمونیست و کارگری مسکو ۱۹۶۹" پراگ. اداره نشریات "صلح و سوسیالیسم" ۱۹۶۹، ص ۳۰ (بزبان روسی).

بهنا موزونی فراوان بیشتر رفته های مختلف در ایران نیز از راه عدد در سالهای ۱۹۷۳-۱۹۷۲ محصولات صنعتی ۲۰٪ و محصولات کشاورزی ۱۶٪ کل محصول ملی را تشکیل میداد این در شرایطی است که ۴۱٪ افراد قادر بر کار در کشاورزی فعالیت میکنند. در تمام مدت برنامه چهارم افزایش سالانه فراورده های صنعتی ۱۵٪ و در رشته کشاورزی فقط ۲٫۵٪ بوده است. هرگاه در نظر بگیریم که افزایش سالانه جمعیت کشور ۳٪ میباشد ملاحظه خواهیم بود که اگر از کود در این رشته بسیار مهم سخن بمان آوریم.

آمارها بهیچم درباره هندوستان ارائه گردید. صنایع علیرغم رشد نسبی خود فقط ۲۰٪ از کل محصول ملی و کشاورزی ( ۷۰ درصد اهلای در روستاها زندگی میکنند ) ۵۰٪ آنرا تامین میکنند و همین رشته است که تمام اقتصاد کشور را بقهقرا سوق میدهد. عقب ماندگی شدید از مشخصات کشاورزی هندوستان است - محصول متوسط از هر هکتار زمین در هندوستان از لحاظ بهای آن تقریباً ۱۰ بار کمتر از این است.

عزیزکنندگان در این تبادل نظریه داور شدند که یکی از علل عمده رشد نا موزون این است که سرمایه داری وابسته در کشورهای آسیا و آفریقا به تلیقی شیوه های تولید ما قبل سرمایه داری خواه در صنایع و خواه در کشاورزی قادر نیست. این نقطه ضعف سرمایه داری و عدم توانائی آن به افکندن تمام اقتصاد در مسیر پیشرفت معاصر تا حد زیادی موجب عدم توانائی آنرا در از بین بردن عقب ماندگی فنی - اقتصادی و حل مسائل اجتماعی وابسته بدین فراهم میسازد.

علت دیگر رکود اقتصاد است که در جریان بحث و گفتگو بدان توجه شد تا بحیران اقتصاد در جهانی بود. از کشورهای امپریالیستی همراه با سرمایه بدیده های بحرانی هم که وضع آنها راست و متزلزل ساخته " مادر " میشود و این بدیده ها بخصوص در کشورهای آسیا و آفریقا اشکال ویژه و ناسازگار را بخود گرفته است.

فقر و محنتناک اهلای متقاعدکننده ترین گواه عقب ماندگی است. طبق اظهار نظر ایندیسیرا گاندی نخست وزیر هندوستان که از طرف میترام طرح گردید ۴۰٪ از اهلای هندوستان در آمدنی پائین تر از حد قابل ضروری برای زندگی که رسماً اعلام گردیده دارند ( میزان این حد تقریباً ناچیز و فقط ۲۷ روپیه در ماه است ) ( ۱ ) ح. صغری اظهار داشت که درآمد ماهانه ۳۷ درصد خانواده ها است که در تهران سکونت دارند به ۱۰ هزار ریال هم نمیرسد در حالی که حداقل لازم برای زندگی که رسماً اعلام گردیده ۱۶ تا ۲۲ هزار ریال است. ۲۰ درصد خانه و مسکن اهلای از طرف مؤسسه پژوهشهای اجتماعی در کاتگوری کلبه و آلونک منظور گردیده است.

طبق آمار رسمی ۹۰ درصد از اهلای روستاها بزمخت نان و آبی تهیه میکنند. با لافتن سرمایه آور قیمت ها که تورم روز افزون صدها کشور های امپریالیستی شدت آنرا افزایش داده قانون عمومی و مشترک رشد سرمایه داری در کشورهای آسیا و آفریقا مبدل شده است.

تعداد بیسواها بسیار زیاد است: در ایران - ۱۶٪ ساکنان روستاها بیسواد اند، در هندوستان ۷۰٪ تمام جمعیت کشور ( اینجا فقط ۴۱ درصد کودکان از ۱۱ تا ۱۴ ساله بدمدرسه میروند و در گروه سنی از ۱۴ تا ۱۷ سال فقط ۲۴ درصد ) در کشورهای آفریقای گرمسیر، طبق اظهار نظر ی. کوکس اکثریت مطلق کودکان بسن ۱۲ سالگی نهمیده ( یعنی پس از بیایان رساندن دبستان ) ترک تحصیل میکنند.

۱ - دولت ایندیسیرا گاندی در این اواخر در چهارچوب برنامه تداوم بمرترقی اجتماعی - اقتصادی که تنظیم کرده گامهایی در جهت بهبود وضع تهیستترین قشرهای اهلای برداشته است.

وضع بهداشت هم اسفناك است . در ایران برای ۳۲ میلیون نفر جمعیت کشور فقط ۱۲ هزار پزشك وجود دارد كه نزدیک به نیمی از آنها در تهران بسر میبرند . طبق آماري كه یی كوكنس ارائه داد در آفریقا یی كرمسیر مرگ و میر كودكان ( تا یكسالگی ) چندین بار بیش از كسورهای پیشرفته سرمایه دار یست .

بیکاری مقیاس وسیعی پیدا کرده است . از آغاز سالهای ۵۰ تا سال ۱۹۷۰ تعداد بیکاران در هندوستان تقریباً سه برابر شده است و از ۵۳ میلیون به ۱۴ میلیون رسیده است . طبق محاسباتی كه بعمل آمده تا پایان نهم ساله جاری این رقم میتواند به ۳۲ میلیون نفر برسد ( این آمار بطور عمده مربوط به شهرها است ) . كود در كشا و رزی موجبات فرار دسته جمعی از روستا ها به شهرها را فراهم آورده است . ۱۰ دانسوكویا داورد كه اینك ارتش ذخیره كار در آسیا و آفریقا به نسبت چندین بار بیش از آنست كه مشخص كننده آغاز مرحله سرمایه داری برای اروپا بود . این وضع امكانات گسترده ای برای محافل حاكمه بمنظور تحت فشار گذاردن طبقه كارگر فراهم میآورد .

در این زمینه استكه تضادهای اجتماعی شدت پیدا میكند . محافل محدود " جامعه مصرفی " كه شیوه زندگی قشر فوقانی بورژوازی كسورهای پیشرفته را تقلید میكنند بوجود میآید . آ . آشورا ظاهراً ركرد كه در اسرائیل میزان دستمزدهای سالهای ۱۹۷۳-۱۹۷۰ از ۶۰ درصد در آمد ملی به ۴۵٫۲ درصد تنزل كرد . در عین حال یونسرمایه داران بطرح بیابا بقیه ای رسید و تنفسا در سال ۱۹۷۳ از ۵۰ تا ۸۰ درصد افزایش نشان میدهد . طبق برخی محاسباتی كه انجام شده در آسیا ( آمار مربوط به هفت كسور در حال رشد ) ۲۵٫۵ درصد درآمد ملی به قشرهای بالایی جامعه یعنی ۵٪ اهلای تعلق دارند و این تقریباً با اندازه درآمد قشرهای با ثینی اجتماع است كه ۶۰٪ از اهالی را تشكيل میدهند و درآمدشان ۲۸٫۱٪ درآمد ملی است . ارقام مربوط به آفریقا را آمار مربوط به ۱۵ كسور ( تضاد بیشتری را نشان میدهد ) زیرا بترتیب ۳۴٫۸٪ و ۲۲٫۱٪ درآمد ملی است كه ۱٫۵ برابر افزایش بود قشرهای بالایی جامعه است .

شكفت آور نیست كه زحمتكشان آسیا و آفریقا با قاطعیت هر چه بیشتری خواستار درك گونی سیستم استثنای موجود اند . هیئت حاكمه این قبیل كسورها در پاسخ این خواستها به شیوه های ضد خلقی و مستبدانه فرمانروائی پست میزنند . این واقعیت به وجه مشخصه كسورهای مبدل میگردد كه شیوه تولید سرمایه داری در آنها برقرار میفود .

بدیهیتر سبب دیده میشود كه سرمایه داری حتی یکی از معضلات مهم اجتماعی - اقتصادی كسور های آسیا و آفریقا راهم حل نكرده است . این معضلات عبارتند از : پایان دادن به وابستگی ، عقب ماندگی ، فقر ، بیکاری و معضلات بسیار دیگر .

بطور یكه در قطعنامه سیاسی دهمین كنگره حزب كمونیست هندوستان تا كید گردیده بحران رنلسرمایه داری آغاز گردیده است .

این بحران به تفدید فوق العاده تضادهای اجتماعی منجر شده و تعیین كننده صف بندی تازه نیروهای طبقاتی و سیاسی در كسورهای آسیا و آفریقا است كه برای وحدت توده های مردم و قشرهایی كه وابسته به دوران های اجتماعی گوناگون اند ، در چهار چوب جبهه گسترده دموكرا - تیک بریایه مبارزه در راه استقلال قتمادی و پایان دادن به عقب ماندگی و فقر ، شرایط فراهم میآورد . شركت كندگان در بحث یا داوردند كه در این جبهه طبقه كارگر و حزب آن با یدنقش قاطع را بازی كنند . این راست است كه پرولتاریا در برخی از كسورها هنوز ضعیف است . علیرغم این بدیده پرولتاریا چه در بخش خصوصی وجه در بخش دولتی ، چه در صنایع وجه در روستاها بسرعت

وجود می‌آید. پرولتاریا در همه جا هنوز آگاهی طبقاتی نیافته ولی این بیگانه طبقه ایست که قیامت بوجدت ملیست یا بدو آید. متعلق بدان است. سرنوشت ترقی اجتماعی در قاره های آسیا و آفریقا وابسته به توانائی پرولتاریا برای ایجاد اتحاد در زمينه ومیهن پرستانه باشد. دهقانان و قشرهای انبوه خرده بورژوازی و روشنفکران و جلب قشرهای میهن پرست و ضد امپریالیست بورژوازی بدین اتحاد است. آ. استا و روتا کید کرد که طبقه کارگر باید زیست واقع بینانه ای بیروی کند که به حل مهمترین وظائف سیاسی و اقتصادی در شرایط مبارزه ضد امپریالیستی و آزادبخش ملی کمک نماید.

در جریان بحث و گفتگو خاطر نشان گردید که احزاب کمونیستی که در یک سلسله از کشورهای منطقه و از جمله در هندوستان که از بزرگترین آنها است، طی سالهای اخیر موفق شده اند بیروزیهای مهمی در متحناختن جمیع نیروهای ضد امپریالیستی و ضد انحصارها بدست آورند، با توجه باین شرایط استراتژی و تاکتیک خود را طرح ریزی و تعیین میکنند.

### دورنمای رشد غیر سرمایه داری

ضمن جمع بندی این بحث و گفتگو شرکت کنندگان در آن به این نتیجه رسیدند که رشد سرمایه داری در کشورهای آسیا و آفریقا راهی که کشورهای اروپا و آمریکا ی شمالی در جریان انقلابهای بورژوا - دموکراتیک پیموده اند تکرار نمیکند. طبیعی از جمله یادآور شد که انقلاب آزادی بخش ملی در مرحله کنونی در دوران تاریخی دیگری یعنی در دوران گذار از سرمایه داری بسسه سوسیالیسم بمقیاس جهانی جریان دارد. حالاحتی در کشورهای جوان سرمایه داری دیگر شیوه تولید مترقی در حال اعتلا نیست. در دوران ما ترقی در همه جا با سوسیالیسم پیوسته است. اما سرمایه داری در همه جا نظام پوسیده تاریخی است که قادر به حل تضادهای فاحش مخصی بدان نیست. این خاص ارض همان آغاز سرمایه داری که در کشورهای آسیا و آفریقا بوجود میآید بروز میکند. این خود عمده ترین عامل بی ثباتی جهت گیری در راه رشد سرمایه داری است.

عامل مهم دیگری در این بی ثباتی وابسته به خصالت حاکمیت دولتی یا محدودیت سرمایه داری تغییر شکل دادن به ساختارهای اجتماعی - اقتصادی است. همانطور که در جریان بحث و گفتگو نشان داده شد عملاً در این منطقه کشوری نیست که دولت در آنجا بطور استوار روی گیر تنها بیان نگر منافع بورژوازی ملی باشد. در موضع گیری محافل حاکمه جامعه چندسیستمی که در آن سوداگران بزرگ محلی بهیچوجه تعیین کننده تمام قوانین رشد نیستند منعکس میگردد. این درست است که سیستمی که به سرمایه بزرگ خارجی وابسته است میتواند در این جامعه نقش قاطع تر و رهبری کننده ای داشته باشد. اما این خود در تعیین حال تضادهای اجتماعی را از جمله در جرگه بورژوازی ملی حادتر میکند. م. میترا تا کید کرد که با توجه به عواملی که بیان شد نمیتوان گفت که این یا آن کشور آسیا و آفریقا تمام و کمال و بطور بزرگ نا پذیر راه رشد سرمایه داری را برگزیده است. تنها میتوان از رشد سرمایه داری وجهت گیری سرمایه داری سخن گفت. در تعیین حال تضادهای بیرونی بقدری شدید است که حل آنها ناگزیر از چهارچوب رشد سرمایه داری خارج میشود. همین عامل مهم تعیین کننده وظائف طبقه کارگر و حزب آن است.

در کشورهایی که براه رشد سرمایه داری گام نهاده اند از همان آغاز برای راه رشد غیر سرمایه داری مبارزه در میگیرند. با وجود آنکه نیروهای رزمنده در راه سوسیالیسم یعنی طبقه کارگر و احزاب مارکسیستی - لنینیستی در اکثریت کشورهای این منطقه هنوز ضعیف اند و در برخی دیگر از کشورها هنوز وجود نیا مده اند این مبارزه جریان دارد. در این مورد، این عامل که خرده

بورژوازی نه فقط از قوای ضد امپریالیستی بلکه از خصائص ضد سرمایه داری بالقوه برخوردار است اهمیت فراوان کسب میکند. خرده بورژوازی همراه با دهقانان در این کشورها کثیرالعدده ترین طبقه آند. چنانکه تجربه نشان میدهد توده های خرده بورژوازی میتوانند به پشتیبانی از کارپایه ( پلانفورم ) دموکراسی انقلابی برخیزند و بهترین نمایندگان آنها گذار بر راه رشد غیر سرمایه داری را رهبری میکنند، علاوه بر این آنها قادر به رشد و ترقی تا حد درک سوسیالیسم علمی آند. بدین ترتیب رشد سرمایه داری میتواند متوقف گردد و چنین تحولی اگر برپایه سوسیالیستی انجام نگیرد میتواند برپایه دموکراسی عمومی جریان یابد.

سمت گیری سوسیالیستی اینک به شاهراه پیشرفت کشورهای آزاد شده آسیا و آفریقا مبدل شده است. طبقه کارگر، کمونیست ها و دیگر نیروهای مترقی میتوانند نهاد اتحادیه های گسترده ای بوجود آورند که قادر باشد کشور را از راه رشد سرمایه داری بازدارد بدون آنکه در انتظار بماند تا سرمایه داری برای انجام این امر شرایط اجتماعی - اقتصادی " کلاسیک " بوجود آورد. شرکت کنندگان در بحث تاکید کردند که تحقق این امکانات تا اندازه زیادی وابسته به موفقیت های مبارزه در راه استقلال اقتصادی و بر علیه استعمار نواست. این موفقیت ها فقط بشرط اتکاء به کشورهای سوسیالیستی و تعمیق بیکیبردوستی و همکاری با جامعه نیرومند کشورهای سوسیالیستی میتواند بدست آید.

# طبقه کارگر و متحدین آن

## موقعیت و امکانات انقلابی دهقانان

ایند راد پپ سین خا

عضوهیئت اجرائیه مرکزی و دبیر شورای

ملی حزب کمونیست هند وستان

د رکشورهای د رحال رشد دهقانان پر شمارترین طبقه هستند که در اکثر این کشورها بخش عمده اهالی را تشکیل میدهند. مثلا در هند وستان قریب ۷۰ درصد اهالی به امور کشاورزی اشتغال دارند. سهم آنها در مصرف فرآورده های صنعتی در بازار داخلی تقریبا برابر و سوم حجم کلی آن است. نزدیک به پنجاه درصد درآمد ملی را کشاورزی تامین میکند و برای تیمی از رشته های صنعتی مواد خام تهیه مینماید. دامنه و د ورتمای روند انقلابی در کشور بمیزان زیادی بموضع دهقانسان بستگی دارد.

بنظر ما تجزیه و تحلیل نیازمندیهای متقابلا مشروط هر طبقه و قشر و بر این اساس تعیین مقام آن در مبارزه طبقاتی و امکاناتش برای سهیم شدن در امر رسیدن به هدفهایی که طبقه کارگر در این یا آن مرحله از پیروسی انقلابی در برابر خود قرار میدهد، مبدأ و سرآغاز بحث و مذاکره در باره متحدین طبقه کارگر است.

بدین جهت نخستین پرسشی که در روشن ساختن نقش دهقانان در مبارزه بخاطر ترقی اجتماعی و دموکراسی در برابر ما مطرح میشود از این قرار است:

روستاهای کنونی هند وستان چه وضعی دارند و صبرترین نیاز دهقانان چیست؟

در برنامه حزب کمونیست هند وستان خاطر نشان شده است که خصوصیت ویژه زندگی اجتماعی و اقتصادی روستای هند وستان عبارتست از درهم آمیختگی با زمانه های شدید فئودالیسم و رشد مناسبات تولیدی سرمایه داری (۱). با وجود اینکه پاره ای از شکلهای منسوخ مالکیت خصوصی فئودالی شدید امحد و گذشته و برخی بکلی از بین رفته است کشاورزی هند وستان هنوز بطور کامل کشاورزی سرمایه داری نیست. شیوه کشاورزی فئودالی و نیمه فئودالی و قبل از همه اجاره با سهیم شدن در محصول بجای اجاره بها و گونه های مختلف اجاره تقریبا در یک چهارم تمام زمین های زراعی کشور رواج دارد. نزدیک به نصف اراضی زیر کشت در اختیار اقتصاد های روستائی کوچکی است که اگرچه راه تولید کالائی را پیش گرفته اند مع الوصف کشاورزی سرمایه داری محسوب نمیشوند. کشاورزی به شیوه سرمایه داری در یک چهارم یا یک سوم زمینهای قابل کشت جریان دارد. ضمنا در زمینه گردش کالا، وام دهی، واگذاری آلات و ابزار کشاورزی لازم و خدمات در روستاها شکلهای سرمایه داری حالا دیگر تسلط کامل پیدا کرده است.



اصلاحات ارضی مساعد تنمود که در اقتصاد کشور دست بر طرف کردن رکود و عقب ماندگی سی استعماری گامی برداشته شود ( ۱ ) . ولی حجم تولیدات ثابت نبوده و سال بسال نوسانهای شدید ی در آن مشاهده میشود ( ۲ ) . کمبود غله و مواد خام کشاورزی طی تمام سالهای دوران پس از کسب استقلال محسوس بوده است . این کمبود بیا لظ مفردن به حیثیت ملی و استقلال اقتصادی و بحساب مصرف ذخائر ناچیز از خارجی تامین شده است ( ۳ ) . ناتوانی بورژوازی در الفای بقایای فئودالیسم ، گذشت در مقابل سرمایه بزرگ خارجی و داخلی ، تکیه بر معدودی زمینداران بزرگ و روستائیان ثروتمند علل عمده کند ی آهنگ رشد و بحرانهای ادواری و مکرر رکشاورزی هند وستان را تشکیل میدهد .

بچه علت اشکال ماقبل سرمایه داری استمار که هنوز از زمین نرفته اند مانع رشد تولید میباشند و چگونگی تغییرات تولیدی در هقانان و کارگران کشاورزی را محدود میسازند ؟

نخست آنکه سیستم منسوخ سهمی شدن در محصول بجای اجاره بها و سایر شکلهای اجاری مستقیم و غیر مستقیم هنوز از زمین برداشته است . زمینداران بزرگ که اکثریت آنها در املاک خود زندگی میکنند همچنان محصول کاردها میلیون در هقان را بصورت اجاره بها جنسی یا نقدی گوناگون و عوارض غیر قانونی که از نیم تا دو سوم محصول برداشتی روستائیان را شامل میشود دریافت میکنند . این سیستم ابتکار روستائیان را قلع میکند ، از پیشرفت های فنی کشاورزی ممانعت بعمل میآورد و مانع استفاده ثمربخش از تاسیسات آبیاری و عوامل دیگر میگردد .

دوم - سیستم اسارت و بردگی کارگران روستا که از طریق وامهای گوناگون به مزارع زمینداران بزرگ " وابسته " اند هنوز وجود دارد . این قبیل افراد مجبورند با دستمزدها بسیار کمتری از کارگران کشاورزی " آزاد " کمبروی کار خود را در بازار کار بفروش میرسانند ، کار کنند .

سوم - با وجود توسعه نسبی موسسات و جمعیتهای تعاونی و امکه دولت اعتبارات آنها را تامین میکند تقریباً در همه جا سرمایه ربا خواری تسلط کامل دارد . این سرمایه قریب دو سوم وامهای روستائی را شامل میشود ، وامها در ربا خواری یکی از پایههای اسارت و امی کارگران کشاورزی و وابستگی اسارت آمیز کارگران روز مزد را تشکیل میدهد که منتهای ممانعت در دریافت وام زمین را کشت و زرع میکنند . اینها است علل اساسی انتزاع اراضی پهناور از هقانان و ویژه از هقانانی که عضو سازمانها محدود بخود

۱ - حجم تولیدات کشاورزی از سال ۱۹۵۰ تا ۱۹۷۰ بیش از ۱۸۸ بار افزایش یافت . محصول غلات از ۸۳۰ میلیون تن تا ۱۰۸۴ میلیون تن و دانه های روغنی از ۱۶۰ میلیون تا ۹۱۶ میلیون تن پنبه از ۲۸ میلیون عدل تا ۶۵۶ میلیون عدل افزوده شد .

( Pocket Book of Economic Information, 1972, pp. 37-62 )

۲ - شاخص رشد تولیدات کشاورزی ( در سال ۱۹۶۰ = ۱۰۰ ) در سال ۱۹۷۱ - ۱۹۷۰ به ۱۳۱٫۴ درصد میرسید ، در سال ۱۹۷۳ - ۱۹۷۲ تا ۱۲۰٫۶ درصد کاهش یافت . محصول غلات از ۱۰۸۴ میلیون تن در سال ۱۹۷۱ - ۱۹۷۰ تا ۹۷۰٫۳ میلیون تن ، در سال ۱۹۷۳ - ۱۹۷۲ تقلیل یافت و با وجود افزایش نسبی در سال ۱۹۷۴ - ۱۹۷۳ فقط به ۱۰۳٫۶ میلیون تن رسید هاست .

( " Economic Survey, 1974-1975 ", pp. 62-63 ) .

۳ - واردات غله در سالهای ۱۹۶۰ - ۱۹۵۱ ، ۲۹۰ میلیون تن و در سالهای ۱۹۷۰ - ۱۹۶۷ ، ۵۸۳ میلیون تن بوده است . کاهش تولیدات کشاورزی در سال ۱۹۷۴ دوباره هند وستان را ناگزیر به وارد کردن ۵۰ میلیون تن غله نمود .

روستائی اند . نابرابری فاحش در تقسیم زمین و تمرکز آن در دست گروه کوچکی زمین داران بزرگ بود هقانات ثروت مند پایه اقتصادی استثمار نیمه فئودالی زحمتکشان روستاها را تشکیل میدهد . سهم دهقانان تهیدست و میانحال ( که ۸۶٫۶ درصد واحد های تولید کشاورزی را تشکیل میدهند ) ۴۸٫۲ درصد زمینهای قابل کشت است ولی زمینداران و دهقانان ثروتمند ( که ۱۳٫۴ درصد واحد های تولید کشاورزی را تشکیل میدهند ) ۵۱٫۸ درصد این زمین ها را در دست خود متمرکز کرده اند . تمرکز اراضی موجب تمرکز غله و سرمایه و امی در دست همان زمینداران بزرگ میگردد . مالکیت انحصاری بر زمین در شرایط رشد بی ثبات تولید و رکود های ادواری مکرر کمبود غله و مواد خام برای صنایع ، زمین داران و همچنین سرمایه داران کشاورزی ( صاحبان فرمها ) را که از اشکال گوناگون استثمار نیمه فئودالی استفاده میکنند در رواق به طبقه جدید انگلیسی روستاها تبدیل کرده است . آنها در عین حال با اجاره بهای فوق العاده گران ، ربا خواری ، وام با شرایط اسارت بار و انباشت غیر قانونی خواربار و احتکار بر ثروت خود میافزایند . مالک ربا خوار ، سرمایه دار کشاورزی و محتکر انگلیس وجود یکفر جمع است و این عناصر " قشر ممتاز روستا " و یا " کولا گهای بزرگ " را در روستاها تشکیل میدهند که امروز در هند وستان در تمام نواحی آنها را ( گرچه شاید دقیق نباشد ) چنین می نامند . این قشر الیگارشیمی نیمه فئودال و نیمه سرمایه دار " قشر ممتاز روستا " یکی از تکیه گاه های اجتماعی و سیاسی ارتجاع راست در کشور و در حزب حاکم است .

روشن است که لغو تمرکز زمین در دست زمینداران بزرگ و وظیفه سیاسی عمده جنبش دموکراتیک و جنبش دهقانی در هند وستان است . کمونیست ها نخستین کسانی بودند که خواست تعیین میزان " حداکثر " مالکیت بر زمین و تقسیم " زمین های اضافی " میان کارگران کشاورزی بی زمین و دهقانان کم زمین را مطرح کردند . کمونیست ها قبل از اینکه حزب کنگره ملی هند وستان اندیشه تعیین میزان " حداکثر " مالکیت بر زمین را بپذیرد طی قریب ده سال ، مبارزات سر سختانه ای در نواحی مختلف کشور انجام دادند . ولی حتی پس از تصویب آن بصورت فوری ، عملی کردن قانون مربوط به تقسیم اراضی زمینداران در ایالات مختلف هند وستان در رواق به مضحکه و مسخره بازی مبدل شد زیرا تقریباً هیچ " زمین اضافی " معلوم و مکتشف نشد . تظاهرات تند و اندهقانان در بنگال با ختری در سال ۱۹۶۸ ، جنبش دهقانان اجاره دار در بھار ، کارگران کشاورزی در ایالات کرالا ، آند خرابه پرادش تامیل ناد و پنجاب و مبارزات تاریخی مردم سراسر هند وستان برای زمین در سال ۱۹۷۰ ، سرانجام جوړواری را مجبور ساخت میزان حداکثر مالکیت زمین را در تمام کشور کاهش دهد . اما قوانین جدید هم در هیچ یک از مناطق کشور جزایالت کرالا که منون ، رجل برجسته حزب کمونیست در راس دولت جیسبه متحد آن قرار ارد تا این اواخر به وجودی تحقق نیافته است .

حزب کمونیست هند وستان بطور منظم در راه اجرای فوری و شمر بختر قوانینی که در جریان اصلاحات ارضی بتصویب رسیده مبارزه کرده است . این مبارزه بشکل های گوناگون تظاهرات توده های برای زمین انجام گرفت . تصرف زمینهای آزاد از طرف دهقانان تهیدست و کارگران کشاورزی بی زمین تظاهرات کارگران کشاورزی بدفاع از حق مالکیت آنها بر اراضی اطراف خانه و مزارعشان ، مقاومت اجاره داران در برابر برد آنها از زمینهای اجاری که روی آنها کار میکنند ، مبارزه دهقانان برای بازگرداندن زمینهای مدامع دهقانی که ربا خواران غصب کرده بودند و سرانجام تصرف زمینهای " اضافی " متعلق به زمین داران توسط کارگران کشاورزی و دهقانان کم زمین ، از جمله آنهاست .

حزب کمونیست هند وستان از اوضاع جدیدی که در نتیجه توطئه نیروهای مرتجع راست برای بدست آوردن حاکمیت پدید آمده بود از اعلام وضع فوق العاده در کشور از طرف نخست وزیر ایندیرا گاندی و برنامه

اصلاحات اقتصادی صرم وی مرکب از ۲ ماده برای گسترش جنبش همگانی ملی در راه اتحاد دهقانان زحمتکش و کارگران کشاورزی وسیع آنها در مبارزه بخاطر تحقق بخشیدن به برنامه اقتصاد و دولت بنفع توده‌ها و مردم استفاده کرد . در این برنامه تدابیری مانند تحقق بخشیدن به قوانین مربوط به تعیین حد اکثر میزان مالکیت بر زمین ، تقسیم زمینهای " اضافی " ، واگذاری زمین زیربنابه کارگران کشاورزی جهت ساختمان مسکن ، تصویق و بالفو کامل پرداخت وامهای کارگران کشاورزی و دهقانان تهیدست بهر باخواران ، منع بیگاری و کار بموجب تعهدات وامی ، افزایش حداقل دستمزد قانونی مقرر در روستاها گنجانده شده است . تمام این تدابیر برای استحکام وحدت همفروهای میهن پرست و دموکراتیک و نیروهای چپ و از آنجمله توده‌های زحمتکش روستاها پایه و اساس خوبی ایجاد میکند .

بورژوازی با اتکا به زمینداران ثروتمند بیک رشته اقدامات با خصلت سرمایه داری و ولتس در جهت رونق بخشیدن و افزایش تولید دست زد ( ۱ ) . ولی سیاست کمک به رشد عناصر سرمایه داری و تبدیل زمینداران بزرگ نیمه فئودال به کارفرمایان سرمایه داری برای زندگی ورزاده‌ها و دهقانان پی آید های فاجعه آمیزی در برداشت . قشریند دهقانان ، غصب اموال و فلاس آنها بصورت پروولتر درآمدن قشرهای پائین آنها نشد بیدگرید . در عرض ۲۰ سال ( از ۱۹۵۱-۱۹۷۱ ) سهم " زمین داران " در نیروی کار بزرگ و رکی از ۵۰ درصد به ۴۳٫۳ درصد تقلیل یافت ، در حالیکه سهم کارگران کشاورزی از ۱۹٫۷ درصد تا قریب ۲۶٫۳ درصد افزوده شد . در ایالاتی مانند آندز برایا درش و کراالا شماره کارگران کشاورزی از شماره " زمین داران " بیشتر شد و در ایالات دیگر ( تا میل ناد بحارومبیا را اشترا ) سهم آنان تا ۴۰-۳۵ درصد افزایش یافت . این واقعیات گواه تداری شدید زمینه برای سرمایه داری است .

کشاورزی که به گداز بازار سرمایه داری جلب شده ناگزیر به تحمل تمام نشیب و فرازهای آن میباشد . تولید کنندگان روستاها با وجود کثرت تعدادشان هنوز هم پراکنده هستند و اعتبارات آنها نسبت به سرمایه داران صنعتی و بازرگانی ناچیز است . گروه اخیر از لحاظ تعداد از آنها کمترند ولی در عوض بسیار ثروتمند تر و درجات غیر قابل قیاسی متشکل هستند . بهمین سبب معمولا تولید کنندگان روستاها قربانی غارتگری سرمایه داری میشوند . این تولید کنندگان ناگزیرند محصولات خود را با قیمتهای نا زلی که بازرگانان بزرگ و محترکین با تقلب های زبرد ستانه خود اغلب بآنها تحمیل میکنند بفروشر برسانند ، و در مقابل ناگزیرند کالا های مورد نیاز خود را با قیمتهای گران خریداری کنند . ذخیره غیر قانونی کالا و احتکار در هیچیک از مناطق کشور به مقیاسی که در روستاها جریان دارد

۱ - از سال ۱۹۵۱ تا ۱۹۷۳ متجاوز از ۵۰ میلیارد روپیه در کشاورزی و بیش از ۳۰ میلیارد روپیه برای گسترش شبکه آبیاری سرمایه گذاری شد ، سازمانهای دولتی گوناگونی مانند سرویس توسعه کمون های دهقانی ، سرویس کمک به رشد کشاورزی و غیره تشکیل داده شد . دولت با ایجاد بنگاهها مانند " اتحادیه خواربار هندوستان " ، " شرکت تولید پنجه هندوستان " و بنگاههای دیگر در جریان فروش محصولات شرکت نمود . دولت کارخانه های تولید کود شیمیائی ، فرصهای پرورش بذراحدات کرد و شروع به واگذاری وامهای کشاورزی نمود . همچنین آموزشگاههای کشاورزی تاسیس کرد و پژوهشگاههای علمی در رشته کشاورزی را گسترش داد . این تدابیر سطح فنی کشاورزی را بالا برد . مثلا تعداد تراکتورها که در سال ۱۹۵۱ به ۹ هزار دستگاه میرسید ، در سال ۱۹۷۱ به صد هزار ، تلجمه از ۱۰ هزار به ۳۲ میلیون و مصرف کود از ۲۱۵۴۰ تن تا ۱۳ میلیون تن افزایش یافت .

نمیرسد . تشدید بهره کشی از زحمات کشاورزان روستاها نتیجه ناگزیر گسترش مناسبات سرمایه داری در کشاورزی و اقتصاد ملی است .

رسوخ سرمایه کلان بازرگانی و ربا خواری در عرصه فروش محصولات کشاورزی تضاد های تازه ای بوجود آورد . قیمت های محصولات کشاورزی به مهمترین آماج مبارزه بین دهقانان زحمتکش و کارگران کشاورزی از یکسو و زمینداران و بورژوازی انحصاری از سوی دیگر تبدیل شده است . دهقانان تهی دست و میانجیان در برقراری قیمت های عادلانه نفع حیاتی دارند ، زیرا بخش اعظم محصولات آنها در بازار بفروش میرسد ( ۱ ) .

بورژوازی انحصاری بمنظور ربا بردن قیمت ها آگاهانه از آهنگ رشد تولید پاره ای از محصولات صنعتی که کشاورزی به آن نیاز مبرم دارد ، جلوگیری میکند . در عین حال تلاش میکند قیمت مهمترین مواد خام مانند جوت ، پنبه ، نیشکر و مواد دیگر را تقلیل دهد ، و اغلب این عمل را با همدستی سازمان های خرید مواد خام و گذشت در مقابل اجحافات انحصارات خارجی انجام میدهد . این عمل به نفع دهقانان زحمتکش بمنابۀ تولید کنندگان مواد خام و خریداران فرآورده های صنعتی زیان جدی وارد میسازد .

حزب کمونیست هند وستان برنامه ای جهت حل عادلانه مشکل قیمت ها تدوین کرده است . در این برنامه مواد زیرین پیش بینی شده است : تعیین قیمت های ثابتی که تولید محصولات کشاورزی در سطح کافی و متناسب با مورد کاربرد دهقانان را تامین کند ، تهیه انواع کالا های مورد نیاز اولیه یا قیمت های مناسب برای دهقانان ، برقراری تناسب بین هزینه تولید و بهای محصولات ، میان محصولات کشاورزی و فرآورده های صنعتی ، واگذاری بازرگانی عمده فروشی غله به دولت و کاهش تفاوت بین قیمت های خرید کالا و خرده فروشی ، برقراری سیستم مترقی و متغیر مالیات برای مالکان و دهقانان ثروتمند ، معاف کردن کامل دهقانان تهیدست و میان حال از پرداخت مالیات ، ملی کردن صنایع تولید کالا های مصرفی مردم بازرگانی عمده کالا های مورد نیاز اولیه از جمله مواد خامی که برای تولید از آنها استفاده میشود .

جنبش در راه تثبیت قیمت ها بطوریکه درآمد کافی برای کار در رشته کشاورزی و امکان خرید کالا های صنعتی مورد نیاز اولیه و خدمات و وسائل لازم برای تولید کشاورزی را تامین کند ، در ماهیت امر مبارزه ای علیه بهره کشی دهقانان از طرف انحصارها است .

یکی دیگر از خصوصیات ویژه وضع دهقانان هند وستان عبارت از بهره کشی آنان از طرف انحصارات خارجی است . انحصارات خارجی و ویژه اتحاد های بین المللی که شهرت اسف انگیزی کسب کرده اند در مهمترین رشته های زندگی اقتصادی هند وستان که با منافع دهقانان در ارتباطند تسلط خود را حفظ کرده اند . قبل از هر چیز سخن بر سر تولید ، صد و رو بازرگانی نفت ، فرآورده های نفتی ، کود شیمیایی ، دارو ، روغن نباتی ، خوراکی ، ماشین آلات کشاورزی و فرآورده های دیگر است . این انحصارات مانند گذشته نظارت خود را بر صد و مهمترین کالا های صادراتی از قبیل جوت ، چای ، قهوه ، توتون و غیره حفظ کرده اند و تلاش دارند شکلهای گوناگون تبادل نابرابر کالا را به دهقانان هند وستان تحمیل کنند .

۱ - طبق بررسیهای نارایان ، رئیس کمیسیون دولتی تعیین قیمت های محصولات کشاورزی حتی دهقانانیکه در کمتر از ده هکتار زمین کشت میکنند بطور میانگین ۳۳٪ درصد محصولات خود و دهقانانیکه از ۲ تا ۴ هکتار زمین کشت میکنند ۲۷٪ درصد محصولات خود را بفروش میبرسانند .

تجربه نشان میدهد که مواضع دهقانان تهیدست و میان حال بی‌درمست‌تر متزلزل میشود و اقدامات گوناگونی هم که خصلت سرمایه داری دولتی دارند در وضع آنان تسهیلی ایجاد نمیکند. تنها در صورتیکه دهقانان متحد شوند و سازمانهای طبقاتی خود را تشکیل دهند امکان پیدا میکنند تا علیه سرمایه انحصاری و اقدامات تفرنگانه و مزورانه زمینداران بزرگ و دهقانان ثروتمند که تمام کمکهای دولت به کشاورزی را در دست خود قبضه کرده اند، مبارزه موثر بنمایند.

بفرض نتیجه گیری دیگری نیز میتوان رسید: سیاست بورژوازی که تلاش دارد مسئله کشاورزی را در هند وستان با شیوه‌های سرمایه داری حل کند یا شکست روبرو شود بود رأینده نیز محکوم بناگامی است.

این واقعیت که غیرمعمول تمامند امیرجری مقابلگی که از طرف بورژوازی اتخاذ شده، بحران کشاورزی از نو شدت یافته ثابت میکند که این مشکل را تنها از راههای غیر سرمایه داری میتوان حل نمود.

بالاخره برای آنکه بحران کشاورزی عملاً مرتفع گردد و این عمل از راه موکراتیک انجام گیرد، هند وستان باید به سیستم مبادله غیربرابری که از جانب امپریالیست‌ها تحمیل شده پایان دهد،

وابستگی خود را از اقتصاد بحران‌زده کشورهای امپریالیستی کاهش دهد و بازرگانی همه جانبه بسر پایه منافع متقابل با کشورهای سوسیالیستی و کشورهای نواستقلال را گسترش دهد. مبارزه در راه این هدفها مستعد و جنبش و موکراتیک بی‌درام و جنبش کشاورزی بی‌درام و خاص را تشکیل میدهد.

یکی از ویژگیهای مناسبات ارضی در هند وستان که تعیین کننده استراتژی مبارزه با خطر گسترش

و استحکام اتحاد طبقه کارگر باد دهقانان است، بالا بودن وزن مخصوص کارگران کشاورزی در مجموعه نیروی کار میباشد. طبق سرشماری سال (۱۹۷۱) این وزن مخصوص برابر ۳۰-۷ درصد تمام نیروی کار

در کشاورزی بوده است. کارگران کشاورزی باد دهقانان تهیدست اکثریت سکنه روستاها را تشکیل میدهند. وضع اجتماعی آنان از جهات بسیاری با وضع دهقانان تهیدست یکسان است. هم

دهقانان تهیدست و هم کارگران کشاورزی هر دو قربانی دشوارترین اشکال ستم طبقاتی و اجتماعی و وابستگیهای گوناگون واهی و سرد موار هستند.

رشد سرمایه داری با بحرمانه ترین تعرضها بزندگی مادی کارگران کشاورزی همراه بود و آنها بسیاری از دهقانان تهیدست را از قوت لایحوت محروم ساخت. آنها را از حفظ زمین کوچکی که نسل

اند نسل مانند اجاره دار و بیاسهمیم در محصول به کشت میبرد اختند بیرون میکنند، مزارع اطراف مسکن آنها را ویران میسازند و مزارع آزاد شده را مال و ملک تحکیمپابنده زمینداران و حتی دهقانان

ثروتمند در خود مستحیل میکنند. هیچکس مانند کارگران کشاورزی از بحران مزمن کشاورزی، کمبود مستمر خواربار و کالاهای مورد نیاز اولیه رنج نمیکند و هیچکس مانند آنها دچار چنین زندگی اسف انگیز

و مرارت باری نیست.

در ستمزد کارگران کشاورزی معمولاً جنسی پرداخت نمیشد. میزان این ستمزد که در گذشته هم فوق العاده ناچیز بود با تعدیل شدن به ستمزد نقدی آنها در شرایط تورم پرشتاب کاملاً غیرقابل

تحمل شده است. علاوه بر این ستمزد آنان در بسیاری از موارد تضمین شد نیست. کارگران کشاورزی کاملاً زیر سلطه اربابان خود قرار دارند و اشتغال بکار و بیابکار مانند نشان به اراده آنها وابسته است. دستمها بیکار در سال سر نوشت عادی آنان است.

با وجود وضع اجتماعی فوق العاده دشوار آئنده بهیرولتاریای روستاها تعلق دارد. بهیرولتاریای روستاها بیاتفاق کارگران صنعتی رسالت دارند که در انقلاب کشاورزی نقش عمده را ایفا کنند. سال

های اخیر با پیداری آگاهی طبقاتی و رشد تشکلهایی کارگران کشاورزی مشخص میگردد. چندی پیش اعتصاب کارگران کشاورزی سراسر هند وستان که خواستار افزایش ستمزد ها بود نداد انجام گرفت.

این اعتصاب توسط اتحادیه کارگران کشاورزی سراسر هند وستان تشکیل شد و مورد پشتیبانی پرشور

میلیونها پرولتاریای روستاها در مناطق مختلف کشور قرار گرفت . کارگران کشاورزی هنگام انتخابات علیه حزب راستگرای " اتحاد کبیر " رای دادند و با تبلیغات ضد انقلابی که نارایان انجام میداد مبارزه می کردند .

شورای ملی حزب کمونیست هند وستان منشورخواستهای کارگران کشاورزی هند وستان را تدوین نموده است . در این منشور علاوه بر خواستههای همگانی کارگران کشاورزی و دهقانان تهیدست برخی از خواستههای مبرم پرولتاریای روستاها نیز گنجانده شده است : افزایش بنیادی حداقل دستمزد ها ، برقراری موازین قانونی برای تنظیم شرایط کار فردی ، مدت روز کار و تضمین مزد برابر برای زنان و مردان در قبال کاریکسان ، تشکیل تعاونهای کشاورزی نمونه ، در زمینهایی که مانند زمین اضافی بعالکیت دولت درآمده و در زمین هایی که کشت و زرع نمیشد و کارگران کشاورزی در نتیجه مبارزه خود آنها را صاحب شده اند .

تجزیه و تحلیل وضع دهقانان و پرولتاریای روستاها به درک خصوصیات ، سمت و شدت پیشرفت روند انقلابی در روستا و همچنین تشخیص پایه های اتحاد پرولتاریای صنعتی با گروههای اجتماعی گوناگون در روستاها و ارزیابی امکانات انقلابی آنها در مراحل پیش از انجام انقلاب و موکراتیک در جریان انقلاب و پس از آن کمک میکند .

حزب کمونیست هند وستان با توجه به خصوصیات کشاورزی چند گونه کشور ، سیاست گسترش جنبش توده انده دهقانی که تمام قشرهای دهقانی و کارگران کشاورزی را در برگیرد ، تدوین کرده است . این جنبش بطوریکسان هم علیه بازمانده های فئودالیسم و هم علیه استثمار روزافزون دهقانان از طرف سرمایه داران و انحصارهای امپریالیستی معطوف است . در قطعنامه شورای ملی حزب کمونیست هند وستان " برخی مسائل جنبش کشاورزی و وظائف ما " که در آوریل ۱۹۷۵ بتصویب رسیده گفته میشود : حزب کمونیست در جنبه کشاورزی از خط مشی تاکتیکی که حل سه مسئله عمده مربوط بهم در آن پیش بینی شده است پیروی خواهد کرد :

۱ - مبارزه در راه اصلاحات بنیادی ارضی که مبارزه برای زمین را نیز شامل میگردد ، همچنین مبارزه علیه ربا خواری و اشکال گوناگون ستم اجتماعی و ستم کاست ها و علیه انواع وابستگی های اسارت آور :

۲ - مبارزه در راه افزایش تولید کشاورزی و برقراری قیمت های عادلانه و یابشات بر محصولات کشاورزی و فرآورده های صنعتی مورد نیاز دهقانان ؛  
۳ - مبارزه در راه دستمزدها عادلانه برای کارگران کشاورزی ، مبارزه در راه زمین آزاد برای کارگران کشاورزی از اسارت ، بردگی در قبال وام ، ستمهای اجتماعی و ستم کاست ها و مبارزه در راه شرایط زندگی شایسته انسان .

بی اعتنائی و پاکم بهادان به رهبران از این وظائف جنبش کشاورزی را تضعیف میکند ، ایجاد اتحاد کارگروندگان را با خطر میاندازد و آب به آسیاب نیروهای ارتجاعی راست میریزد که تلاش دارند دهقانان را علیه منافع آنها بدنبال خود بکشند . خط مشی حزب عبارت از آنکه " به کارگران کشاورزی و دهقانان تهیدست ، استحکام وحدت با دهقانان میان حال و کوشش برای جلب دهقانان ثروتمند است تا بتوانند بنسب مالکان ، رباخواران و انحصارگران را منقرض ساخت ، بدانش شکست وارد آورد و با اتحاد طبقات کارگروندگان نیروهای موکراتیک انقلاب کشاورزی را انجام رسانند . این خط مشی با سیاست همگونی که حزب را در جهت گسترش مناسباتش با سازمانهای توده ای روستاها یعنی اتحادیه دهقانی سراسر هند وستان و اتحادیه کارگران کشاورزی سراسر هند وستان سوق میدهد

تقویت میشود .

دره میں کنگره حزب کمونیست هند وستان متوجه این موضوع شد که میان نفوذ حزب کمونیست و تعداد سازمانهای توده ای سکنه روستاهای زیربرهبری آن شماره اعضای آنها در یک سلسله ایالات خیلی کمتر از اعضای حزب است شکاف عمیقی وجود دارد و در همین حال که ما در این به کار سازمانها توده ای را مورد توجه قرار داد . باید اتحادیه کارگران کشاورزی سراسر هند وستان و اتحادیه دهقانان سراسر هند وستان را به سازمانهای فعال توده ای دموکراتیک طبقاتی تبدیل کرد . بدقیقه ما این وظیفه را از طریق احیای درک لنینی سازمانهای توده ای همانند "سمه های نقال" بین حزب و توده ها و تربیت تمام افراد حزبی با روح درک این اصل و اعزاز تعداد کافی کادرهای مجرب و آماده ای که بتوانند سازمانهای توده ای دهقانان و کارگران کشاورزی را استوار سازند — میتوان انجام داد . نهاد را این صورت است که میتوان به شمار کنگره پنجم حزب که هنوز تحقق نیافته — "حزب باید روسوی دهقانان کند" جامه عمل پوشاند . بحران سیاسی که تعزیر نیروهای راست علیه دموکراسی موجب آن گردیده جلب زحمتکشان روستاها بسوی حزب ، تشکل آنان و استحکام اتحاد بین کارگران و دهقانان را به وظایف مبرم حزب تبدیل میکند .

استراتژی حزب کمونیست هند وستان علاوه بر مبارزه بخاطر برآوردن نیازمندیهای مبرم دهقانان و کارگران کشاورزی ، مبارزه در راه تغییر قطعی سمت عمومی پیشرفت کشاورزی در کشور را نیز پیش بینی میکند . هم اکنون در دید میشود که خطا مشی بورژوازی ملی در جهت راه رشد پیرامه داری کشاورزی محکوم بشکست است : از آنگ متوسط رشد محصولات کشاورزی گاسته میشود ، بحران کشاورزی سه رکود در اقتصاد به ورگی ، افزایش بیکاری ، گرسنگی و فقر توده های وسیع منجر میگردد ( ۱ ) . مالکان اجاره داری با سهیم شدن در محصول و دیگر شکلهای نیمه فئودالی اجاره داری و تهی دستی دهقانان از عواطف هستند که مانع مدرن کردن فنی کشاورزی میباشند . "انقلاب سبز" که تبلیغات سوسیالیست را در آن براه انداختند نتوانست در کشاورزی هند وستان که در مجموع اقتصاد کشور همچنان ضعیفترین رشته را تشکیل میدهد انقلابی پدید آورد . سیاست کشاورزی جناح راست بورژوازی خود مانعی در راه تحقق هدفهای ملی استحکام استقلال سیاسی و اقتصادی کشور است . تضاد طبقاتی و مبارزه طبقاتی در روستاهای هند وستان تشدید میگردد . اکنون مالکان شتاب دارند که در اصطلاح "اتحادیه فرمها" متحد شوند و گروههای خرابکار و مسلح را بخدمت گیرند . دهقانان زحمتکش و کارگران کشاورزی برای دفاع از منافع خود پیرامون سازمانهای خویش متحد میشوند . در برخی از مناطق ایالات مختلف جنگ داخلی واقعی جریان دارد . گزینش راه رشد کشاورزی هند وستان پایه و اساس این مبارزه حاد در جبهه کشاورزی است .

حزب ما در راه رشد غیر سرمایه داریست . این راه به لغو استثمار نیمه فئودالی در عرصه تولید کشاورزی منجر خواهد شد و تمرکز زمین در دست گروه ناچیزی زمینداران بزرگ را زمین خواهد برد .

راه رشد غیر سرمایه داری تشکل دهقانان تهیدست و خرده پارا در تعاونیهای کشاورزی تا مین میکند و این خود رشد کشاورزی را بر پایه صنعتی کردن کشاورزی و کمک جدی دولت و دموکراتیک که در

۱ - در "اطلاعه اقتصادی" دولت ذکر شده است که "علت اساسی رکود در آمد ملی سالهای ۱۹۷۳-۱۹۷۴ و تورم شدید ناشی از شاخصهای نامطلوب در تولیدات کشاورزی است" ( "Economic Survey, 1974-1975", p.6 ) آهنگ رشد تولید کشاورزی که در سالهای ۱۹۵۱-۱۹۶۱ چهار درصد بوده در سالهای ۱۹۷۱-۱۹۷۱ تا ۲۳ درصد کاهش یافته است .

جریان انقلاب ملی و موکراتیک تشکیل خواهد شد تسهیل مینماید . راه رشد غیر سرمایه داری گرونی سازمان بنگ های تقسیم وام و وسائل تولیدی در کشاورزی ، تجدید سازمان قوانین مالیاتی روستاها ، شورای روستاها و تعاونیهای کشاورزی را هم پیش بینی میکند تا از رشد آن عناصر سرمایه داری جلوگیری کنند و آگاهانه و با هدف مشخص از عناصر غیر سرمایه داری پشتیبانی نمایند .

حزب مبارزه در جنبه کشاورزی را تشدید میکند . وظیفه طبقه کارگر عبارت از کمک برادرانسه به دهقانان است . حزب ما فعالین اتحادیه های فابریک ها و کارخانه ها را به روستاها اعزام میدارد تا دهقانان و کارگران کشاورزی را برای مبارزه در راه تحقق فوری خواستههایشان سازمان داده و بسیج کنند .

طبقه کارگر دیگر نمیتواند تنها به پشتیبانی عمومی و انجام اقداماتی در زمینه همبستگی با جنبش دهقانی بسند کند . این طبقه به نیروی سازمان دهند و عامل موثر و مستمر در مبارزه دهقانان تبدیل میشود .

اتحاد کارگران و دهقانان به رهبری طبقه کارگر شرط مقدم کامیابی جنبش و موکراتیک بطور کلی و از آنجمله جنبش کشاورزی است .



# پیرامون مواضع اجتماعی - سیاسی روشنفکران

آلبرتو اسکالا

جامعه‌شناس آرژانتینی

چنانکه در تزه‌های انستیتوی جنیترکارگری فرهنگستان علوم اتحاد شوروی\* طبقه‌کارگر متحد پس آن (۱) بد رستی خاطر نشان شده است، علاوه بر طبقه‌کارگر بخش بزرگی از قشرهای میانه جامعه نیز شدیداً تحت تاثیر این آمده‌ها بحران کنونی قرار دارند.

قشرهای میانه در آرژانتین با تعدادی نزدیک به ۱۷ میلیون نفر، ۲۰ درصد از جمعیت شاغل کشور را تشکیل میدهند. سهم آنها در تقسیم درآمد ۱۵ درصد و در وقت‌ها گاه‌هاست و این جریان عوامل عینی اجتماعی و اقتصادی شرکت این بخش از اهالی را در مبارزات مردم تشدید میکند. بخش مهم و پویا تحریک قشرهای میانه را متخصصان دارای آموزش عالی تشکیل میدهند. طبقات پایین پرشمی بیشتر می‌آید: آیا این گروه اجتماعی را با توجه به نقش اجتماعی و اقتصادی و سیاسی و فرهنگی آن و نیز وظیفه علمی و فنی که انجام میدهد میتوان از متحدین با اهمیت و ضروری طبقه کارگر در روند انقلابی در مراحل گوناگون مبارزه در راه حاکمیت بشمار آورد؟

این مسئله برای حزب ما مسئله نسبتاً تازه است. حل درست این مسئله بویژه از آنرو مهم است که به تناسب رشد اقتصادی و تسریع آنکه تعمیم دستاوردهای دانش و تکنیک در تولید و در رشته خدمات گرایش بارزی به فزونی وزن مخصوص دارندگان آموزش عالی در جامعه مشاهده میشود. در حالیکه طی سالهای اخیر بطور متوسط نزدیک به ۱۰ درصد جمعیت آرژانتین افزوده شده، به تعداد دانشجویان دانشگاهها سالیانه نزدیک به ۱۰ درصد اضافه شده است. تعداد فارغ التحصیلان دانشگاهها هم بویژه در سالهای اخیر با سرعت افزایش می‌یابد. اگر در سال ۱۹۶۵، ۲۴۱۳ کارشناس و در سال ۱۹۵۵، ۶۰۷۴ کارشناس تربیت شده است در سال ۱۹۶۵ این شماره به ۱۱۲۴۴ و در سال ۱۹۷۱ متجاوز از ۱۷ هزار تن بوده است. به تعداد کارشناسان با آموزش عالی نیز به همین نسبت افزوده شده است.

در آرژانتین از هر ۸ میلیون نفر سکنه شاغل بیشتر از ۳۵ هزار نفر دارای آموزش عالی هستند. این آمار موجود طی دوران ۱۹۳۵ تا ۱۹۷۱ از دانشگاههای کشور ۲۵۶ هزار کارشناس دیپلمه فارغ التحصیل شده است.

این کارشناسان به ترتیب زیر در رشته‌های گوناگون تقسیم میشوند (۲).

۱ - مدله " مسائل علاج و وسوسا لیمیم " شماره ۷، ۱۹۷۵، صفحه ۵۶ ( بزبان روسی ) - رجوع شود به " مسائل بین المللی " شماره ۴، ص ۱۳۵۴، ص ۲۵-۱۶.

۲ - رجوع شود به - A. Escala - Los profesionales y Liberacion Nacional - Buenos Aires 1974.

علوم فنی و تئیه	۸۰۹۶۵ ( ۳۱ درصد )
علوم اجتماعی	۷۴۵۸۴ ( ۲۸٫۷ درصد )
علوم انسانی	۱۶۲۱۶ ( ۶٫۳ درصد )
علوم پزشکی	۸۵۶۶۴ ( ۳۳٫۴ درصد )

آمار موفقی در باره موضوع اجتماعی و ساختار اجتماعی گروه‌های جداگانه کارشناسان در دست نیست. اما درباره تعلق طبقاتی آنها سرشماری‌های منظم دانشگاه‌ها می‌تواند تصور معینی بدست دهد. البته باید در نظر گرفتن این شرط اکید که بین وضع اجتماعی و منشأ اجتماعی آنها مطابقت کامل وجود ندارد و همچنین با توجه به اینکه همه دانشجویان دوره دانشگاه را با انجام نمره مانند سرشماری دانشجویان دانشگاه بوئنوس آیرس در سال ۱۹۶۹ نشان داد که از هر ۱۰ دانشجو و اولیا ۵۲ تن از آنها در عین اینکه در ظاهر صاحبکاران خصوصی مستقل هستند که از کار مزدی استفاده نمیکنند به کارهای خصوصی می‌پردازند و یا متخصصینی هستند که اگر قبلاً دستمزد را با کار خصوصی توأم میکنند، والدین ۲۱ دانشجوی صاحبان صنایع کوچک در موسساتی هستند که بیش از ۵۰ نفر در آن کار نمیکنند، ۳ دانشجوی فرزند صاحبان صنایع بزرگ هستند، ۱۰ دانشجو فرزند کارمندان و ۵ دانشجو فرزند کارگران اند.

بدین ترتیب میتوان گفت که اکثریت قاطع دانشجویان دانشگاه‌ها از میان قشرهای میانمیانی-پایین آمده اند و در نتیجه پس از پایان آموزش دانشگاهی بخش اعظم آنها در باره به این قشرهای اجتماعی می‌پیوندند. اما در این باره دست در باره همین کارشناسان که متعلق به قشرهای میانه هستند گفتگو خواهیم کرد. و خامتد او وضع سیاسی و اقتصادی و اجتماعی قشرهای میانه که در دوره دیکتاتوری نظامی که در سال ۱۹۷۳ سرنگون گردید، باشدت خاصی بروز کرد، کارشناسان را درجه بیشتر به بازار تحولات ترقی و امانه، دموکراتیک و ضد امپریالیستی امیدارد.

طبیعی است که نقش کارشناسان در زندگی اجتماعی نه تنها با شماره آنها بلکه همچنین با موقعیت آنها در تولید و دستگاه دولتی، شخصیت اجتماعی، مقام رهبری آنان در احزاب سنتی و یا به بارت دیگر نه با عوامل کمی بلکه با عوامل کیفی معین میگردد.

بحران اقتصادی در روند تمرکز سرمایه بشیوه سرمایه داران توأم با انتقال یک سلسله از عرصه‌های فعالیت که در گذشته تا اندازه زیادی بخاطر مستقل بودن، بدست سرمایه بزرگ و دولت موجب در کونیه‌های شایان توجهی در خصلت کار کارشناسان گردید و قشریندی اجتماعی درون این گروه را تشدید نموده است.

دایره کارهای "مستقل" و کارهای حرفه‌ای خصوصی تنگتر میشود. کارمزدی و مناسبات وابستگی عرصه را بر آن تنگ میکند. مثلاً در آرژانتین تعداد پزشکانی که بحساب معالجات خصوصی زندگی میکنند از ۱۰ تا ۱۵ درصد تعداد کلی پزشکان بیشتر نیست. ۶۰٪ از پزشکان به اورگان کارمزدی در موسسات دولتی، نیمه دولتی و خصوصی را با معالجات خصوصی توأم میکنند، بین ۲۵ تا ۳۰٪ پزشکان (به اورعده پزشکان جوان) معمولاً بحساب بی‌باید حقوق کم زندگی میکنند. همه پرسی که در سال ۱۹۷۳ در بوئنوس آیرس و حومه‌ها در باره اشتغال آنها گرفت گواه گرایش مشابهی است. یکی از نتایج آن این است: تنها ۴۸ درصد مهندسان معماران می‌توانند جزو کسانی که "کار آزاد" دارند و بکار مستقل مشغولند بحساب نمود و بقیه ۵۲ درصد آنها اکلاً یا قسمی به مزد بگیر تبدیل شده اند.

شرایط کار گروه دیگر تخصصانی که به ورستی متعلق به گروه "حرفه‌آزاد" بوده اند نیز بتدریج تغییر میکنند. اکثریت مهندسان و تکنیسین‌ها در موسسات بزرگ دولتی و یا خصوصی کار میکنند.

د فاطر حسابداری ویژه و بینگامهای خدمات اقتصادی مشورتی بود و آمده که به او وعده با موسسات خارجی ارتباط دارند و اغلب در آنها صد ها متخصص کار مشغولند .

پی آمد در گزینهای عینی در موقعیت اجتماعی و فعالیت حرفه ای بختر اصلی متخصصان فوق - ماده به تفریح و متناظر است . ولی گرایش عمومی عبارت از تشدید تضاد میان متخصصان و ماسخاتار کنونی اجتماعی و اقتصادی آرژانتین در اثر پیرولتاری شدن روز افزون آنان و اتخاذ مواضع رادیکالتره آگاهانه و راجب ترا طرف متخصصان در نتیجه این تضاد میباشد . نیازی به اثبات نیست که امکان اشتغال متخصصان با آهنگ رشد نیروهای مولده ، ترقی اقتصاد و معیاش استفاده از کامیابسی های دانش و فن در بینگامهای خصوصی و دولتی ارتباط مستقیم دارد . در کشوری که با بحران همه گیر اقتصادی ، اجتماعی ، سیاسی و بحران فرهنگی و علمی و آموزشی دست بگیرد است چشم انداز اشتغال و ترقی در کار کردن در بخشان نیست و برای بخشی از روشنفکران اصولاً وجود ندارد . بحران ناگزیر در وضع متخصصان نیز تاثیر میکند .

متخصصان روز بروز تضاد بین امکانات غذایی راکه انقلاب علمی و فنی معاصر برای حل مسائل علمی که کشور با آنها روبرو است فراهم میآورد ، با عدم امکان بکار بستن معلومات علمی و فنی بعلت تبعیبت اقتصاد کشور از گروه بندیهای محدود و منافع الیگارشسی - امپریالیستی روز بروز آشکارتر احساس میکنند . تضادهای ویژه ناشی از خصوصیات فعالیت حرفه ای آنان هم ، ( از جمله تضاد میان خصلت اجتماعی هر چه آشکارتر کارهای علمی و پژوهشی و آزمایشی و طراحی و ضرورت ارتباط متقابل هر چه بیشتر و ماهنگی رشته های گوناگون دانش و فعالیت گروه های کارشناسان در حرفه های مختلف از یک سو و امکانات محدود تحقق این ضرورت در جمیع ارجوب ساختار اجتماعی موجود از سوی دیگر ) به گرایش تر متخصصان به مواضع رادیکال و جیب کمک میکند .

نیازمند به ان اجتماعی و اقتصادی کشور ، پیوند متقابل روز افزون دانش و تولید و بحران عمومی عدم سرمایه داری این قشرهای روشنفکران رابه این یا آن شک به جستجو در برنامه های دیگر برای تکامل اجتماعی رهنمون میشود . تضعیف مواضع امپریالیسم در معیاش جمعی ، کامیابیهای سوسیالیسم و از آن جمله موفقیتها علمی و فنی کشورهای سوسیالیستی ، افزایش تاثیر مارکسیسم - در قشرهای انبوه مردم ، رشد آگاهی سیاسی و بیکارجویی توده ها غیرمغز تلاشهای مایوسانه ارتجاع برای جلوگیری از روندی که پراز شکست دیکتاتورن آغاز شده ، همه در این سمت عمل میکنند .

تجربه نشان میدهد که حتی اگر شرایطی وجود دارد که به او وعده و دانش به رادیکال شدن بخش شایان توجهی از متخصصان کمک مینماید ، آن شرایط در اکثر موارد با او خود بخود و ناآگاه در موضع متخصصین در سمت مطلوب برای امر انقلاب تاثیر نمیکند . بدون کار با برنامه و هدف روشن از طرف حزب بدون استحکام مواضع دموکراتیک ، مترقی و ضد امپریالیستی سازمانهای توده ای سنتی موجود در آرژانتین از شرایط موجود برای شرکت کارکنان رشته های علمی و فنی و هنرن در جبهه ضد - امپریالیستی و دموکراتیک نمیتوان با موفقیت استفاده کرد . بویژه از آنرو که فعالیت نیروهای راست و امپریالیسم وعدم ثبات و تزلزل که از ویژگیهای روشنفکران در جامعه بورژوازی است در برهه پسوستن متخصصان به مواضع دموکراتیک و ضد امپریالیستی تاثیر منفی شدید می بخشد . علت ثبات و پایداری بسیاری از مواضع اندیشه ای و سیاسی راهم که سازمان سرمایه داری جامعه بوجود آورده و قسماً و یا کلاً با نام اجتماعی مبتنی بر اندیشه های سوسیالیستی متضاد میباشد در این باید تشریح کرد . بدون بر طرف ساختن این موانع پیدا یتر تغییرات مثبت در آگاهی متخصصان با معلومات عالی غیرقابل تصور است . ایجاد تغییر در آگاهی و درک آنان هم بنویه خود خات از محیط فعالیت و وجودیت حزب و ایدئولوژی مارکسیستی غیر ممکن است .

در سالهای اخیر شدت فعالیت نیروهای چپ و افزایش نفوذ مارکسیسم و حزب کمونیست در آرژانتین چشم میخورد. در این شرایط و در نتیجه فعالیت روشنگرانه حزب کمونیست و سایر محافل مترقی ایجاد تغییرات مثبتی در آگاهی و درک متخصصان میسر گردید که درک علل سیاسی و اقتصادی بحران و درک ضرورت تحولات انقلابی ژرف در مناسبات تولیدی و شرکتی متشکل در مبارزه توده های خلق یخاطرتحقق بخشیدن به این تحولات از آنجمله است. رشد آگاهی ملی و سیاسی به گسترش شرکت فعال متخصصان چه در مبارزه مردمی و چه در پیشبرد راه ارضاء خواسته های خود آنها - مساعد تنموده است. در سالهای اخیر تظاهرات بسیار از طرف متخصصان در رشته های انجام داده شده اعتصاب همگانی پزشکان، وکلای دادگستری، داروسازان و دندان پزشکان و سایر آرآنجمه ملیا شدند.

بمیزان تشکلی متخصصان تا حد شایان توجهی افزوده شده است. پیوسته تشکیل اتحادیه های حرفه ای و مناقشه آن آنان به انجام رسیده است. به سازمانهای حرفه ای محلی و ملی سابق آنان، فدراسیونهای ایالتی کنفدراسیونهای مختلف را در خود متحد میسازد افزوده شده است. کنفدراسیون همگانی متخصصان دارای آموزش عالی جمهوری آرژانتین تشکیل یافته کسبه متجاوز از ۲۰۰ هزار متخصص و بیش از ۲۰ سازمان ملی و ایالتی را در خود متحد ساخته است. اقداماتی که گواهی میدهد بر تغییر در مواضع سنتی اقتصادی و سازشکارانه ایست که در گذشته برای روشنفکران تا حد زیادی نمونه وار بود، گسترش یافته است. در این تظاهرات خواهشهای ویژه متخصصان بالزوم حل معضلات ملی و توده ای مانند حفظ آزادیهای فردی، دموکراتیزه کردن دولت و محدود ساختن سلطه انحصارها تلفیق میشود. وحدت عمل متخصصان و توده های مردم در جریان مبارزه و تحت تاثیر آن شکل می یابد. مثلاً در ماههای اخیر مناسبات شدت پیدا و خاست اوضاع کشور کنفدراسیون همگانی متخصصان با سایر سازمانهای مهم اجتماعی و همچنین با رهبری احزاب سیاسی دموکراتیک از جمله حزب کمونیست به نظر و ریافتن جماعت مشترک در نظریات تماس برقرار کرد. این پدیده سیاسی شایان اهمیت نشانه رشد و بلوغ گروههای بسیاری از روشنفکران و همچنین نتیجه فعالیت کمونیستهای متخصصان و سازمانهای آنان است.

برای جلب محافل وسیع متخصصان و سازمانهای آنان بسوی نیروهای دموکراتیک، مترقی و ضد امپریالیستی و ایجاد شرایط برای پیوستن بخش آگاه و پیکارجوی آنان به مواضع ایدئولوژیک پرولتاریا و حزب آن باید مبارزه شدیدی ایدئولوژیک بطور مستقیم ادامه داد. وجود شرایط عینی، روحیه پیکارجویی و تجربه شرکت در مبارزه اگرچه عوامل بسیار مهمی هستند، خود بخود کافی نیست. افشا و یا خنثی نمودن نظریات گوناگونی که در متخصصان تاثیر بخشیده و مانع میگردند که آنها تصور راستینی از وضعیت کشور و وضع خودشان، علل بحران و راه برون رفت از آن بدست آورند حائز اهمیت است. در همین عرصه آگاهی فردی و اجتماعی نفوذ بورژوازی بیشتر از هر عرصه دیگر است و عوامل منفی در این زمینه با حداکثر شدت نمودار میگردد.

مواضع ایدئولوژیک متخصصان فوق العاده متنوع و رنگارنگ است. میان آنها هم نظریات لیبرالی بورژوازی، هم نوعهای گوناگون "دسارولیسیم" از واژه اسپانیایی (desarrollisme) یعنی ترقی) هم ایدئولوژی "پرونیستی" و "نئوپرونیستی" و حتی اندیشه های باصلاح مارکسیستی و چپ گرای افراطی را میتوان مشاهده نمود. کم نیستند متخصصانیکه هنوز به فعالیت مستقل خصوصی بمنزله یگانه "تضمین" ممکن برای تامین زندگی مادی می چسبند، "انانیسم" و "کلکتیویسم" را انتقاد میکنند و از ابتکار خصوصی و مالکیت خصوصی یعنی پایه اصلی نظام سرمایه داری که دچار بحران

درمان ناپذیری است، دفاع میکنند. خرافات آنتی-سوسیالیسم که از تصورات تحریف شده در باره سوسیالیسم، در باره امکانات فردی و اجتماعی که سوسیالیسم موجود برای متخصصان فراهم میکند مایه میگرد بین متخصصان شدت دارد. در عین حال بسیاری از متخصصان که با نظریات لیبرالی-بورژوازی موافقند از آزادیهای فردی، قانونیت و موکراتیک و حقوق فردی دفاع میکنند و با تبعیضهای سیاسی مخالفت میورزند.

«رفداران» سوسیالیسم و نوعهای گوناگون آن مانند تکنوکراتیسم ترقیات اجتماعی را مطلقاً با رشد تولید و نیروهای مولد مربوط میدانند و تصور میکنند که تضادها موجود در جامعه را میتوان به باری «تدابیر علمی» موثر تبدیل و تغییر ساختار اجتماعی - اقتصاد آن بر طرف نمود. آنها به خصلت با بقای دولت کبشامیدهند و مستعد پذیرش نظریات «صلح اجتماعی» هستند. گروههایی از متخصصان و بازرگانان و معتمدان جوان که تحت تاثیر این نظریات و روشهای تلقین شده وسیله رهبری پرونیستی هستند از روش علمی و نظریه اجتماعی روشنفکران و خصلت کارآنان بدورند.

مانسبت به مواضع ایدئولوژیک هر گروه از متخصصان برخورد مشخصی داریم. مادرکار خود میکوشیم علاوه بر تفاوتها و ایدئولوژیک که فعالیت ایدئولوژیک حزب در میان متخصصان طبق آن تدارک دیده میشود، مواضع مشخصی را نیز که به یک از گروههای متخصصان در مبارزه ضد امپریالیستی اتخاذ کرده اند و برخورد آنها را نسبت به اقدامات مشترک با حمتکشان واقع گرایانه در نظر بگیریم.

حزب کمونیست آرژانتین برای عقیده است که شرکتگاهانه متخصصان در مبارزه مردم حائز اهمیت فراوانی است. بازرگانان و سرمایه داران در میان حزب کمونیست آرژانتین خاداران نمود کسانیکه بکارهای فکری اشتغال دارند، کارکنان رشته های هنری، متخصصان با آموزش عالی و دانشمندان در مبارزه با خرافات آزادی علمی متفقین مهمی بشمار میآیند. کمونیستهای آرژانتین از یکسویه برخورد نیهیلیستی نسبت به متخصصان با قاطعیت مبارزه میکنند و از سوی دیگر اضافه مبارزات ایدئولوژیک سیاسی و سازمانی در راه جلب آنها به پیروسی موکراتیک و انقلابی، با خطرات جدی مواجهند. ملایم موکراتیک و جلب هر چه بیشتر متخصصان به مواضع ایدئولوژی پرولتری و حزب انقلابی با بقه کارگزاران گسترش میدهد.

تحقق بخشیدن به برنامه انقلابی بدون حد اکثر استفاده از دانشی که در نتیجه انقلاب علمی و فنی بدیدار گذشته غیر قابل تصوری است. اینطور نیز رهبرید که میتوان با این مطالب موافقت نمود که در حل مسائل مربوط به نگاهش فرجه تاریخی ایجاد نیروهای مولده که پاسخگوی سطح کنونی ترقیات علمی و فنی باشد، متخصصان دارای آموزش عالی، دانشمندان و تکنیسینها نقش مهمی ایفا میکنند. حزب پرولتاریا نسبت به کار در میان آنها توجه مستمر دارد. تجربه اندی پیش شیلی نیز گواهاست که این کار میباید کاملاً معلوم است که برخی از سازمانها و متخصصان در شیلی علیه دولت وحدت ملی فعالیت میکردند و به ایجاد محیطی که برانجام کون تائی فاشیستی مساعد بود کمک مینمودند.

و نظریه جلب خود معده متخصصان دارای آموزش عالی، دانشمندان و هنرمندان بسوی با بقه کارگر کمونیستها را موطاف میکند که خصوصاً تویژه، منافع و خواستهای آنها را بطور همه جانبه بررسی نماید و موثرترین شکل های علمی سازماندهی آنها را پیدا کنند. رفیق آلوارس تاکید میکرد که این مطلب ما را مجبور میکند در پرورش کارگران جدید کمونیست و غیر کمونیست از میان روشنفکران کوشش بیشتری بعمل آوریم و از میان آنها رهبرانی بوجود آوریم که آماده مبارزه با خرافات ترقی و آزادی ملی و اجتماعی کشسور باشند. حزب کمونیست آرژانتین در راه اجرای مشی سیاسی و مصوبات چهاردهمین کنگره خود (سال ۱۹۷۳) کار میان متخصصان را به مقیاس سراسر کشور سازمان داد و نظریاتی را که به نیروی

ذخیره دموکراتیک و ضد امپریالیستی این بخش فعال و ناهمگون قشرهای میانه که بپای امید هد باطل ساخت . آرژانتین دوران پر مسئولیت تاریخ اجتماعی و سیاسی خود را ز سر میگذراند . تشدید تضاد در کشور موجب تقویت مبارزه خلق در راه تغییر سیاست کنونی گردید که از طرف امپریالیسم الیگارش ، زمینداران و سرمایه بزرگ وابسته که اهرم زندگی سیاسی ، اقتصادی ، اجتماعی و فرهنگی آرژانتین را در دست خود قبضه کرده اند تحمیل شده است .

یگانه راه نجات کشور بطریق دموکراتیک و ضد امپریالیستی از وضع موجود جلب همه قشرهای اجتماعی که نیروی بزرگی را در کشور تشکیل میدهند ، بمبارزه خلق بخاطر درهم شکستن دشمنان سنتی مردم آرژانتین است . اندیشه های آزادی ملی و اجتماعی الهام بخش اقدامات و مواضع قشرهای انبوه اهالی است که پس آمدهای بحران را تحمل کرده و تحمل میکنند .

حزب کمونیست آرژانتین برای توسعه نفوذ خود میان توده ها و ترویج آن میان گروههای اجتماعی جدید که در مبارزات سیاسی شرکت میکنند امکانات فراوان دارد . انجام این وظایف بویژه اکنون که حزب کمونیست آرژانتین در راه تحقق یکی از اهداف عمده خود یعنی تبدیل شدن بیک حزب توده ان واقعی ، گام برمیدارد ، حائز اهمیت است .

## در دفاع از دقت علمی مفاهیم

حمید صفری

دکتر د رعلوم اقتصاد ( ایران )

من در این بحث و بررسی می‌خواستم بمسئله مربوط به نقش قیاسی دهقانان و روشنفکران بمنزله متحدین طبقه‌کارگرا اشاره کنم . گاه چنین اظهار عقیده میکنند که بسبب افزایش سریع تعداد کارکنانی که بیشتر بکار فکری اشتغال دارند در سیاست اتحاد های طبقه‌کارگر مرکز ثقل از دهقانان به روشنفکران منتقل میشود . بنظر من این نادرست است . اتحاد کارگران و دهقانان هم در شرایط مبارزه در راه انجام دگرگونیهای دموکراتیک و اجتماعی بسود مردم وهم بهنگام ساختمان سوسیالیسم اهمیت حیاتی خود را حفظ میکند . این امر بهیچوجه با این واقعیت که اکنون به اهمیت شرکت توده های انبوه روشنفکران در این مبارزه افزوده میگردد تضادین ندارد . علاوه براین در برنامه حزب ما ، حزب توده ایران ، قید گردیده است که " خواسته های عینی مبارزه ضرورت اتحاد نزدیک با طبقه کارگر و زحمتکشان روستا را برای آنها هر چه محسوس تر میکند . "

بعقیده من هنگام اظهار نظر در باره اتحاد با روشنفکران نباید از تشریح اجتماعی و ترکیب بفرنج و نابرابر آن منصرف شد ، در غیر این صورت ابهام بسیاری پدید میآید . گاهی فرمولهای " اتحاد کار و علم " یا " اتحاد کار و فرهنگ " را بکار میبرند . ماهیت این شعارها چیست ؟ بنظر من مفاهیم " علم " و حتی " فرهنگ " بخش قابل توجهی از روشنفکران را خارج از چهارچوب اتحاد قرار میدهد . در واقع هم روشنفکران امروزه تنها در عرصه معنوی زندگی اجتماعی ( علم و فرهنگ ) بلکه هر چه بیشتر در رشته تولید و همچنین در رشته های مربوط به تجدید تولید نیروی کار " بهداشت ، آموزش و پرورش ، و غیره بکار اشتغال دارند . با اینوصف ماسخنی در باره اتحاد کار و آموزش و پرورش ، کار و بهداشت کار و مهندسان و غیره نمیکوئیم . علاوه براین در عرصه تولید کار فکری هر چه بیشتر به کار مزدی مبدل میشود . خود مفهوم " کار " هم بمنزله علامت طرف دیگر اتحاد موجب پیدایش سو تعبیرهای نظیر میشود . زیرا هم کارگران ، هم کشاورزان وهم خود روشنفکران ، یعنی درست همان طبقه ها و گروهها اجتماعی زحمتکشان کمی باید در اتحاد دگرد هم آیند ، ارائه دهند و نشان دهند کارانند . ممکن است در اینجامنظا و ضرورت فرا گرفتن علم و فرهنگ از جانب زحمتکشان ، کارگران و کشاورزان را در نظر داشته باشند ؟ پس در اینصورت مفهوم طبقاتی فرمولهای نظیر " اتحاد کار و فرهنگ " در چیست ؟ فکر میکنم این مسئله نیاز به شرح و توضیح دارد .

# پیروزی پایداری، دلیری و همبستگی

مردم در سراسر جهان و بمقیاس گسترده پیروزیهای درخشان خلقهای هند و چین و ویژه ویتنام را که بپیروزیهای امپریالیسم و ارتجاع داخلی شکست وارد آوردند و در جریان مبارزه از خود قهرمانی، پایداری و از خود گذشتگی نشان دادند با سرور و شادمانی بزرگتر کردند. دوازدهمین اجلاس هیئت مدیره سازمان همبستگی خلقهای آسیا و آفریقا که در ۱۷-۱۶ سپتامبر ۱۹۷۰ در مسکو برگزار گردید نخستین دیدار بزرگی نمایندگان محافظ گسترده سیاسی و اجتماعی و قاره بود که پیر از این پیروزی تاریخی انجام یافت. هیئت نمایندگی مجله که در این اجلاس دعوت داشت از نگوئن ایگوک، سخنانگ عضو کمیته مرکزی جبهه ملی آزادی ویتنام جنوبی و نونان سیدناسای دبیر کمیته همبستگی آسیا و آفریقا در لائوس که از شرکتکنندگان در اجلاس بودند خواهش کرد افکار و نظریات خود را درباره همبستگی این پیروزیها با مادیسمیان بگذارند و مسائل تازه ای را که در حان حاضر خلقهای آزاد شده هند و چین حل و فصل میکنند شرح دهند.

## پیروزی مشترک نیروهای انقلابی

نگوئن ایگوک سخنانگ

مردم ویتنام در نبرد شد و در آزادی ملی از کمک و پشتیبانی کشورهای سوسیالیستی برادر، کشورهای در حال رشد و نیروهای مترقی سیاره مایه بهره گرفتند. مبارزه ماجزئی از نبرد عظیمی است که انقلابیون سراسر جهان و از جمله نیروهای جنبش آزادی ملی انجام میدهند. پیروزی هم که مردم ویتنام بدست آوردند در حقیقت پیروزی مشترک تمام نیروهای انقلابی جهان است. ماکه به تجربه خود دریافته ایم، همبستگی بین المللی تا چه اندازه مهم و پرارزش است تصمیم قاطع داریم که هر چه از دستمان بر میآید برای کمک و پشتیبانی به تمام آنها ای که اینک در راه آزادی ملی مبارزه میکنند انجام دهیم.

بسیاری از خلقهای آسیا و آفریقا هنوز مبارزه شدید و درازمدتی بر علیه امپریالیسم، استعمار و نژادپرستی در پیش دارند. آنها با اتکا به همبستگی بین المللی میتوانند نیروهای خود را چند برابر کنند تا دشمنان را گام بگام بعقب راند و هنگامیکه اوضاع برای انجام انقلاب آماده میشود آنها را کاملاً نابود سازند. مبارزان راه آزادی در کشورهای آسیا و آفریقا دشمنان خود را خوب میشناسند آنها آموخته اند که باید در برابر دشمنان بسیار باشند و آنها بویژه باند از کافئ نیرومنسند و متحد اند که بدشمنان خویش پیروز گردند. تحکیم استقلال و حقوق حاکمیت ملی با حفظ صلح و امنیت در سراسر جهان، دفاع از ثروتهای طبیعی کشورهای خویش و تسریع پیشرفت های اقتصادی و اجتماعی



ارتباط ناگسستگی دارند . سرعت روند انقلابی در قاره آسیا و آفریقا افزود و دیگر در و این امر موجب تغییرات شایان توجهی در تمام سنین و سوره اسود صلح ، استقلال ملی ، دموکراسی و ترقی اجتماعی میگردد .

منطقه آسیای جنوب شرقی باید بمنطقه صلح ، استقلال و بیطرفی روی کره زمین مبدل گردد . بدین منظر باید تمام ارتش های بیگانه را از این منطقه بیرون برد ، تمام پایگاه های نظامی خارجی را برچید و سید رنگ بلوک نظامی تجاوزکار آسیا تو را ملغی ساخت . مردم ویتنام فعالانه از مبارزات خلقها و ولت های کشورهای حوضه اقیانوس هند بر علیه ایجاد پایگاه های نظامی امریکا در جزیره دیگو گارسیا که استقلال ، صلح و امنیت کشورهای این منطقه را تهدید میکند پشتیبانی می نمایند . ما میخوانیم ایالات متحده امریکابه استفاده از اسرائیل همانند نیروی ضربتی بر علیه خلقها و عرب پایان بدهد . اسرائیل باید تمام سرزمین های اشغالی اعراب را تخلیه کند . حقوق ملی قانونی مردم عرب فلسطین باید تمام و کمال اعاده گردد .

مبارزه مردم ویتنام جنوبی طی بیست سال اخیر و پیروزی که ما بدست آوردیم از یک طرف موجب تضعیف کلی نیروهای امپریالیستها و از سوی دیگر باعث تشدید همبستگی رزمندگان و نیروهای آزادی در کشورهای آفریقا و آسیا گردید . خلقهای ویتنام ، لائوس و کامبوج با آغازین ریزی زندگی نو به تکامل سنن وحدت و همکاری با خاطر حفظ صلح در آسیای جنوب شرقی ، آسیا و در تمام سراسر جهان با توجه و وقت ادامه میدهند . ویتنام جنوبی با علائق نزدیک وحدت با تمام کشورهای که علیه امپریالیسم دشمن مشترک خلقها ، مبارزه میکنند مربوط بوده و هست . از این به بعد ماهواره در کنار کشورهای سوسیالیستی ، کشورهای غیر متعهد و با تمام نیروهای استقلال طلب ، دموکراسی ، صلح و ترقی اجتماعی خواهیم بود . تمام نیروی مادران حاضر معظوف به مرتفع ساختن پیاپی آمد های سنگین جنگ تجاوزکارانه استعمار نو است که در هب سال بد را از کشید . این پی آمدها در تمام عرصه های زندگی از سیاسی ، اقتصادی ، اجتماعی تا فرهنگی واید ثلوزیک محسوس است .

ما میباید در زمانی بسیار کوتاه در دهه جا ارگانهای حکومت انقلابی را ایجاد کرده و مستقر سازیم ساختار سیاسی جدید را استوار کنیم و نظامی و ترتیب را در جامعه تثبیت نماییم . رژیم سابق و جنگ میلیون ها بیکار برای ما جاگذا داده اند که سربازان ارتش دست نشانده سابق ، افراد پلیس و عناصری که ماهیت با بقای خود را از دست داده اند در میان آنانند . حکومت جدید به مسئله تامین کار برای آنها عطف توجه خواهد کرد . ما مصمم هستیم کم کم تدابیر موثر گوناگون زندگی زحمتکشان را بهبود بخشیم . در برپوش شرکت فعال با بقیه کارگرو قشرهای میهن پرست اهالی کشور را انجام تمام این وظایف ، بتدریج جراحی را که جنگ به کشور وارد آورد هالتی خواهیم بخشید . عزم راسخ مردم و کم کم همه جانبه در استان ما امکان میدهند پروسه احیای کشور را به پایان رسانیم .

نو فان سید نامی

لائوس : حاکمیت برای نخستین بار در دست مردم

دورانی که امپریالیسم بر جهان حکومت میکرد بدون بازگشت سپری شد . نیروهای انقلابی معا صر

د نیای کهن را وادار به عقب‌نشینی در تمام جبهه‌ها میکنند. ولی علیرغم شکست‌های جبران ناپذیر —  
 امپریالیسم و ارتجاع بین المللی از هدف‌های نواست‌هماری و نیات سو<sup>۱</sup> خویش دست بردار نیستند .  
 بهمین سبب تشدید همکاری ، دوستی و همبستگی رزمنده خلیق‌های آسیا ، افریقا و سراسر جهان  
 و حفظ هشیاری همانند وظائف مبرم ما بجای خود باقی است .

مردم لا ئوس همین چند ی پیشتخت رهبری حزب انقلابی با القای حاکمیت نواست‌هماری امپریا<sup>۲</sup>  
 امریکا و دست‌نشانده گانز در سراسر کشور امریکا انقلاب ملی د موکراتیک را بپایان رسانیدند . انقلاب ما  
 در اثر تغییر تناسب نیروها بمقیاس جهانی بسود ترقی اجتماعی پدید آمد و پیروز شد .

مردم لا ئوس برای نخستین بار طی تاریخ د وهزارساله خود حکومت را بدست خویش گرفتند .  
 رژیم توده ای ملی — د موکراتیک پیروز شد . در حال حاضر<sup>۳</sup> یقه عمده ما عبارتست از تحکیم د ولت  
 جوان انقلابی د سراسر کشور . اگرچه بورژوازی کمپرادور ، فتودالها و بوروکراسی ارتجاعی و یا بعبارت  
 دیگر تمام کسانیکه د گذشته حکومت را در دست داشتند خلع شده اند ، هنوز مانند گذشته از خارج  
 بدردرجه اول از ایالات متحده امریکا کمک میگیرند . سردمداران نیروهای ارتجاعی لا ئوس که در تایلند  
 بسر میبرند و از پشتیبانی محافظ حاکمه این کشور برخوردارند ، میگویند دست با قدامتی بزنند که در  
 جهت واژگون ساختن حکومت انقلابی لا ئوس است . د مرزهای لا ئوس و تایلند آنها دست بمتحرکات  
 میزنند و به حریم هوایی کشور تجاوز میکنند . تمام این اقدامات با قبول و قرارهای د ولت تایلند مشعر  
 بر اینکه مصمم است به حق حاکمیت و استقلال کشور ما بیدیه احترام بنگرد د رضاد است .

د ولت ما با قاطعیت اعلام داشت که از سیاست مناسبات حسن همجواری با تمام کشورهای این  
 منطقه ، و از جمله با تایلند ، پیروی خواهد کرد . سیاست خارجی لا ئوس عبارتست از سیاست صلح ،  
 بیطرفی و استقلال . ما از مبارزات آزادی ملی خلیقها و از مبارزه در راه صلح و ترقی اجتماعی پشتیبانی  
 میکنیم . اهالی لا ئوس علاقه و محبت عمیقی به مردم کشورهای سوسیالیستی و به سیستم سوسیالیستی  
 دارند . بهمین سبب اهمیت شایانی که د ولت ما برای توسعه و تکامل مناسبات کشور ما با کشورهای  
 سوسیالیستی قائم است ، ثابت د رت میباشد .

لا ئوس در راه رشد غیر سرمایه داری گام نهاد . ما اینک سرگرم ساختمان پایه های اقتصاد ملی  
 خود هستیم که میتواند زمینه ای برای گذار جامعه ای آزاد از استثمار انسان از انسان باشد . اما  
 فعلا د اقتصاد ما بخش خصوصی هم د دردیف بخش دولتی و تعاونی وجود دارد . در حال حاضر  
 د کشور ما میزان معینی به بورژوازی ملی میدان داده میشود . بآ و مثال اگر عرصه بازرگانی خارجی  
 را که برای ما اهمیت فراوان دارد د ر نظر بگیریم اینک تحت نظارت د ولت انقلابی است ولی کاملاً ملی  
 نشده است . د برخی دیگر از عرصه های اقتصاد نیز ما با چنین منظره ای روبرو میشویم .

د ر روستاها نیز که ۹۰٪ از تمام اهالی لا ئوس را در بر میگیرد د گرونیهای گسترده ای صورت گرفته  
 است . اراضی مرتجعین ملی اعلام میشود . پیش از پیروزی کامل انقلاب ملی — د موکراتیک د مناطق  
 آزاد شده د سراسر کشور تعاونی های روستایی بر پایه اصول همکاری و کار مشترک با حفظ مالکیت  
 دهقانان بر زمین پدید آمد . این قبیل واحدهای کمک متقابل اینک در تمام نقاط ایجاد میشود .  
 ما این واحدها را نخستین مرحله اجتماعی کردن ( کلکتیویزاسیون ) اراضی بشمار میآوریم که پس از آنجا  
 آن سطح عالی تر از پیشرفت پدید میآید .

د ر رشته های آموزش و پرورش ، فرهنگ و هم داشت کارفرمایی د ر انتظار ما است . ولی در این عرصه  
 ما هم اکنون نخستین موفقیت ها بدست آمده است . این موفقیت ها نتیجه اقدامات ملی —  
 د موکراتیکی است که انجام گرفته است . د مدارس زبان مادری تد ریسر میشود . نسل جوان با فرهنگ

ملی خود آشنا میگردد و باروح میهن پرستی و عشق به میهن پرور می یابد . در گذشته فقط ثروتمندان به خدمات بهداشتی دسترسی داشتند . ولی امروز از بهداشت در جهت حفظ تندرستی همسره زحمتکشان استفاده میشود .

در رشته ایدئولوژی به روشن ساختن اختلافهای اصولی در سیستم اجتماعی گوناگون برای مردم توجه فراوانی مبذول میگردد . ما آنها میگوئیم سوسیالیسم یعنی بهترین سیستم اجتماعی برای خلقهای که از بیوغ ستم امپریالیستی رهائی یافته اند . جانشین جامعه سرمایه داری استثماری خواهد شد . در جریان کوشش برای علاقمند کردن اهالی لائوس به سیستم سوسیالیستی ما اندیشه های انترناسیونالیسم پرولتری و انقلابی را تبلیغ میکنیم .

هدفهای جنبش انقلابی جهانی برای جامعه ماهر در مفهوم تروندیک ترمیشود . تمام اینها موجب آن خواهد شد که روحیه انترناسیونالیستی در خلقهای کشور ما هر چه عمیق تر ریشه دواند . خلق ما که پیرامون حزب انقلابی متحد گردیده لائوس صلحدوست ، مستقل ، دموکراتیک ، بیطرف ، واحد و شکوفانی خواهد ساخت .

# از خرابکاری اقتصادی تا شورش فاشیستی

ارلان دو میلیاس

عضو کمیسیون سیاسی کمیته  
مرکزی حزب کمونیست شیلی

امپریالیسم و عناصر طرفدار فاشیسم هنگام تشدید فوق العاده بحران عمومی سرمایه داری که با بحرانهای تناوبی (سیکلیک) توأم است و در شرایط مقابله نیروهای دموکراسی و ارتجاع که از خصوصیات برخی از کشورهای است به شیوه‌هایی دست می‌زنند که در شیلی بمرحله آزمایش در آمدناست. بنظر ما بررسی این شیوه‌ها به جنبش‌های خلقی در مناطق مختلف جهان امکان می‌دهد از تجربه تلخ ما درس بگیرند.

رهبران سیاسی ایالات متحده آمریکا نقشه‌ای را که هدف نهایی آن برقراری دیکتاتوری فاشیستی در شیلی بود "بی‌ثبات کردن دولت پروزیدنت آندره از طریق بی‌ثبات ساختن اقتصاد" مینامیدند. کوشش برای تحقق چنین نقشه‌هایی نسبت به دولتهای دموکرات دیگر کشورها احتمالاً کم نیست به نتیجه برسد. اینکه چنین اتفاقی خواهد افتاد یا نه، پیش از هر چیز وابسته به سیاست اقتصادی است که رهبران نیروهای دموکرات نظاً می‌توانند وین کرده و بمرحله اجراء می‌آورد. بسیاری از خلق‌های منظم‌سور یافتن راه خروج از بحران در راه درگونی‌های بنیادی گام می‌نهند. به همین سبب مسائل اقتصادی در دوران گذار حائز اهمیت بسیارند. برخی تصورات باطل و اشتباهات معین انقلابیون در شیلی بدشمن امکان دادند به پیروزی دست یابند. روشن است که همه چیز رارشته اقتصاد حل نمی‌گردد. ولی میان سیاست پیشا‌هنگام انقلابی در عرصه اقتصاد و اقدامات آن در سایر بخش‌های مبارزه‌ای که نیروهای طرفدار امپریالیسم علیه نیروهای خواستار تغییر بناپذیری سیستم سرمایه داری بعمل می‌آورند ارتباط دیالکتیکی وجود دارد.

امپریالیسم آمریکای شمالی و الیگارشی شیلی همانقدر که مواضعشان تضعیف می‌گردد بر مقاومت خود می‌افزوند.

دولت خلق ضمن اجرای برنامه انقلابی خود صنایع فلزسازی و مس‌مان، موسسات بزرگ استخراج مس، شوره، آهن و ذغال سنگ را ملی کرد. دولت اداره امور ۱۶ بانک بازرگانی را بدست خود گرفت و به بیش از ۹۰ درصد عملیات قرضه و اعتبار نظاًرت می‌کرد. محدودیت فعالیت کمپانی‌های انحصاری بمعنی انتقال اختیارات ۷۰ موسسه بزرگ صنعتی: نساجی، آبجوسازی، الکترونیک و تولید فرآورد‌های مسی بدولت بود. اصلاحات ارضی با سرعت زیادی انجام می‌شد. در همان سال اول دو میلیون ونیم هکتار زمین از مالکان گرفته شده و بدفقانان واگذار گردید. این رقم برابرسر ۷۲٪ زمین‌های زیرکشتی بود که طی شش سال گذشته توسط دولت دموکرات مسیحی مصادف شده بود.

این جریان را که عبارت از یک جنبش گسترده توده‌ها بود طبقه‌کارگر رهبری می‌کرد. قشرهای

متوسط ( روشنفکران ، کارمندان و دارندگان حرفه آزاد ) بطور قاطع از کارگران حمایت میکردند . سرمایه داران کوچک که از کمک های فنی و وام و اعتبار سهیل الوصولی که دولت در اختیارشان مسمی گذاشت استفاده همیکردند موضع مثبتی اختیار نکردند . اما سرمایه داران متوسط به علامت اعتراض از گسترش نیروهای تولیدی امتناع ورزیدند . آنان خواستار تضمین وید ست آوردن سود های کلان بودند . با اینهمه آنها هم برای بر آوردن تقاضای بازار فروش تولید محصولات را افزایش دادند . در نتیجه حجم تولیدات صنعتی در سال ۱۹۷۱ نسبت به سال ۱۹۷۰ ۱۲۱٪ ( در رشته های استخراجی ۵۷٪ ) ، در کارهای ساختمانی ۱۲۲٪ و در رشته فرآورد های کشاورزی و ماهیگیری ۶٪ افزایش یافت . محصول ناخالص ملی در این مدت تا ۸۵٪ بالا رفت .

تجربه نشان میدهد که بدون زیان رساندن به اقتصاد میتوان موسسات رشته های کلیدی را ملی کرد ، محیط فعالیت سرمایه انحصاری ملی و خارجی را محدود ساخت و بدین نکته پی برد که در گونیهایی بنیادی در ساختار ( استروکتور ) نه فقط موجب کاهش تولید نمیشود ، بلکه بعکس به رشد سریع آن کمک میکند . درباره جنبه سیاسی این مسئله میتوان گفت رشد عناصر سوسیالیسم در جریان انقلاب دموکراتیک مانعی در راه حفظ ائتلاف گسترده ضد امپریالیستی و ضد الیگارشیک بوجود نیامد . به همین سبب هم امپریالیسم تمام اقدامات ممکن را برای متحد ساختن ملاکان و انحصار دارانی که مصادره شامل حالشان شده بود بانجام رسانید تا با استفاده از اشتباهات نیروهای دموکرات نقشه بی ثبات ساختن اقتصاد را عملی کند .

مبارزه اقتصادی ، اجتماعی و سیاسی در درجه اول بسبب ملی شدن صنایع بزرگ استخراج مسمی در گرفت . در فاصله زمانی از انتخاب آئند ه بریاست جمهوری تا واگذاری معادن و موسسات صنعتی " چوکی کاماتا " ، " اکروتیکا " ، " پوتره ریگوس " ، " ال - سانوادر " ، " آندینا " و " ال - تنینته " بدولت انحصارهای امریکائی به خرابکاری در رشته تولید پرداختند ، گومه های بزرگی از سنگ مسمی نامرغوب در معادن بوجود میآوردند که استخراج مسمی را دشوار میکرد ، از منابع غنی مواد معدنی غارتگرانه بهره برداری میکردند ، انبارهای لوازم بدکی را از زمین میبردند ، از تعمیر ماشین ها و دستگاه های مختلف خود در ان نموده و آنها را خراب میکردند .

مبارزه در معادن بزرگ مسمی به موسسه های متوسطی که بخش بزرگی از آنها به الیگارشیک مالسمی طرفدار امپریالیسم تعلق داشت کشانده شد . صاحبان آنها میکوشیدند هر قدر ممکن است فلز با کیفیت عالی بحساب تخریب معادن بچنگ آورند .

طبقه کارگر ، مهندسان مبین پرست و دولت توده ای موفق شدند بی آمد های خرابکاری در صنایع بزرگ مسمی را کاهش دهند . ولی در موسسات متوسط موفق به بدست آوردن چنین نتایجی نشدند .

تمام اینها حاکی از خطر عظیمی است که میتواند پدید آید ، هرگاه پیش از اعلام ملی کردن و بیادار جریان تحقق آن پیشگیریهای موثری بر ضد خرابکاری و در دفاع از منافع کشور بعمل نیاید .

نتایج مبارزه برای مسمی ، اگر چه نمیتوانست بهتر باشد ، بطور کلی بد نبود . مثلا ، اگر می——زان استخراج در معادن بزرگ در سال ۱۹۶۸ به ۵۱۹ هزار تن ، در سال ۱۹۶۹ به ۵۴۰ هزار تن و در سال ۱۹۷۰ به ۵۴۰ هزار تن میرسید ، در سال ۱۹۷۱ یعنی چهار سال بعد از اعلام ملی کردن استخراج مسمی این مقدار به ۵۷۱ هزار تن و در سال ۱۹۷۲ تا ۵۹۳ هزار تن رسید . ولی احیای تولید مسمی در موسسه های متوسط و کوچک امکان پذیر نشد : میزان استخراج که در سال ۱۹۶۸ ، ۱۳۷ هزار تن در سال ۱۹۶۹ ، ۱۴۷ هزار تن و در سال ۱۹۷۰ ، ۱۵۱ هزار تن بود ، در سال ۱۹۷۱ تا ۱۲۷ هزار تن و در سال ۱۹۷۲ تا ۱۲۴ هزار تن تنزل کرد .

درد و رانی کهد ولتخلق حکومت میکرد میان زحمتکشان صنایع استخراج مس، بظور کلی روحیه میهن پرستانه و انقلابی حکمروا بود. اما مبارزه سهل و آسان نبود. زیرا صاحبان قدیمی معادن از راه تطبیع موفق شدند بخش عقب ماندۀ کارگران را بطرف خود جلب کنند و مدام در کار تولید موانعی بوجود می آوردند. آنها با ادا امعالمیات خرابکارانه بر علیه دولت خلق، در معدن "چوکی کاماتا" به اختلاف و مشاجره که سرهپندی کرد بودند، دامن زدند. در سال ۱۹۷۳ اعتصاب دراز مدت در بخش شی از کارخانه مختلط "ال-تنینته" راه انداختند و شرکت کنندگان در اعتصاب را وادار به پیش کشیدن خواسته های نامتناسب کردند. متاسفانه همه زحمتکشان بموقع درنگ نکردند که بر حرارت ترین افراد مطرح کنند. این خواسته ها در واقع همان کسانی بودند که در گذشته سازشکار، اعتصاب شکن و عامل امپریالیسم در صفوف سابقه کارگروه اند.

با اینهمه گوشه های امپریالیسم بمنظور اخلاص در امر تولید مس با شکست روبرو شد. درد و ران حاکمیت پرزیدنت آئندۀ میزان تولید مس از هر زمان دیگری در گذشته بیشتر بود. اما جبهه مبارزه تا عرصه بسیار مهم فعالیت دولتمانند فروش بازرگانی مس استخراج شده و بازرگانی خارجی بطور کلی نیز کشانده شد.

محاصره اقتصادی سلاح تجار و کارخانه امپریالیسم است که از آن باشکال گوناگون بر ضد کشورهای که در راه استقلال خویش مبارزه میکنند استفاده میکنند. هدف آن عقیم گذاردن تدابیر اقتصاد دولت های مترقی است ( یکی از بزرگترین شکست های امپریالیسم، که از نظر اهمیت خود همطراز با سرکوبی خرد کننده مزدوران یانکی در خلیج کویچینوس است، این بود که مردم کوبا توانستند در برابر محاصره ایالات متحده آمریکا ایستادگی کرده و آنرا بهم ززند ).

نسبت به شیلی بطور عمدۀ محاصره مالی اعمال گردید. صادرات فرآورده های صنایع بزرگ استخراج نفت که ۶۰٪ کل صادرات کشور بود با ۸٪ محصول غیر خالص ملی برابر میگردد و سهم آن در مجموع کل درآمد مصرفی برای بودجه تقریباً به ۲۰٪ میرسد. نامساعد شدن شرایط مبادله بازرگانی بسبب تنزل بهای مس در بازار جهانی و افزایش بهای کالاها شیلی بدانها نیاز داشت ( محصولات کشاورزی، نفت، فولاد، کوب، قطعات یدکی و ابزار آلات صنعتی ) وضع دشواری بوجود آورد. محاصره مالی در چنین اوضاع احوالی بویژه خطرناک میشد.

بهای متوسط مس در بازار جهانی در سال ۱۹۶۸ مساوی با ۶۱۱ سنت برای یک فونت، در سال ۱۹۶۹، ۶۶۵ و در سال ۱۹۷۰، ۶۴۱ سنت بود. در سال ۱۹۷۱ این قیمت تا ۴۶۲ سنت و در سال ۱۹۷۲ تا ۴۸۵ سنت کاهش یافت. درک این مطلب آسان است که چنین تنزلی برای کشوری که موازنه بازرگانی آن تقریباً همیشه کسری داشت، و به متعادل ساختن موازنه پرداختهای خویش فقط بحساب جلب سرمایه و اعتبار امپریالیست های آمریکا شمالی یا سازمانهایی که تحت کنترل ایالات متحده آمریکا بودند ( مانند بانک بین امریکائی پیشرفت، بانک صادرات - واردات بانک بین المللی عمران و توسعه، بنیاد ارزی بین المللی و غیره ) موفق میگردد، چه عواقبی در پی داشت. شیلی برای ادای قرضه خارجی خود مجبور بود سالانه بیش از ۴۰۰ میلیون دلار ( یکی از عظیمترین مبالغ بمنسبت سرانه اهالی در جهان ! ) بپردازد. سنگینی بار این قرضه بخصوص در زمانی آشنا گردید که سازمانهای بین المللی که از آنها نام بردیم پس از سرکار آمدن دولت پرزیدنت آئندۀ ازواگذاری اعتبار تازه به شیلی امتناع کردند.

واردات ۱۵٪ محصول ناخالص ملی را تشکیل میداد و معمولاً بیش از صادرات بود. ۳۷٪ واردات از ایالات متحده آمریکا بود. از آنجا بطور عمدۀ قطعات یدکی وارد میشد که کارکشوریون آنها نمیکدشت محاصره مالی بمعنی قطع اعتبارهای کوتاه مدت و تخفیف امتیازهای بانکی برای خرید کالا بود.

بهای کالا های خریداری شده از آمریکا بمقدار زیاد ی افزایش یافت . کمی در برترتحویل محصولات ضروری حیاتی ، با آنکه بهای آنها پیش پیش پرداخت شده بود ، بکلی متوقف گردید . نه تنها ایالات متحده آمریکا ، بلکه دیگر کشورهای سرمایه داری ، مانند فرانسه و آلمان هم کالا های شیلی و حسابهای بانکی را تحریم و توقیف کردند .

خطر رسیدن این عدم امکان پرداخت وسیله اعتبارهای کوتاه مدت پدید آمد که با در نظر گرفتن وابستگی شیلی از بازار خارجی میتوانست عواقب وخیمی در برداشته باشد . راه حلی که بنظر میرسید ، تغییر در ترکیب بازرگانی خارجی ، تجدید سازمان کامل آن و برقراری روابط بازرگانی با کشورهای سوسیالیستی ، کشورهای امریکای لاتین و اروپای غربی بود . شیلی در دشوارترین لحظه ها تنها در پرتو کمک های اتحاد شوروی ، جمهوری دموکراتیک آلمان ، کوبا و سایر کشورهای سوسیالیستی توانست ایستادگی کند . دشوارترین دوران از او آخر سال ۱۹۷۱ تا نیمه دوم سال ۱۹۷۳ بود .

تمام اینها گواه بر آنست که سنگبری یک جانبه بازرگانی خارجی بسوی ایالات متحده آمریکا و وابستگی تکنیکی نهنها برای غارت کشور امکان فراهم میآورد بلکه اقتصاد آنرا نیز سخت متزلزل میسازد . در همین حال معلوم شد که با پدید آمدن تناسب جدید نیروها در جهان ، حتی چنین اقتصاد آسیب پذیر و پذیر ، مانند اقتصاد شیلی را نمیتوان دچار اختناق کرد ؛ دورانی نبود که شیلی کالا های ضروری را در اختیار نداشته باشد . کشورهای سوسیالیستی در تمام رشته های اقتصاد بموقیعت های عظیمی نائل گردیدند ، و همین بدانها امکان میداد به قربانیان محاصره اقتصادی امریالیستی کمکهای موثری بکنند . در چنین اوضاع و احوالی ، کشوری که در راه آزادی و ترقی خود مبارزه میکند همچنین امکان دارد با استفاده از تضاد های ویژه سرمایه داری بازرگانی خارجی با جهان سرمایه داری راهم درگون ساخته و تغییر داد .

اتخاذ یک سیاست اقتصادی و تحقق آن بوظیفه صده دولت خلق میدل گردید . دولت میبایست شیوه ها و سرعت این درگونی را معین کند و در همین حال جریان عادی امور اقتصادی را در دوران گذار تامین نماید .

امریالیسم فقط بمحاصره اقتصادی اکتفا نکرد . او میکوشید ملی کردن صنایع استخراج سر را با شکست روبرو سازد و با انجام اقدامات بشمارد زمان واحد به جنگ واقعی بر علیه مردم شیلی در داخل کشور دست زد .

پرزیدنت آئنده از همان نخستین روزهای فعالیت خود با مقاومت شدید مخالفان الیگارش مالسی برخورد کرد . در موسسات انحصاری تمام مسانی که برای رشد تولید و حتی حفظ آن در یک سطح ثابت بعمل میآمد نقتز برآب میشد . صاحبان موسسات در راه جریان عادی پرورسه تولید موانع گوناگون بوجود میآوردند ، کیفیت محصولات را روز بروز بدتر میکردند . موجبات انتقال ارز بخارج از کشور و فراهم آوردن و باحتکار سرمایه ی پرداختند . ولی با بقه کارگرو مردم هشیار بودند . زحمتکشان کمیسیون هائی برای رسیدگی به تهی کاری های اقتصادی ایجاد میکردند ، تظاهراتاتی با تقاضای عادی ساختن اوضاع برپا میکردند ، و اگر از این اقدامات نتیجه ای گرفته نمیشد ، از طریق اتحادیه های کارگری بد و لست پیشنها میکردند تا ابراداری اتخاذ کند که خود موسسات ما مور انجام آنها باشند . در نتیجه بسیج توده ها که خصلتی مبارز و متحد سازنده داشت ، بخش دولتی اقتصاد ایجاد گردید و میزان تولید آشکارا افزایش یافت .

اقدامات خرابکارانه اغلب در جریان عمیاتی بروز میکرد که هدف از آنها گسترش احتکار بمقیاس وسیع ، کاستن از ارزش و اعتبار اسکود و عنوان کردن خواسته های اپورتونیستی بود . در شهرهای مختلف امریکای لاتین با جه و صند و قهای ویژه ای گشوده بودند که اسکود و راه بهای بسیار نازل

به جهانگردانی که عازم شیلی بودند میفرخواستند . بدین ترتیب صد ورقاچاق فرآورده های شیلی به کشورهای همسایه آغازگردید . به احتکاردر نخستین ماهها از طرف الهام دهندگان بی ثباتی دامن زد همیشه ، ولی بزودی ، یعنی زمانیکه معلوم شد کارسودآور است ، " خود بخود گسترش یافت " و به جاذبه ای برای جلب سرمایه آزاد محافل مالی که در نتیجه ملی کردن کنترل بر اقتصاد کشور از دست داده بودند مدخل گردید . پیر از یکسال تب احتکار تا همان مقیاس بالا گرفت که مورد نظر طراحان و الهام دهندگان آن بود و بازار سیاه عظیمی ایجاد گردید .

در برخی از پلنوم های کمیته مرکزی و در کنفرانس ملی حزب کمونیست شیلی مسئله مبارزه در راه رهبری انقلابی اقتصاد ، به وریکه تحکیم پایه های اجتماعی دولت خلق را تامین کند به ویژه مورد بررسی قرار گرفت . طبقه کارگران شعار کمونیستها " نبرد در راه تولید " استقبال کرد . باشکرت فعال جوانان ساعتکار روزانه دواطلبانه که روزوشب انجام میگرفت آغاز گردید . جنبش توده ای مبارز با احتکارید آمد . کمیته های تهیه و تجهیزونه ارت بر قیمت ها که در راه بحال عادی بازگرداندن خرید و فروش اشیا مورد نیاز اولیه مبارزه میکردند و از حقوق معین اداری برخوردار نبودند در بخش های مختلف و محل سکونت افراد ایجاد شد . به هزاران کارگرمست با زرسی در اداره امور صنعتی و بازرگانی واگذار گردید . بدین ترتیب ساختار قدیمی اداره روائی ( بوروکراتیک ) درهم شکسته میشد . ولی ارگانهای اقتصادی و ولتی بعلمت ناتوانی خویشتر ( مرکز واحد رهبری و اداره اقتصاد فقط اسما وجود داشت ) قادر به پیروی از این سیاست درست نسبت باین عملیات توده ها نبود .

در نقطه مقابل سیاست اقتصاد انقلابی گرایش های اپورتونیستی پدید آمد که بصورت پشتیبانی نمایدگان این گرایشها از سنت های آمار شستی و سیاست بازی بورژوائی بروز میکرد . آنان از روش گذشت نسبت به " اکونومیسم " بی بند و بار ( البته زیر سرپوش جمله های انقلابی ) پشتیبانی میکردند . نسبت بمبارزه در راه افزایش تولید و بازدهی کاری اعتنا نبودند و ضرورت کار طبقی برنامه را کم به امید اعتقاد فوق العاده به جریانهای خود بخودی و ولونتا ریسیم ، برخوردار ساد و لوحانه به معضلات مالی سپهانگاری در برابری تورم لگام گسیخته و محف بازی که پایه آنرا منافع محدود گروهی تشکیل میداد ، از خصوصیات آنان بود .

حزب کمونیست شیلی در درجه اول مسئولیت خود را در مقابل تمام این پدیده ها تا ناکید میکرد . این حزب ناتوانی خویش را نسبت به " تشریح کمونیست آشکار نظریات اصولی طبقه کارگر بر حسب ضرورت " با برخوردی انتقادی ارزیابی کرد و یاد آورد که " مباحث و مذاکره میکردیم ، موضع طبقاتی خود را در سطح رهبری حزب تشریح میکردیم . ولی این کار در " یائین " میان مردم باندازه رضایت بخش انجام نمیشد . در حالیکه چنین اقدامی میتواند از اشاعه انقلابیگری خرد و بورژوائی که بوجدت سوسیالیست ها و کمونیست ها و بی تمام پیروسه انقلابی زیان وارد آورد جلوگیری کند " ( ۱ ) .

برخورد آمیخته با تحمل و شکست نسبت به اپورتونیسم بید رنگ در اقتصاد کشور تاثیر کرد . طی یکسال اول فعالیت دولت خلق محصول ناخالص ملی ۸۵٪ و مصرف ۱۳٪ افزایش یافت ، در نتیجه واردات کالاهای نیمه آماده و آماده ۲۲٪ بالا رفت . وضع بحرانی موازنه بازرگانی بینهایت شدید شد . نواقص موجود در رهبری و اداره امور صنایع بدانجا کشانده شد که فعالیت اتحادیه های موسسات دولتی در ارتد شواریهای فرازان مالی ، علیرغم مبارزات مجدانه حکمشان بمنظور سالم سازی محیط و وضع تولید ، نامنظم و مختل گردید .

۱ - رنه - کاستیلو - در سهاود ورنمای انقلاب - رجوع شود به " مسائل صلح و سوسیالیسم "

( بزبان روسی ) شماره ۷ سال ۱۹۷۴ ، صفحه ۶۱ .



از ۳۱ دسامبر سال ۱۹۷۰ تا آخر سال ۱۹۷۱ به ذخیره پولی مردم از ۷۷۱۰ تا ۷۷۸۰ میلیون اسکود و به مقدار پول در گردش ( اسکناس و سکه ) از ۵۲۲۵ تا ۱۰۴۰۰ میلیون اسکود و افزوده شد . در اثر تورم مداوم در آستانه ۱۱ سپتامبر ۱۹۷۳ مقدار پول اسکناس و مسکوکات در گردش به حد ۶۳۸۲۵ میلیون اسکود و مجموع پولهای که در دست مردم بود به ۱۳۱۲۲۵ اسکود و بالغ گردید . در این هنگام کسری بودجه ملی به ۴۷۳۱۰ میلیون اسکود رسیده بود .

همه اینها معلول نتیجه عالی چند بود . اگرچه " اگنومیسیم " در این میان نقش بسیار مهمی ایفا کرد ، تمام مسائل بدان منحصر نمیشد ( ۱ ) . گسترش بیحد و حساب بخشد دولتی ( برخلاف مشی سیاسی برنامه اساسی دولت خلق ) و اجتماع کردن مؤسسات کوچک و متوسطی که بسیاری از آنها سود آور نبود بنوبه خود تا شرمقی معینی بر فعالیت اقتصادی دولت باقی گذاشت . تعالیمات برابری طبیعی و مناسبات خصمانه به کارشناسان و متخصصین ، وجود حالت نگرانی و بیم و هراس در قشرهای متوسط که از خطر افتادن منافع اقتصادی و سیاسی خویش بیمناک بودند نیز در این جریان موثر بود . کشاورزی نیز دستخوش بحران گردید . به مصادره اراضی مالکان توجه کافی نشد ، میزان مزد ها و حقوقهای روستاها برای همگان یکسان بود و سهم افراد در ربروسه کار تولید توجه نگردید ، با قشر های گسترده کشاورزی ، از جمله بر سرگذران ( *Asentamientos* ) به مراکز تحقق اصلاحات ارضی و بازرگانی بدین علت که اختلافات اجتماعی میان کشاورزان و کارگران صنایع در نظر گرفته نمیشد مناقشه و اختلاف در گرفت . بمسئله استحکام اتحاد کارگران و دهقانان بعد ر کافی توجه نمیشد . تورم برای ارتجاع در عملیات خرابکارانه اثر منفی و ر جلوگیری از تثبیت وضع اقتصادی کشور بمنزله عمدترین برگ برنده بود . اما گویی انقلابیون شیله این سخنان لنین را درباره پروسه تورم از یاد برد و بودند که : " همگان بر این معترف اند که انتشار اسکناس بدترین شکل فرصه اجباریست و که تورم از همه بیشتر درست وضع کارگران یعنی تهیدستترین بخش اهالی را بدتر میکند و در ریسر و سامانسی مالی عمده ترین شرآست " ( ۲ ) .

بزرگترین نقض رهبری انقلابی این بود که با سیستم اشتراک غیر مستقیم کارگران در اداره امور موسسات موافقت کرد ، زیرا بر اساس این سیستم کارگرانی که بعضویت ارگانهای سندیکاها برگزیده شده بودند ، نمیتوانستند در دستگاره های اداری شرکت کنند . این امر جنبش سندیکائی را تضعیف میکرد و شرکت باقی کارگران در حل مسائلی که پیش میآمد دشوار میساخت . سازمانهای یگانه توده ای برای دفاع از دستاوردهای انقلابی ایجاد نگردید . تعرض تمرکز یافته افراطیون راست که با پشتیبانی عناصر چپ تمامانجام میگرفت با مقاومت لازم روبرو نگردید ، مقاومتی که فقط در صورت تحکیم دایمی پایه اجتماعی دولت خلق و مواضع و حاکمیت آن میشد ابراز کرد .

ارتجاع در مبارزه بر ضد دولت از تمام وسائل تاکتیکی ممکن استفاده کرد . ارتجاع نه تنها با نیرو های خود دست بحمله میزد بلکه اقدامات عناصر نارشیست را هم دامن میزد و ترغیب میکرد . افراطیون های راست از هر شعاری که برای واژگون کردن دولت خلق و در رجه اول کنار گذاردن کمونیست ها از آن ، داد میشد پشتیبانی میکردند . آنها از کوچکترین نقض و اشتباه در کار ائتلاف چند حزبی وحدت خلق استفاده میکردند و از کسانی که با مواضع دموکراتیک و حتی سوسیالیستی کمونیست ها مخالفست میوزیدند و میکوشیدند با حملات و کلمات پر از مظاران افکار عمومی را از واژگان افکندگی کثرت مبارزه منحرف نمایند . حمایت میکردند .

۱ - از روش پسر کشیدن خواستهای غیر منطقی و بیجا هم اپورتونیست های راستگرا و هم چپ های افراطی و در برخی از موارد هم عمان شناخته شده در شمن استفاده نمیکردند .  
۲ - لنین ، مجموعه کامل آثار ( بزبان روسی ) ، جلد ۴۴ ، ۱۸۷ ، ۴۴ .

برای قضاوت درباره رفتار و کردار نیروهای سیاسی در چین نبرد بغرنجی نبه گفتار بلکه به کردار آنها باید توجه کرد . در اینجا باید بین مناسبت نمیتوان سخنان لنین درباره جملات انقلابی را که ارتباط مستقیم با رویداد های شیلی دارد خا ا نشان ساخت ، لنین نوشت : " جملات انقلابی اکثر اوقات بیماری احزاب انقلابی در اوضاع و احوالی است که این احزاب بطور مستقیم و یا غیر مستقیم به ارتباط ، وحدت و یا گرد هم آئی عناصر پرولترو خرد ه بورژوا جا مه عمل میبوشانند و در عین حال جریان رویداد های انقلابی در گرونی های عظیمی و سرریعی را نشان مید هد . جملات انقلابی تکرار شعار های انقلابی بدون درنه رگرفتن شرایط عینی ، در جریان در گرونی مشخص رویداد ها و وضع مشخص و معین موجود است . شعار عالی ، جالب و سر مست کننده است - اما زمینه آنها خالی است - ، این است سرشت و ماهیت جملات انقلابی " ( ۱ ) .

با ۵ مه اینهاد ولت خلق در جبهه گسترده فعالیت های خویش موفقیت هایی بدست آورد . در اواسط سال ۱۹۷۳ سیاست اقتصادی واحدی تهیه و تدوین گردید . دولت در جریان تنظیم برنامه اقتصادی سال ۱۹۷۴ اداره امور صنایع را منظم کرد . ضربه منهدم کننده آن به محتکترین وارد ساخت ، در کمون های گوناگون مراکزی بران توزیع اشیاء و مواد ضروری اولیه ایجاد کرد و بسه تشکیل شعبه های محلی اداره صنایع و بازرگانی که سازمانهای توده ای نقش فعالی در آنها داشتند پرداخت . دولت به ایجاد در گرونیهای مثبت در عرضه تولید و کشاورزی ناخال آمد و جریان کارهای مربوط به بکار انداختن موسساتی را که بکمک کشورهای سوسیالیستی ساخته میشدند تسریع کرد . موفقیت های بدست آمده در رشته های اجتماعی هم در پیشرفت اقتصاد کشور تاثیر مثبت داشت . آموزش در مدارس ۹۹٪ کودکان ۶ تا ۱۴ ساله را در بر میگرفت ، تعداد دانش آموزانی که دوره دبیرستان را با پایان میرساندند ۱۸٫۲٪ افزایش یافت و تعداد دانشجویانی که دانشکده های مختلف را تمام میکردند هر ساله ۳۴٫۹٪ افزوده گردید ، از مرگ و میر کودکان در نتیجه انجام برنامه توزیع پنجاه میلیون لیتر شیر در سال میان کودکان و زنان باردار ارشد تکا بسته شد ، تعاونی ها ی روستایی ایجاد گردید که ۳۵٪ از اراضی را که قبلا به لا تیفوند ها تعلق داشت برای استفاده جمعی در اختیار خود گرفتند . ولی دشمن با است فاده از عدم ثبات موجود در اقتصاد بشدت هر چه تعاملر به اخلا لگری و ایجاد موانع پرداخت که تشکیل اعتصاب صاحبان و وسایط نقلیه موتور و مغازه داران برخی از اتحادیه های کارگران و بخشی از کارگران معادن سر یا کمکه مالی سیا ، از جمله آنها است . این اقدام اخیر مقدمه شور هی فاشیستی بود .

تجربه شیلی نشان مید هد که در برابر دشمنی که از هیج اقدامی فرو گذار نمیکند نباید وقت را تلف کرد و منتظا ر این نشست که چه وقت فعالیت های تولیدی بحال عادی بر میگردد ، حزب طبقه کارگر بهم بچود نه باید حل مسئله رهبری اقتصاد را به بعد موکول نماید . برای انجام در گرونیهای انقلابی که با تغییرات ساختاری و تحکیم کوچکترین موفقیت بدست آمده تطابقت داشته باشد باید تدابیر قاطعی اتخاذ کرد . فقط بدین ترتیب میتوان رهبری موثر و ثمربختر اقتصاد را که با ارتباط نسزدیک با توده ها ی کارگرو تمام مردم جا مه عمل میبوشد ، تامین نمود .

تلیخات امپریالیستی چندین ده سال است باشکان گوناگون دعوی میکنند که کمونیست ها برای ایجاد وضع انقلابی گویا میکوشند در کشورهای خود بحران اقتصادی بوجود آورند . و گویا " هر چه بدتر ، همانقدر رسم تر " شعار آنهاست . این اتهام عجیب و ناروا را احزاب کمونیستی که در همه جا و همیشه

با از خود گذشتگی در راه حقوق و منافع طبقه کارگرو تمام مردم مبارزه میکنند ، با فعالیت خویش تکیه بر خود میکنند . بعکس ، همانطور که تجربه شیلی نشان میدهد این محافل امپریالیستی هستند که برای قرار گرفتن در برابر انحصارهای بزرگ بین المللی با کمک سیاهپنناگون عامدانه متزلزل کردن پایه‌ها اقتصاد کشور ستم‌نیزند تا بدین ترتیب از آن اعتبار دولت‌های خلقی بکاهند و راه را برای ارتجاع سیاه‌فاشیسم هموار سازند .

ولی ما باید بگرتکار می‌کنیم که پیروزی دشمن در شیلی مقدّر نبود ، چنین امری به هیچ وجه برای سایر کشورهایی که در آنها پیروسی‌های اجتماعی - سیاسی نظیر جریان دارد اجباری نیست . سخن بر سر آنست که امپریالیسم از نقض‌ها و اشتباه‌های رهبری انقلابی بسود خود بهره گرفت .  
حکومت استبدادی که در نتیجه شورش فاشیستی در شیلی برقرار گردیده اقتصاد کشور را تا حد کامل با دیامیک پیروسیه ضد انقلاب ، به بحران بیسابقه‌ای کشانده است . شاخه‌های تولیدات صنعتی و کشاورزی بشدت تنزل میکنند . کسری موازنه پرداخت‌ها تمام رکورد ها را پشت سر نهاده است . وضع روز بروز بدتر میشود . وزیر دارائی خونتابا اعلام اینکه در کشور به وعده " علاج بکمک نونک " اعمال میشود تازه ترین تفسیرها را در بار منابع مانپهای کنونی اقتصاد کشوریان داشت . به عبارت دیگر تورم فوق العاده رکود در تمام رشته‌های تولیدی ، فقر بی اندازه طبقه کارگر ، کشتنار جمعی بوسیله گرسنگی ، ورشکستگی قشرهای متوسط ، الفحای رشته‌های خدمات - اینها همه یکسان دید فراقعیب میکنند و آن اینکه شیلی را به " سرزمینی سوخته " تبدیل سازند که روی آن تجا و زارترین و آژمندترین گروههای مالی که فاشیست‌ها را بحکومت رسانده اند بتوانند با سرمشق گرفتن از هونگ کنگ و تایوان معاملات خود را در باصطلاح محیطی شسته رفته انجام دهند ( ۱ ) . دیکتاتوری شیلی قادر بر انجام وظایف سازنده نیست . این رژیم تنها میتواند خراب کند .

از این رو است که احزاب وحدت خلق شعار مبارزه در راه سالم سازی اقتصاد ، سیستم پولسی مستحکم ، پیشرفت تولید ، ملی کردن صنایع استخراج مس ، اصلاحات ارضی ، ایجاد بختر دولتسی اقتصاد ، شرکت طبقه کارگر در رهبری فعالیت‌های تولیدی را بمنزله هدف برنامه ای جنبه میهن - پرست ضد فاشیست و وظایف دولتی که بجای خونتابا فاشیستی زمام امور را در دست خواهد گرفت ، مطرح میکنند . اما بران برقراری نظام و ترتیب در اقتصاد شیلی و کشودن راه بروی نیروهای دموکراسی ترقی و سوسیالیسم پیش از هر چیز باید رژیم فاشیستی را نابود کرد .

۱ - " مدل " اقتصادی که از طرف ایدئولوگ‌های باصطلاح " مکتب شیگاگو " به رهبران خونتابا نظامی توصیه شده وجود " بازار آزاد " ، صادرات و واردات نامحدود و صادرات آزاد از خارجی را لازم می‌شمارد . در ضمن باید در نظر داشت که اقتصاد هونگ کنگ و تایوان بحساب سرمایه گذاری خارجی پیشرفت میکنند و کاملاً وابسته به انحصارهای امپریالیستی است .  
( توضیح هیئت تحریریه )

# روشنفکران در جامعه سوسیالیستی

بروتیسلاو گولمبوسکی

جامعه شناس لهستانی

تجربه لهستان از جمله این نکته را تایید میکند که اتحاد طبقه کارگر و روشنفکران بسیاری گذرا و پیاپی و انکشی در برابر مسئله مبرم روز نیست. این وظیفه درازمدتی است که در جریان تحقق رسالت تاریخی پرولتاریا تا ساختمان جامعه کامل کمونیستی ادامه دارد. این امر امروزه در جریان ساختمان جامعه سوسیالیستی پیشرفته در کشور ما که هفتمین کنگره حزب متحده کارگری لهستان مرحله مهمی از آن خواهد بود، مسئله مبرم روز است. جمع بندی و درک تجربه های گردآمده منبع مملکتی برای تکمیل نظریه اتحادها و طرح ریزی سیاست مستند و موثری بوسیله کمونیست ها است.

انقلاب سوسیالیستی با تبدیل روشنفکران از نیروی مزدور سرمایه به نیروی واقعا خلقی و آگاه تمام خلق به گسترش و تعمیق اتحاد آن با طبقه کارگری نجات مدور در برابر آن افق های تازه ای برای فعالیت میدگناید. حزب متحده کارگری لهستان حزب طبقه کارگراست. اما در عین حال همچنانکه رفیق گرگ ضمن سخنرانی خود در یلنوم سیزدهم کمیته مرکزی حزب متحده کارگری لهستان (سال ۱۹۷۴) یادآور شده «ما همچنین حزب روشنفکران لهستان هم که در جنبش انقلابی ما همواره نقش مهمی ایفا کرده، هستیم. روشنفکران ما که از میان مردم برخاسته اند و در لهستان توده ای تعلیم و تربیت یافته اند با اندیشه و تفکر خود با حزب و با سوسیالیسم بهم پیوسته اند. اکثریت بزرگی از روشنفکران در تولید شرکت میجوید و به نزدیکترین وجهی هر روز با طبقه کارگر همکاری میکنند. ما به تحکیم نقش روشنفکران به گسترش ابتکار و روشها و اندیشه خلق آنها و به توانایشان در تلقین مهارت حرفه ای با تفکر و اندیشه کاملاً علاقمندیم» (۱).

بچه سبب وظیفه تحکیم اتحاد طبقه کارگر و روشنفکران در مرحله کنونی نیز ضروری و مبرم است؟ دورنمای پیشرفت روشنفکران در شرایط سوسیالیسم پیشرفته چیست؟

حزب ما در پاسخ باین پرسش ها در درجه اول وحدت، در هر آنگاه هم طبقه کارگر و نه آنان و هم روشنفکران و دیگر قشرهای اجتماعی دنیا را میکنند و آن ساختمانها را هم بدون ثبقات است عنوان میکند. راه اتحاد و استواری وحدت اجتماعی - سیاسی مردم راه رسیدن به این هدف است.

بیدایی و تشکل روشنفکران سوسیالیستی بلافاصله پس از بیروزی انقلاب دو وظیفه واحد را در دستور روز قرار میدهد: جلب بخش عمده روشنفکران قدیمی سوسیالیسم و آماده ساختن کارها جدید روشنفکران. در ضمن بطوریکه تجربه تاریخ نشان میدهد هر قدر سطح رشد نیروهای تولیدی در کشور با اثریاد تعدد روشنفکران هم همانقدر بیشتر است و بنا بر این وظیفه جلب آنان با ساختمان سوسیالیسم هم بهمان اندازه بوجهج ترو بزرگتر خواهد بود. بعکس در کشورهای عقب مانده نیاز

بها بجا دکا درها یروشنفکران سوسیالیستی بیشتر احساس میکردند . بدین ترتیب کمونیت‌ها بسته به شرایط گوناگون با وظائف مختلفی سروکار پیدا میکنند . اینک به تاریخ پس از جنگ لهستان نظر می‌فکنیم .

حزب متحده کارگری لهستان پس از برقراری حاکمیت مردم که در نتیجه آزادی سرزمینهای لهستان بوسیله ارتش شوروی و نیروهای لهستان ( سالهای ۱۹۴۵-۱۹۴۴ ) از اشغالگران هیتلری امکان پذیر گردید ، برای پرورش روشنفکران جدید سوسیالیستی که به شرکت فعال در تجدید ساختار و نوسازی کشور و انجام اصلاحات اجتماعی و ایجاد سیستم آموزش و پرورش و تربیت توده ها قادر باشند کوشش فراوانی بعمل آورد . این اقدامات سوئزه از آن جهت مهم بود که در لهستان پیش از سیتا ( سال ۱۹۳۹ ) روشنفکرانی که در سطح عالی تخصص را دارا نهند ، تعدادشان اندک بود و علاوه بر این جنگ آنان را به المراف و اکناف جهان پراکنده کرده بود . سیاست اشغالگران هم تا بودی بیرعمانه آنان بود (۱) .

انجام وظیفه آماده کردن کارگران روشنفکران جدید از میان کارگران نوبه‌فانان با سرعت لازم با موفقیت توأم بوده . یک مثال ساده این سخن را تا بیجا نمیکند . اگر تعداد دانشمندان در رشته های کارجمعی و فکری در سال ۱۹۳۱ به ترتیب ۳۵ میلیون و ۶۰۰ هزار تن بوده ، در سال ۱۹۷۰ این ارقام به ۶۸ میلیون و ۳۷ میلیون رسید (۲) .

ساختار سوسیالیسم با رشد سریع روشنفکران در عرصه مناسبات تولیدی و سیاسی جدید همراه بوده . این بدیده در پیشرفت جامعه و اعتلای سطح علمی و فکری و فرهنگی آن تا نیری سودمند بخشیده . رشد کمی روشنفکران و پیدایش تغییراتی در ساختار تخصصی و مهارت آنها به ترتیب نتیجه و شرط لازم تسریع در پیشرفت اجتماعی اقتصاد کشور بود . تکامل رهبری و مدیریت در موسسات و ضرورت آماده ساختن کارگران اداری و بخشهای خودمختار اجتماعی با تخصصهای هم نقش مهمی در افزایش نیاز به کارشناسان داشتند . طبق آمار سرشماری اخیر ( سال ۱۹۷۰ ) در لهستان ۱۵۵ هزار نفر با تحصیلات عالی وجود داشت که ۳۱ آنها را افراد با تخصصهای علمی تشکیل میدادند (۳) .

حزب با اتکا به قراره فتمین پلنوم کمیته مرکزی حزب متحده کارگری لهستان ( سال ۱۹۷۲ ) درباره وظائف تربیت و پرورش جوانان از آن هنگام تسریع تغییر و تحول در آموزش و پرورش و سطح تخصص کارگران فکری پشتیبانی خواهد کرد . هدف عمده اصلاحات کنونی سیستم آموزش و پرورش عبارت از تأمین تحصیلات متوسطه همگانی و همچنین هماهنگی گرفتن برنامه های آموزشی و سطح تحصیلات با نیازهای و وظائف ساختار اجتماعی جامعه سوسیالیستی پیشرفته در لهستان است .

۱ - تنها در نتیجه گفتار و بحثها در روشنفکران در مرحله ای که هیتلریها آنرا " اقدام AB " نام میدهند ( سالهای ۱۹۴۳-۱۹۴۱ ) بیش از ۳۵۰۰۰ نفر به لاکتوسیدند . کمیسیونهای دیگر نجاریات هیتلریها در لهستان تا امروزه بررسیها را ادامه میدهند . روشنفکران لهستان مشغول است . فهرست قربانیان آن امروزه ۲۰ هزار کارمند ۳۷ رشته تخصصی گوناگون میرسد . طبیعی است که این زیانها نمیتوانست در نخستین مرحله ساختار سوسیالیسم بی تا تیر باعد .

2-Siehe S. Wiederszpil. Klasa robotnicza i inteligencja we wspol-  
czesnym spoleczestwie socjalistycznym. W: Idee Lenina a mied-  
zynarodowy ruch robotniczy. Książka i Wiedza, Warszawa, 1975, S. 62.

3- Siehe etnia, S. 66.

بموجب پیش بینی ها موجود تعداد دانشجویان در موسسات آموزشی عالی تا سال ۱۹۹۰ می تواند دو برابر برسد و به ۱۵۰ هزار تن برسد. چنین آنگاه رشد کارشناسان با تخصص گوناگون امکان میدهد که شاخص اشباع سیستم تربیت کارمندان با تحصیلات عالی را از ۵ تا ۱۰٪ شاغلین افزایش بدهیم (۱). روشنفکران سوسیالیستی مولودان رگانیکی نظام اجتماعی جدیدند. آنان در انجام وظایف مدیریت، اقتصاد، سازماندهی و فرهنگی و تربیتی نقش مهمی ایفا میکنند. ولی پس از پیروزی انقلاب تمام روشنفکران و آنهم یکباره روشنفکر سوسیالیستی نمیشوند. پیدایش و تثبیت اندیشه و عقاید سوسیالیستی در آنان بر اساس اتحاد با طبقه کارگر دورا معینی را در بر میگیرد.

بنظر ما عوامل زیرین تاثير جدی در پيشرفت اتحاد طبقه کارگر و روشنفکران در جریان ساختمان سوسیالیستی دارند. در درجه نخست تغییر و تحول کیفی موقعیت روشنفکران در جامعه و نقش آنان در جامعه سوسیالیستی. مشکل روشنفکران در لهستان پس از جنگ در شرایط اعتدالی سطح فرهنگ و آموزش و پرورش بوده که جریان یافت. در جامعه سوسیالیستی بروی عمومی پیوند کار با آگاهی و روشنفکری تکامل یافته. محدودیتهای تولیدی که به کارگران با تخصصهای و تحصیلات فنی دوره متوسطه نیا ز منداست بطور مستمر گسترش پیدا میکند. در سال ۱۹۶۶ نزدیک به ۲۳ هزار کارگر تکنیسین با تحصیلات متوسطه در مشاغل کارگری انجام وظیفه میکردند ولی در سال ۱۹۷۲ تعداد آنان به بیش از ۱۵۰ هزار تن میرسد. این بروی از این بعد نیز بموازات افزایش تعداد کارشناسان با تحصیلات عالی ادامه خواهد یافت. اکثریت افراد طبقه کارگر صنعتی را در آینده کسانی که تحصیلات متوسطه را بپایان رسانده اند تشکیل خواهند داد. وجود کارگران فنی سازماندهنده تولید و مهندسین در لهستان معاصر یک پدیده عادی است و گواه بر طرف شدن تدریجی مرز میان کار جسمی و فکری است. از سال ۱۹۷۵ مجموعه نانون جدید کار در کشور بمورد اجرا گذارده شده است. این قوانین جدید از نقطه نظر حقوقی اجتماعی میان کارکنان کار جسمی و فکری فرقی نمیگذارد.

نکته دیگر این است که اشتراک منافع سیاسی و اقتصادی طبقه کارگر با منافع روشنفکران هر چه آشکارتر میگردد. در این زمینه نمایندگان حرفه های کار فکری که تعدادشان از همه بیشتر است و از همه استوارتر با تولید پیوند دارند؛ تاثیر تخصصها، مهندسی و فنی و علمی و همچنین تخصصها و وابسته به اقتصاد تولید سازماندهی، برنامه ریزی و اداره تولید این پیوندها منافع را بیشتر آشکار میکنند. و بالاخره مسئله منشا روشنفکران نیز مطرح است. در لهستان امروزه زیاد اتفاقاً می افتد که نمایندگان نسل سنی تر در بسیاری از خانواده ها کارگران و فندولی فرزندان ارشد آنان کارشناسانی با تخصصهای میباشند. نزدیک به ۶۰٪ از روشنفکران معاصر از خانواده های کارگران و دهقانان از زمان دوره دبستان آنها با اصول سوسیالیستی پرورش یافته اند و اندیشه رهبری طبقه کارگر را با آسانی و بطور طبیعی درک میکنند. در حالیکه همین ۱۰ تا ۱۵ سال پیش بخش بزرگی از روشنفکران همیشه با این اصل موافقت نمیکرد.

طبقه کارگر هم در سوسیالیسم برای رشد فکری و روحی خود امکان فراهمی نیست آورد. همه اینها به نایب بودی افسانه ها که منتی مربوط به "بهرتری فرهنگی" روشنفکران خواهد انجامید. در همین حال ارزش و لایه اجتماعی تخصص و شرکت فعال روشنفکران در کارگروهای آنست که امروزه وضع آنان در

1- Siehe M. Zawadzki, "Główne problemy rozwoju kraju w planie perspektywy do 1990r.", "Ideologia i Polityka", Nr. 9, 1974, S. 38.

اجتماع با مقام واقعیشان برابری و همطرازی در نظر گرفته میشود. سیاست حزب که پاسخگوی خواست‌ها و تمایلات تمام زحمتکشان است با بیوند دادن فعالیت روشنفکران و زندگی آنان با منافع تمام خلق نام روشنفکران با مقام بالاثری ارتقاء داده است.

همکاری نزدیک شاغلین کار فکری و جسمی در تولید زندگی اجتماعی و سیاسی و فرهنگی و در عرصه زندگی مشترک سوسیالیستی در مجموعه فعالیت جامعه ما (بوئژه پس از کنگره ششم حزب متحده کارگری لهستان (سال ۱۹۷۷) که استراتژی پیشرفت دینامیک کشور را تدوین کرد) با ذاتاً بخود را یافته است. این همکاری بی‌انگرمی و کوشش شرکت‌کنندگان در تولید برای فرا گرفتن دستاوردها و ماصرت‌قیات علمی و فنی است و بر پایه اندیشه‌های لنین اصل پر خورنده‌ها و جنبه در حل مسائل اقتصادی، سیاسی و فرهنگی و وظیفه ساختمان سوسیالیسم راهم در بر می‌گیرد.

پیدا یی روشنگر و روشنفکران جدید در زندگی اجتماعی- فرهنگی ملت‌ها در راه سوسیالیسم گام نهاده یک پروژه قانونمند است، زیرا خودسرشت این نظام آموختن و استفاده هدفمند و همه‌جانبه دستاوردهای علم و فن، با لایردن سطح دانش و آگاهی‌توده‌ها و پیشرفت وحدت اجتماعی انسان‌ها الزام می‌نماید. در عین حال افزایش سریع تعداد روشنفکران به این معنی نیست که طبقه نویی مفهوم اجتماعی- اقتصادی این کلمه، بطوریکه برخی از جامعه‌شناسان بورژوازی اظهار میکنند، بوجود می‌آید و یا اینکه بدین ترتیب وظیفه اتحاد طبقات مختلف منتفی می‌گردد.

بعکس، روشنفکران سوسیالیستی و گسترش و تعمیق اتحاد آنان با طبقه کارگریه تعمیق پروژه از میان رفتن اختلاف‌های طبقاتی در جامعه می‌انجامد. بطوریکه تجربه لهستان و دیگر کشورهای جامعه‌گشورهای سوسیالیستی نشان می‌دهد که فعالیت‌های روشنفکران و منافع آنان از آرمان‌ها و کمونیستی و ساختمان سوسیالیسم جدا نمی‌شود.

مشکل روشنفکران همانند متحد طبقه کارگری درک وظیفه آنان در زندگی اجتماعی تفکیک‌ناپذیر است. لنین خاطر نشان می‌کرد که "روشنفکر به‌مین سبب نیز روشنفکر نامیده می‌شود که آگاهانه تراز همه قاطع تراز همه و دقیق‌تر از همه پیشرفت منافع طبقاتی و گروه‌بندی‌های سیاسی در سراسر جامعه را بیان می‌کند و منعکس می‌آورد" (۱). گراف و میالغه معمولاً با القباختن نا درست نقش روشنفکران ارتباط دارد که گفته می‌شود گویا قداست بدون طبقه کارگری و مستقل از پیشرفت اجتماعی را معین کند.

بطوریکه زندگی نشان می‌دهد نقش طبقه کارگر در ایجاد سیستم ارزش‌ها و جامعه سوسیالیستی که در جهت رشد موزون شخصیت و شیوه زندگی سوسیالیستی انسان‌ها بکار گرفته می‌شود بطور مستمر افزایش می‌یابد. این نقش بطوریکه برخی‌ها اظهار می‌کنند به روشنفکران "منتقل" نمی‌شود. طبقه کارگر که مدام تجربه بیشتری در ساختمان سوسیالیستی بدست می‌آورد برای ایفای این نقش خود نه تنها از کم‌تقله نظر حرفه‌ای بلکه از لحاظ توجه به ارزش‌های انسانی نظیر درک و پذیرش فرهنگ و هنر نیز آمادگی هرچه بیشتری پیدا می‌کند.

در ضمن روشنفکران هم بدون تردید در ایجاد فرهنگ سوسیالیستی و پیشرفت مناسبات رشد یافته سوسیالیستی در شهرها و روستاها غریک طبقه کارگر اند. در عین حال این نقول آنان در مرحله سوسیالیسم پیشرفته و در جریان حل مسائل بسیار مهمتر بعدی اجتماع است. اقتصاد و فرهنگ افزایش می‌یابد. این مسائل برقرار است:

— آمیختن دستاوردهای انقلاب علمی و فنی با برتری‌های هنر و آداب سوسیالیستی که لازمه آن مبارزه دائم با بروز پراگماتیسم و تکنوکراتیسم و گرایش‌های مایه‌طلبی است که هنوز در بخش معینی از روشنفکران وجود دارد.

— پیشرفت هر چه بیشتر ایدئولوژی و آگاهی سوسیالیستی، تکمیل و تثبیت اخلاق سوسیالیستی و اصول آن در زندگی روزانه که ضرورت نیا را فزونی‌تری به دانستن تئوری‌ها را میسر — این نیستیم و توانا نشی تطبیق آن در عمل نه تنها از طرف روشنفکران شاغل در رشته‌های علوم انسانی بلکه از طرف کارکنان در رشته‌های تکنیک را نیز الزام می‌کند.

— تکامل و پیشرفت دموکراسی سوسیالیستی و تکمیل هر چه بیشتر فعالیت دولت، بویژه وظایف تربیتی آن که بضرورت آماده‌سازی بهتر و آگاهی صحیح کارکنان در راهی رهبری بهیوستیسم تکمیل مستمر کارهای رهبری بوسیله نمایندگان تمام قشرهای جامعه بویژه طبقه کارگر وابسته است. تکامل و پیشرفت دموکراسی سوسیالیستی نیا ز مندمبارزه با ایدئولوژی فردگرائی (اندیویدوالیسم) با مقام برستی، نازپروردگی و عوامفریبی است.

تحکیم نقش رهبری حزب که صفوفش با تعداد هر چه بیشتر از افراد تحصیل کرده پیرمیشود و پایه و اساس تمام کارهای پیش‌گفته نوین و مومعیت تازه روشنفکران در شرایط اجتماعی جامعه سوسیالیستی پیشرفته است. طبیعی است که خواسته‌ها و توقعات جامعه از روشنفکران هم معافند اعضا هسته پیشرو و حمتکشان افزایش می‌یابد.

اتحاد طبقه کارگر و روشنفکران تحت رهبری حزب در دوران ساختن سوسیالیسم پیشرفته در دو سمت اصلی تکامل یافته و تحکیم می‌گردد.

اول در راه گسترش شرکت طبقه کارگر و روشنفکران در پروسه انحلال اختلافات و یلبقانی در جامعه و در درجه اول در از بین رفتن مرز و فاصله میان کار فکری و جسمی. در این رشته بطوریکه رفیق گروگناط نشان کرده‌مان " وحدت میان مهارت و تفکر و اندیشه " بویژه دارای اهمیت است. زیرا این موضوع بخصوص خصلت سوسیالیستی پیشرفت انقلاب علمی و فنی در لهستان را معین خواهد کرد. حل این مسئله رسیدن به وحدت مهارت و اندیشه و تفکر امر مشترک کارگران و روشنفکران و موضوع مورد توجه مخصوص کارکنان جبهه ایدئولوژی و تربیت حزب متحد کارگری لهستان است.

سمت دوم، اشتراک هر چه فعلی‌تر طبقه کارگر و روشنفکران در پروسه از بین بردن تمایزات و اختلافات در ساختارهای اجتماعی معین نوع " روستا - شهر " و " کار در رشته کفا و ورزی صنایع " و " شرایط زندگی فرهنگی در روستا و در شهر " است. طبق برنامه در از مدت رشته کفا و ورزی و افزایش تولید مواد غذایی که در سال ۱۹۷۴ در برنامه نهمین بلنوم کمیته مرکزی حزب متحد کارگری لهستان بتمویب رسیدن ما به گذاری در مکانیزاسیون، تولید کونهای معدنی و در صنایع تبدیلی در سالهای ۱۹۸۰-۱۹۷۵ نسبت به پنجساله پیش چندین بار افزایش می‌یابد. بی‌مناجاتی این اقدام اعتلای سطح فرهنگ روستاها خواهد بود. نقایح واقعی کارگران و تکنیسین‌ها و طراحانی که استفاده از وسایل مدرن تولید را تعمیم و گسترش مینهند در روستاها تا نیر خواهد بخشید. به تعداد روشنفکرانی هم که بدون واسطه در عرصه امور کفا و ورزی فعالیت میکنند افزوده خواهند شد. طبقه کارگر و روشنفکران مشترک آلات و ابزار مدرن صنعتی را در تولید کفا و ورزی مورد استفاده قرار میدهند و در زندگی روستایی، شیوه زندگی و فرهنگ، تغییر و تحول بوجود می‌آورند. و بدین ترتیب مضمون سوسیالیستی اتحاد طبقه‌ای اصلی لهستان بوده ای یعنی اتحاد کارگران و دهقانان را عمیق‌تر خواهد کرد.



تکا ملو بیشرقت جا معہ ما طہی ہی ہا ل اخیر درجہت ایجا دعلائق استوار میان روشن فکران نویسن  
 و سوسیا لیستی ہا کارگران و روستائیان و درک نقش متحدان بین طبقات از طرف روشن فکران بودہ است .  
 برنامہ حزب دررشتہ بیشرقت اقتصادہ تحکیم و بیشرقت دولت تودہ ایہ تعمیق پروہ تربیت  
 سوسیا لیستی و وعدہ فرہنگی تودہ ہا برپا یہ اتحاد طبقہ کارگر با دہقانان و روشن فکران استوار است  
 حزب با بیروی بدوزوقفہ از سیاست اتحادشاغلین کار فکری و جسمی ارتباط ارگانیک و نا  
 گسستنیا بین دونوع فعالیت انسا نورا تا کید می کنند . در سندنکفران نرجہا نیہا ل ۱۹۶۹ گفته شدہ  
 است ہا این اتحاد " در مبارزہ بخاطر صلح ، دموکراسی و ترقی اجتماعی بہ نیروی ہرچہ مهمتری  
 مبدل میشود . . . " ( ۱ ) . نقش رہبری کنندہ طبقہ کارگر و سیاست درست و مبتنی برپا یہ های علمی  
 حزب کہ درجہت تحکیم وحدت اجتماعی - سیاسی خلق است برای تطبیق و استفادہ کامل از تجربی  
 دانائی ، استعداد و ابتکار خلاق روشن فکران در نظام سوسیا لیستی محیط و شرایط لازم را فراہم  
 می آورد .

---

۱ - " کنفرانس جہا نیہا ل احزاب کمونیست و کارگری " مسکو ۱۹۶۹ " ( بزبان روسی ) پراگ ،  
 انتشارات " صلح سوسیا لیسم " ۱۹۶۹ ، ص ۲۶ .

# برخی اطلاعات در باره احزاب کمونیست و کارگری

(بقیه از شماره های پیشین)

## حزب کمونیست پرو

این حزب هفتم اکتبر سال ۱۹۲۸ وسیله خوزه کارلوس ماریاتگی مارکسیست شهبیر پرو بنیانگذاری شد. کمونیست ها در شرایط بفرنج زندگی در پرو همواره با ورخستگی ناپذیر در راه آزاد ی نهائسی مین خویش و در راه سوسیالیسم مبارزه کرده اند.

کمونیست های پرو با نیروی از وصایای ماریاتگی و انطابق مارکسیسم با واقعیات ملی کشور خویش در راه مبارزه برای و تعمیق دگرگونی های ضد امپریالیستی و ضد الیگارشسی که از سوم اکتبر سال ۱۹۶۸ از طرف دولت انقلابی نیروهای مسلح آغاز گردید مبارزه میکنند. ششمین کنگره ملی در نوامبر ۱۹۷۳ مشق انقلابی روشن و دقیق مسئله اصولی پشتیبانی از دولت انقلابی را معلوم و مشخص کرد. در کنگره دین انقلابی را تازمیشد: کمونیست ها که در مسائل ایدئولوژیک گذشت نمیکند و در عین حال در مسائل سیاسی برتر بخرج میدهند برای عقیده اند که بقیه کارگرایان در دولت انقلابی، با آنکه یک دولت مارکسیستی نیست متحد شو و از پیرو سه انقلابی کنونی اگر چه از جانب طبقه کارگر رهبری نمیشود دفاع کند. حزب پرچمدار وحدت در مبارزه ضد امپریالیستی و ضد الیگارشسی است و میکوشد توده های انبوه را برای پشتیبانی از دگرگونی انقلابی دولت بسج کند.

چهارمین کنفرانس ملی که در آوریل سال ۱۹۷۵ برگزار شد مسائل مربوط به استحکام سازمانی حزب را مورد بررسی قرار داد. این نکته خاص نشان گردید که تحقق مشی سیاسی حزب کمونیست پرو برای پیشرفت و تکامل حزب شرایط لازم را فراهم میآورد. حزب کمونیست پرو تنها حزبی است که هم از لحاظ کمی و هم از لحاظ کیفی تکامل میابد. طی شش سال اعضای حزب چهار برابر شده است. کنفرانس با تاکید اینکه حزب با وعده روی طبقه کارگر تاثیر میبخشد امکانات عظیم پیشرفت حزب را در آینده خاص نشان ساخت. اکنون، همانا ور که گفته شد، کارمیان قشر های متوسط اهالی شهرها و روستاها، میان افراد کشوری و لشکری، میان مردم متدین و کسانیکه معتقد ب مذهب نیستند، میان روشنفکران و دارندگان مشاغل آزاد و حتی میان خرد مالکان و بازرگانان کوچک و بیسهران که کم و بیش مورد استثمار و انحصارهای خارجی و الیگارشسی قرار دارند، بمنظور جلب آنان بسوی طبقه کارگر اهمیت فراوان کسب میکند.

کمونیست ها در احیان کنفدراسیون همگانی زحمتکشان پرو، سندیکای مرکزی کارگران که خوزه کارلوس ماریاتگی در سال ۱۹۲۱ تاسیس کرد نقش بزرگی ایفا کردند. کنفدراسیون همگانی زحمتکشان پرو که در سال ۱۹۷۱ برسمیت شناخته شد، اینک بیش از نیم میلیون از زحمتکشان را در صفوف خویش متشکل کرده است.

ست

حزب کمونیست پرو بر پایه مرکزیت دموکراتیک ایجاد گردیده است. کنگره ملی ارگان عالی حزب است و در فاصله د و کنگره کمیته مرکزی و کمیسیون های ملی آن این مقام را دارا میباشند.

مطبوعات حزبی - نشریه هفتگی " اونداد " ( وحدت ) ارگان کمیته مرکزی حزب کمونیست پرو است .

### حزب کمونیست رئونین

این حزب در ماه مه سال ۱۹۵۹ در زمینه فدراسیون حزب کمونیست فرانسه ایجاد گردید . حزب کمونیست رئونین بر نفوذترین نیروی سیاسی در رئونین است و مبارزه در راه و انگذاری خود مختاری سیاسی به جزیره در چارچوب اتحاد با فرانسه راهبری میکند . برای تحقق این خواسته نخست باید مجلس قانونگذاری تشکیل گردد و ارگان مجریه ای بوجود آید که محقق داشته باشد تمام مسائل داخلی مربوط با اهالی راحل و فصل نماید و همچنین ارگانی برای ۵۰ ماهه نگه داشتن مناسبات با فرانسه ایجاد شود .

در برنامه کمونیست شاملی کردن صنایع قند ، اصلاحات ارضی عمیق ، نه‌ارت برابرزگانسی خارجی و تدابیر دیگر اجتماعی - اقتصادی در نظر گرفته شده است . حزب کمونیست رئونین هسم چینی با میلیتاریزه کردن جزایر اقیانوس هند و ایجاد پایگاه های نظامی امریکا ، انگلیس و فرانسه در آنها مخالفت میکند .

حزب کمونیست رئونین که بنا بر پیگیری مبارزات زحمتکشان رئونین راه را خواستهای اقتصادی و برعلیه نقض آزادیهای انتخاباتی و دیگر آزادیهای دموکراتیک رهبری میکند ، به اتحادیه های کارگری که در کنفدراسیون همگانی کار متحد شده اند ، به اتحادیه زنان رئونین ، جنبه جوانان و قدرا خود مختاری و دیگر سازمانها و دموکراتیک متکی است .

کمونیست ها ، علیرغم تعقیب های مستمر حزب از طرف دولت ، بصارزه پرتحرک برعلیه خود کامگی استعمار ، و در راه منافع حیاتی زحمتکشان ادامه میدهند . پیروی از مشی وحدت عمل با سوسیالیست های رئونین و کاتولیک های چپ و راست حکام روابط خود با دیگر احزاب کمونیست سرزمین های فرانسه در ماورا ، دریاها به تشدید نفوذ حزب کمونیست رئونین میان اهالی کمک میکند . این خواست نیروهای دموکرات سرزمین های آنسوی دریا های فرانسه در باره واگذاری خود مختاری بدانها در برنامه مشترک نیروهای چپ فرانسه نیز آورده شده است .

ارگان های رهبری به ترتیب عبارتند از کنگره حزب ، کمیته مرکزی ، بیوروی سیاسی ، و دبیرخانه حزب . آخرین کنگره حزب کمونیست رئونین یا کنگره سوم در ژوئیه ۱۹۷۲ تشکیل یافت . در کنگره مسائل روز حزب در باره اتحاد نیروهای دموکرات جزیره در مبارزه برای بدست آوردن خود مختاری سیاسی مورد بحث و مذاکره قرار گرفت .

مطبوعات حزبی : روزنامه " تموانیاژ " ( Temoinages ) ارگان مرکزی حزب کمونیست رئونین است .

### حزب کارکره

حزب کارکره وارث مستقیم سنن پرافتخار انقلابی است که تحت رهبری رفیق کیم ایرسن در مبارزه انقلابی مردم کره بر ضد ستم استعماری ژاپن بوجود آمد . در آثر نبرد برات احیای کشور و در مبارزه دشوار برعلیه اشعاعیگری ( فراکسیونیسیم ) و انواع اپورتونیسیم پایه های استواران و نولوژیک و سازمانی برای تشکیل این حزب بنیاد نهاده شد . دهم اکتبر سال ۱۹۴۵ بر پایه مقدمات انجام شده بابتکار رفیق کیم ایرسن کنگره موسسان حزب در یخینیانگ تشکیل گردید . کنگره تشکیل حزب کمونیست کره را اعلام داشت و کمیته مرکزی حزب کمونیست کره شمالی را بوجود آورد . ( روز دهم اکتبر

در کره ۵۰ مانند روزتاسیس حزب کارکره برگذار میشود .

حزب کمونیست با تقاضای خواستهای پیشرفت انقلاب و خود حزب به حزب کار یعنی حزب توده ای مردم زحمتکش که در عین تقسیم شدن صورتی به احزاب کره شمالی و کره جنوبی فعالیت میکرد ، تکامل یافت . جریان قضیه از این قرار بود که در کره شمالی در اوت سال ۱۹۴۶ حزب کمونیست با حزب دیگر زحمتکشان یعنی حزب دموکرات جدید برپایه اصول ساختمان حزبی مارکسیستی-لنینیستی حزب کمونیست متحد گردید و حزب واحد توده ای زحمتکش یعنی حزب کارکره شمالی را بوجود آورد ، در کره جنوبی در نوامبر سال ۱۹۴۶ حزب کمونیست با احزاب دموکرات جدید و خلشق یک حزب واحد بنام حزب کارکره جنوبی تشکیل دادند . در ژوئن سال ۱۹۴۱ حزب کارکره شمالی و حزب کارکره جنوبی متحد گردیدند و حزب واحد بنام حزب کارکره را بوجود آوردند .

حزب کارکره ۵۰ مانند دسته پیشتازومتشکل طبقه کارگر و تمام توده ای زحمتکش کره مبارزان پیشرو را از میان کارگران ، دهقانان و روشنفکران و دیگر زحمتکشان بصوفه خود می پذیرد . علاقه حزب که از دانش ، دلسوزی و تلم و تشکیلی گردید نشان دهنده این اصل است .

حزب کارکره برپایه اصل منافع ای- تولید و بنیانها رده شده است . حوزه های حزبی که در کارخانه ها ، تعاونی های روستایی و ننگاه های فرهنگی بوجود آورد همیشه سازمان اساسی حزب را تشکیل میدهند . این حوزه ها به ترتیب در سازمان های بخش ، ناحیه و منطقه آن شهر ها و سازمان های شهرها بنویسه خود در سازمان های ایالتی و شهری ( یا تابعیت مستقیم ویلا واسطه ۵۰ رازیا سازمان های ولایتی ) داخل میشوند . سازمان های حزبی با ۵۰ مین سلسله مراتب در ارتش خلشق کره ۵۰ نیز وجود دارد .

کنگره ارگان عالی حزب کارکره است . کنگره کمیته مرکزی حزب را بر میگزیند . کمیته مرکزی بصورتی سه هیئت دبیران و دبیران کمیته مرکزی را انتخاب میکند .  
مطبوعات حزبی : روزنامه " نودون سین مون " ( نامه کارگر ) و ماهنامه " تئوری " " کین نوج ژا " ( زحمتکشان ) ارگان های حزبی حزب کارکره است .

### حزب ترقی و سوسیالیسم مراکش

حزب ترقی و سوسیالیسم مراکش در اوت سال ۱۹۲۴ شروع فعالیت کرد . به اوریکه سیدانیم حزب کمونیست مراکش از سال ۱۹۴۳ تا ۱۹۶۸ به او آکنیود مراکش فعالیت میکرد و حزب رهائی و سوسیالیسم که در سال ۱۹۶۸ بجای آن بوجود آورده شد این فعالیت را دنبال نمود . ولی جنبش کمونیستی در مراکش از آغاز پیدایش خود عملاً از حق فعالیت علنی محروم شده بود . در تمام دوران قیمومت فرانسه تا لغای آن در سال ۱۹۵۶ کمونیست ها در وضع غیر علنی فعالیت میکردند . پیر از آنکه مردم به استقلال کشورناش آمدند برای فعالیت نیمه علنی حزب که در اثر وضع سیاسی موجود در کشور اغلب شبیه به کار غیر علنی و گاهی شبیه فعالیت آشکار بود ، امکان فراهم آمد . در نتیجه اعتدالی تازه جنبش ضد امپریالیستی در مراکش ایجاد حزب علنی ترقی و سوسیالیسم امکان پذیر گردید .

حزب ترقی و سوسیالیسم مراکش برنامه جامع و سازنده را مطرح ساخت که هدف آن مبارزه پیگیر ضد امپریالیستی و مبارزه در راه ترقی در عرصه های اقتصادی ، اجتماعی و فرهنگی است . این حزب بمنزله پیشتاز طبقه کارگر و قشر های تهیدست دهقانان و بانکاء به تئوری سوسیالیسم علمی در این مبارزه گام نهاده و عزم قاطع دارد که در راه تکامل انقلاب ملی دموکراتیک و ساختمان جامعه ای برپایه عدالت اجتماعی کامل مبارزه ادامه دهد . حزب ترقی و سوسیالیسم دفاع از استقلال سیاسی و اقتصادی کشور ، انجام اصلاحات ارضی ، آزادی کامل اقتصاد ملی از زیر نفوذ امپریالیسم و ملی کردن

بخش های عمده اقتصاد را و تأثیر نزدیک خود بشمار می آورد . این حزب از شعار آزادی سرزمین هائی که هنوز تحت اشغال اسپانیا است و از ادیان یکپارچگی ارضی مراکز دفاع میکند . حزب در عین پشتیبانی از دلبیرد ولت در دفاع از منافع عمومی ملی و هم بود شرایط زندگی و کار با بقیه کارگر ، دهقانان و تمام زحمتکشان ، با تلاشهای محاف ارتجاعی برای برکنار نگه داشتن نیروهای مترقی و دموکراتیک از شرکت در ررتن وقت امور کشور مخالفت میکند و بر این عقیده است که با بقیه کارگر و پیکر قشرهای توده های زحمتکش باید مقامی زا که با وزن اجتماعی - اقتصادی و تحریک سیاسی آنها مطابقت دارد در اتحاد ملی بدست آورند . حزب ترقی و سوسیالیسم خواستار تشکیل دولت وحدت ملی است که نمایندگانی تمام نیروهای ضد امپریالیست در ترکیب آن شرکت داشته باشد . حزب خواستار آزادی تمام زندانیان سیاسی است و تمهیدات وین و تصویب قانون اساسی جدید مراکز را که حق حاکمیت خلق را بیدیرد و با آمال و آرزوی مردم تطابق کامل داشته باشد و پاسخگوی خواستهای تاریخی ، سیاسی و اجتماعی اقتصاد در دوران کنونی باشد از ضروریات شمار می آورد .

حزب ترقی و سوسیالیسم در فعالیت سیاست خارجی خود از منشی وحدت جنبش بین المللی کارگری و تمام نیروهائی که بر علیه امپریالیسم ، استه مارتو ، صهیونیسم و ارتجاع داخلی مبارزه میکنند پیروی میکند و از استحکام روابط میان احزاب برادریمت و راستوار ساختن وحدت جنبش بین المللی کمونیستین پشتیبانی مینماید . این حزب خواستار آنست که دولت مراکز سیاست ضد امپریالیستی در پیش گیرد .

در آغاز سال ۱۹۷۵ در شرایط کار کاملاً علنی کنکره ملی حزب ترقی و سوسیالیسم تشکیل شد . کنکره گزارش سیاسی کمیته مرکزی را تصویب کرد ، برنامه و اساسنامه حزب را بشصوب رساند و ارگانهای رهبری حزب را برگزید . در اساسنامه حزب ترقی و سوسیالیسم قید شده است که حزب بر پایه اصول مرکزیت دموکراتیک بنیاد نهاده شده است . حوزهها ، سازمانهای اولیه حزب ترقی و سوسیالیسم را بپود و بسا آوردند . حوزه با شترک حداقل سه نفر از اعضای حزب در محل کار و یا سکونت آنها بوجود می آید . کنکره ملی که غالبترین ارکان حزب است هر دو سال یکبار تشکیل داده میشود . کنکره کمیته مرکزی ، کمیسیون بازرسی مرکزی و کمیسیون ملی بازرسی مالی را انتخاب میکند . کمیته مرکزی رهبری حزب را بر عهده می آید که کنکره تعیین میکند انجام میدهد . کمیته مرکزی از میان خود پیروی سیاسی ، دبیر کل و هیئت دبیران حزب را انتخاب میکند .

مطبوعات حزبی : حزب ترقی و سوسیالیسم مجله ماهانه " المادی " ( اصول ) را انتشار میدهد . رفیق علی پسته دبیر کل حزب ترقی و سوسیالیسم مدیر مسئول روزنامه مستقل " البیان " است .

#### حزب کمونیست اکوادور

حزب کمونیست اکوادور در سال ۱۹۲۵ بر پایه گروه های " بخش کمونیستی تبلیغ و فعالیت بنام لنین " ایجاد گردید . کنکره موسسان حزب سوسیالیست اکوادور در سال ۱۹۲۶ تحت تأثیر گروههای کمونیستی بنام گرفت به کمینترن پیوند داد . نام کنونی حزب در دومین کنکره آن در سال ۱۹۳۱ به تصویب رسید .

حزب کمونیست اکوادور نمایندگان با بقیه کارگر ، دهقانان ، دانشمندان و روشنفکران را در صفوف خود متحد میکند . کمونیست ها در سال ۱۹۴۴ در عصیان بر علیه رژیم ارتجاعی پرزیدنت آریو دل ریو با موفقیت شرکت کردند . در ترکیب مجمع موسسان دولت فله الیت کردند و متکثر تهیه وند وین قانون اساسی مرفقی سال ۱۹۴۵ بودند . حزب کمونیست اکوادور در مبارزه برای بریدن پایگاههای

نظامی امریکاد را کواد ور شرکت جست و بایشتیانی تمام نیروها را د موکراتیک بد ولت اکواد و بر برای الغای پایگاههای نظامی ایالات متحد ه امریکاد ر نقاط مختلفه کشور یاری رساند . در نتیجه د ولت اکواد ور در سال ١٩٤٨ به این خواست خود تحقق بخشید .

حزب کمونیست اکواد ور متکرر وجود آورنده سازمانهای توده ای مانند : کنگد راسیون زحمتکشان اکواد ور ( که نزد یک به ٨٠٪ کارگران و کارمندان را که در سنند یکا ده متحد شده اند در بر میگردد ) ، فدراسیون سرخ بوستان اکواد ور ، فدراسیون دانش و یان دانشگاهها ، فدراسیون کارگران کشاورزی سواحل وغیره است .

حزب کمونیست اکواد ور طی دوران دیکتاتور نظامی ( ١٩٦٦-١٩٦٣ ) فعالیت غیرعلنی داشت و رهبران در زندانها بسر میبردند . برخی از آنان به هلاکت رسیدند . حزب کمونیست اکواد ور در مارچ سال ١٩٦٦ ، بر اساس رنگونی رژیم دیکتاتور ب فعالیت علنی پرداخت و مبارزات زحمتکشان را در راه هدف های حزب و منافع مردم رهبری کرد . هشتمین کنگره حزب کمونیست اکواد ور ( سال ١٩٦٦ ) برنامه حزب را تصویب رساند . در برنامه گفته شده است هدف حزب تحقق انقلاب آزاد بیخبر ملی است که جنبه ضد امپریالیستی ، ضد فئودالی و دموکراتیک داشته باشد و به انقلاب سوسیالیستی مبدل گردد .

حزب کمونیست در عین پشتیبانی از اقدامات مترقی دولت از آنجه که با رعد هائی که پرازوی کار آمدن ( در سال ١٩٧٢ ) مردم داده مفایرت دارد انتقاد میکند . بدین سبب م به نفوذ و اعتبار آن افزود همیشه و .

نهمین کنگره حزب کمونیست اکواد ور ( سال ١٩٧٣ ) گزارشهای مربوط به اوضاع سیاسی داخلی کشور و فعالیت حزب را مورد بحث و مذاکره قرار داد و اعضای کمیته مرکزی جدید را انتخاب کرد و همبستگی خود را با مردم شیلی اعلام داشت .

حزب کمونیست اکواد ور بر پایه اصول مرکزیت دموکراتیک تشکیل شده است . کنگره عالی ترین ارگان حزبی است . در فاصله میان دو کنگره کمیته مرکزی رهبری حزب را بر عهده دارد . مابوعات حزبی : نامه هفتگی " ال پوایلو " ( مردم ) ارگان مرکزی حزب است .

### حزب کمونیست مارتینیک

جنبش کمونیستی د مارتینیک در سال ١٩٢٠ آغاز شد . سازمان کمونیست های مارتینیک که گروه های مارکسیست را در بر میگرفت در سال ١٩٣٦ با حقوق فدراتیوبه حزب کمونیست فرانسه پیوست . این سازمان در سال ١٩٥٧ بصورت حزب کمونیست مارتینیک درآمد .

حزب کمونیست مارتینیک خواستار واگذاری حقوق و مزایای سیاسی جدید به مارتینیک و برقراری حکومت خود مختار د موکراتیک در آنجا است . ایجاد مجمعی از ریژ انتخابات عمومی و ارگان اجرایی که در مقابل این مجمع مسئولیت داشته باشد و همچنین ایجاد ارگانی برای همکاری با فرانسه نیز در نظر گرفته شده است . حزب کمونیست مارتینیک برای رسیدن به این هدف ها در راه ایجاد جبهه گسترده ضد استعماراری که طبقه کارگر و دهقانان هسته مرکزی آنرا تشکیل دهند تلاش میکند .

حزب کمونیست مارتینیک یکی از متکررین اجلاسیه نمایندگان سازمانها را ضد امپریالیستی " ایالات آنسوی دریا های " فرانسه در اوت سال ١٩٧١ در ( مَرن روز ) بود . در این اجلاسیه اعلامیه ای با درخواست واگذاری خود مختاری به این ایالات بتصویب رسید . کنگره پنجم حزب کمونیست مارتینیک ( ٣١-٣٠ دسامبر سال ١٩٧٢ ) قطعنامه مشروحی در

تأیید مشی سیاسی حزب که در جهت مبارزه در راه خود مختاری مارتینیک و تحکیم وحدت جنبش جهانی کمونیستی است به تصویب رسانید . کنگره خط رچپ روی در جنبش ضد استعماری را که مانع ایجاد وحدت در مبارزه علیه استعمار است خادار نشان ساخت و کمونیست ها را به تحکیم حزب برای مبارزه در راه برآوردن نیازهای میرزحمتکشان ، افشای اپورتونیسم راست و تجدیدنظرطلبی چپ ، فراخواند . حزب بر پایه ملامت مناطقی - تولیدی بنیاد نهاده شده است ( سازمانهای اولیه در موسسه رشته های مختلف و محل سکونت ایجاد میگردد ) . حزب در تمام کشور حوزه های حزبی دارد . در چهار بخش از کشور انجمن های شهرداری تحت کنترل حزب است و در دو بخش دیگر نیز نماینده دارد . در شورای عالی ۴ تن از کمونیست ها بسمت نمایندگی شرکت دارند .

کنگره ارگان عالی حزب کمونیست مارتینیک است ( هر چهار سال یکبار تشکیل میشود ) . کنگره کمیته مرکزی را انتخاب میکند و کمیته مرکزی از میان اعضای خود کمیسیون سیاسی ، هیئت دبیران و دبیرکل حزب را برمیگزیند .

مطبوعات حزبی : روزنامه " ژوستیس " ( عدالت ) ارگان مرکزی و مجله " آکسیون " ( اقدام ) ارگان شورایی حزب است .

اطلاعاتی که از حزب کارگره ، حزب ترقی و سوسیالیسم مراکش و احزاب کمونیست اکوادور و مارتینیک به ما رسیدند آخرین بخش از اطلاعات مربوط به قسمت " برخی اطلاعات درباره احزاب کمونیست و کارگری " است . طی سه سال اطلاعاتی درباره ۷۵ حزب کمونیست و کارگری منتشر گردید . این اطلاعات را خود احزاب تهیه کرده اند و فقط در برخی از موارد از اطلاعاتیکه در نشریات حزبی حزب مورد نیاز انتشار یافته استفاده شده است .

مجله 'مسائل بین‌المللی' که هر دو ماه یکبار انتشار می‌یابد، به تشریح مسائل تئوریک و سیاسی جنبش جهانی کارگری اختصاص دارد.

مندرجات این مجله از میان مقالات مجله 'مسائل صلح و سوسیالیسم' که نشریه تئوریک و اطلاعاتی احزاب کمونیست و کارگری و منعکس‌کننده نظریات و اندیشه‌های آنانست، انتخاب و ترجمه می‌شود.

در این شماره منتخبی از مقالات شماره‌های ۱۱ و ۱۲ (نوامبر - دسامبر) سال ۱۹۷۵ مجله 'مسائل صلح و سوسیالیسم' بچاپ رسیده است.

خوانندگان عزیز!

باین نشانی با ما مکاتبه کنید:

P. B. 49034  
10028 Stockholm 49  
Sweden

شماره حساب بانکی جدید مجله  
'مسائل بین‌المللی':

Berlin  
Deutsche  
Außenhandelsbank A. G.  
Konto-Nr. 9608-3131-0010